

ماهنامه تحلیل
ویژه هادیان سیاسی بسیج

امام خمینی (ره):

همه گرفتاریهای مسلمین از آمریکا است،
هر چه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید.

هدایت

سال سیزدهم

سال ۱۳۹۲

شماره - ۱۴۳



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ماهنامه

هدایت

«نشریه تحلیلی سیاسی»

«ویژه هادیان سیاسی»

معاونت سیاسی

نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

مهر ۱۳۹۲

«هدایت»
«ماهنامه تملیلی سیاسی»

صاحب امتیاز: نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

مدیر مسؤول: عبدالله داورزنی

سردبیر: حمید عبداللهی

تایپ و صفحه آرایی: شهلا مهدوی

طرح جلد: عباس رستمی

مخاطبین: هادیان سیاسی

همکاران این شماره:

۱- رمضان شعبانی سارویی ۲- علی مرادزاده ۳- عبدالله داورزنی

۴- احد کریم خانی ۵- بهزاد کاظمی ۶- عباسعلی بیگدلی

۷- فرزانه شهیدی

شمارگان: ۷/۷۷۲

نشانی: تهران - صندوق پستی ۳۶۴ - ۱۷۸۴۵

تلفن و نمابر نشریه: ۶ - ۳۳۲۳۹۶۷۳

پست الکترونیکی هادی (ایمیل): ssb۱۰@yahoo.com E-mail:

نشانی ما روی شبکه: www.hadinews.ir

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه

خوانندگان ارجمند:

- ❁ ماهنامه هدایت متعلق به هادیان سیاسی می‌باشد، فلذا بخشی از مقالات نشریه به مطالب ارسالی هادیان سیاسی اختصاص دارد، انتظار می‌رود هادیان عزیز ما را یاری فرمایند.
- ❁ انتقادات و پیشنهادات ارسالی هادیان سیاسی، موجب غنای مطالب این نشریه خواهد شد.
- ❁ مقالات و مطالب ارسالی برای نشریه، مسترد نخواهد شد.
- ❁ نشریه هدایت در اصلاح، ویرایش، تلخیص و چاپ مطالب آزاد است.
- ❁ نقل مطالب با ذکر مأخذ، بلامانع است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
------	-------

۱.....	سفن هدایت.....
--------	----------------

۵.....	کلام نور.....
--------	---------------

بفش سیاسی

۱۳.....	* گفتمان تولید علم در اندیشه مقام معظم رهبری.....
۳۲.....	* نگاهی به ابعاد رویارویی اسلام و غرب در تحولات منطقه.....
۵۱.....	* فرصت طلبی اصلاح طلبان در دولت "اعتدال"؛ چرایی و چگونگی.....
۶۵.....	* آیا دستاوردهای سفر نیویورک یخهای روابط ایران و آمریکا را باز خواهد کرد؟.....
۷۶.....	* رویکرد جنگ طلبانه آمریکا علیه سوریه و عقب نشینی اوپاما.....

بخش اقتصادی

۸۹..... * راه‌های عبور از تحریم‌ها

اندیشه سیاسی اسلام

۱۰۱..... اندیشه سیاسی شهید مطهری

۱۲۳..... بخش پرسش و پاسخ



یکی از مهمترین مساله در حوزه سياستگذاری هر کشور، مساله سياست خارجی است که سرنوشت آن کشور را در این حوزه رقم می‌زند. سياست خارجی جمهوری اسلامی ایران هم در بعد از انقلاب اسلامی نسبت به پیش از انقلاب دستخوش تغییرات و رویکردهای متفاوتی در منطقه و بین‌المللی شده است. چارچوب راهبردی سياست خارجی جمهوری اسلامی ایران را قانون اساسی؛ مشخص کرده است، بنا بر این مسئولین و دولتمردان بر اساس وظیفه و حیطه اختیاراتی که قانون برایشان تعیین و مشخص نموده است در عرصه سياست خارجی فعال خواهند بود.

سياست خارجی جمهوری اسلامی ایران با توجه به فرمایش رهبر معظم انقلاب در سخنرانی اخیر که فرمودند در این سالها جبهه‌بندی‌های منطقه‌ای و جهانی آشکار شده، نرمش و انعطاف و مانور هنرمندانه و قهرمانانه در همه‌ی عرصه‌های سیاسی، یک کار مطلوب و

مورد قبولی است، لکن «نرمش قهرمانانه» یک نقشه راه و یک مدل کلان است که می‌تواند عالی، ضعیف یا بد به اجرا درآید، مانند نقشه مهندسی یک بنای بلند که ممکن است درست یا آمیخته با اشتباه اجرا شود. البته این مانور هنرمندانه نبایستی به معنای عبور از خطوط قرمز، یا برگشتن از راهبردهای اساسی، یا عدم توجه به آرمان‌ها باشد. به عبارتی دیگر نرمش قهرمانانه به معنای عدول از مواضع و اصول نیست، بلکه نرمش قهرمانانه نوعی مانور و انعطاف در سیاست خارجی است که باید در شرایط قدرت معنا پیدا کرده و در سطح تاکتیک برای تحقق راهبردهای معین شده به اجرا در می‌آید.

برای نرمش قهرمانانه ویژگی‌های می‌توان بر شمرد که این ویژگیها ثمره‌ی مقاومت و ایستادگی در برابر نظام سلطه است، بنا بر این نرمش قهرمانانه به مفهوم سازش و کوتاه آمدن نیست. نرمش قهرمانانه ایستادگی در راستای تحقق اهداف اصلی و آرمان‌های انقلاب اسلامی است که متکی به همان اصول اساسی دیپلماسی دینی عزت، حکمت و مصلحت است. نرمش قهرمانانه تاکتیک و روش است نه هدف و راهبرد، و یک دیپلمات علاوه بر ابتکار عمل هوشمندانه در این عرصه، نیاز به شناخت و فهم صحیح از دشمن، اهداف، راهبردها و تاکتیک‌های او دارد و باید مراقب باشد که با غفلت از ماهیت دشمن و اهداف او خطوط قرمز و راهبردهای اساسی نظام را به خطر نیاندازد. سیاست نه شرقی و نه غربی انقلاب اسلامی که برگرفته از اصل نفی سلطه بیگانه، نفی ظلم و ظلم پذیری، حفظ استقلال و عدم وابستگی کشور به شرق و غرب، حفظ تمامیت ارضی و دفاع از مظلومین و مستضعفان است، در سیاست خارجی تعیین کننده مسیر حرکت به سوی اهداف و آرمانهای نظام

باید به عنوان چراغ راهنما برای دولتمردان و مسئولین این حوزه باشد. نرمش قهرمانانه تاکتیک و تکنیک نظام است که مسئولین با این روش به اصول توجه جدی داشته اما نسبت به حواشی نرمش نشان می‌دهند. اصل برای ما منافع کشور است. قهرمانی که در تکنیک به تعبیر رهبری نرمش به خرج می‌دهد، می‌خواهد زمین نخورد. اصل بر این است که پشتش به خاک نخورد، منتهی در عملیاتش نرمش دارد. پس نرمش ما برای حفظ آن منافع است که برای ما حیاتی هستند.

امروز اعتبار و نام جمهوری اسلامی در صحنه‌ی بین‌الملل همراه شده با ظلم‌ستیزی، با استقامت و با شجاعت، این که گفته شود ایران در موضع ضعف قرار دارد و به خاطر تحریم‌ها و فشارها باید نرمش نشان دهد، خود القاء دشمن است. نرمشی که رهبر معظم انقلاب اشاره فرمودند، یعنی دیپلماسی ما باید از جایی که قرار دارد یک مدار ارتقاء پیدا کند. دیپلماسی ما باید درخور این شأنی باشد که الان نظام دارد.

سرانجام اینکه مسئولین مراقب باشند تویی که با تدبیر حکیمانه رهبر انقلاب در زمین دشمن افتاده، با بدفهمی و سوءرفتار به زمین ملت ایران باز گردانده نشود و به تعبیری نباید به گونه‌ای بازی کنند که در پازل دشمن قرار گرفته در نتیجه رفتار آنها نابجا قلمداد شود لذا با نگاه به این تذکر رهبر معظم انقلاب که «نمایندگان سیاسی جمهوری اسلامی ایران در جهان باید تیزتر از شمشیر، نرم‌تر از حریر و سخت‌تر از سنگ و پولاد باشند.» و اینکه «به آمریکایی‌ها بدبینیم؛ به آنها هیچ اعتمادی نداریم... آمریکا دولتی سخت در پنجه‌ی تصرف و اقتدار شبکه‌ی صهیونیسم بین‌المللی»، باید مراقب تقسیم کار آمریکا و رژیم صهیونیستی بود و در زمین آن‌ها بازی نکرد. باید توجه کرد

که جدایی و اختلاف میان آمریکا و رژیم صهیونیستی افسانه است و آخرین شاهد، سخنان جوزف بایدن معاون اوباما است که در نشست اخیر جی استریت تأکید کرد «هیچ یک از روسای جمهور آمریکا به اندازه اوباما به اسرائیل خدمت نکرده‌اند. اگر اسرائیل وجود نداشت آمریکا برای حمایت از منافع خود ناچار به ایجاد آن می‌شد و ما اسرائیل را باید می‌ساختیم تا حامی منافع ما در منطقه باشد» بیانگر نوع نگاه آمریکایی‌ها در سیاست خارجی آنها می‌باشد.



سپاه یعنی اعماق شخصیت و هویت ملت ایران؛ کارنامه‌ی سپاه در این سی و چند سال، یک کارنامه‌ی درخشان است؛ این کلمه را به عنوان یک کلمه‌ی متعارف و معمول و جاری‌شونده‌ی بر زبان در خیلی جاها عرض نمی‌کنم، واقع قضیه این است. کارنامه‌ی سپاه در این مدت در واقع نمایشگر تجربه‌ی یک ملت است؛ یعنی اعماق شخصیت و هویت ملت ایران را می‌توان در این کارنامه مشاهده کرد؛ چون سپاه با ایمان و عقیده وارد میدان شد. میدان چه؟ میدان «مجاهدت و مقاومت». باهوش‌ترین و قوی‌ترین فرماندهان نظامی را تربیت کرد؛ این کسانی که در سنین جوانی و کمتر از سی سال، طراحان و به تعبیر فرنگی‌ها استراتژیست‌های برجسته‌ی میدان جنگ در سپاه شدند، هیچ دانشگاه نظامی ندیده بودند؛ این تربیت سپاه بود، تربیت این فضا بود که فضای نورانی است، تربیت این سازمان بناگذاشته شده‌ی بر مبنای ایمان و عقیده بود؛ آن شخصیت‌های برجسته را - که هرگز ملت ما و تاریخ ما اسم آنها را فراموش نخواهد کرد - تربیت کرد؛ این هنر سپاه است.

انقلابی زیستن و انقلابی ماندن مهمترین بخش کارنامه‌ی سپاه؛

یکی از بخش‌های مهم کارنامه‌ی سپاه، انقلابی زیستن و انقلابی ماندن سپاه است؛ یعنی حوادث، جریان‌ات نتوانست این تشکیلات مستحکم و قوی بنیه را از مسیر اصلی و درست، به بهانه‌ی اینکه دنیا تغییر کرده، زندگی تغییر کرده، منحرف کند؛ بهانه‌هایی که می‌شنوید و می‌بینید که می‌آورند، برای وادادگی بهانه می‌آورند، برای پشیمانی بهانه می‌آورند؛ بهانه هم این است که دنیا تغییر کرده، همه چیز عوض شده. خب، یک چیزهایی عوض نمی‌شود؛ از اول تاریخ تا امروز حُسن عدالت و عدالت‌طلبی انسان تغییر نکرده، زشتی ظلم تغییر نکرده، حُسن استقلال ملی و عزت ملی تغییر نکرده، اینها و بسیاری از اصول دیگر که تغییرپذیر نیست. اینکه دنیا تغییر کرده، بهانه نمی‌شود برای اینکه ما رفتار خودمان، هدف خودمان، آرمان خودمان را عوض کنیم؛ وقتی آرمان عوض شد، راه عوض می‌شود؛ وقتی هدف نهایی عوض شد، دیگر معنی ندارد که شما در راه قبلی حرکت کنید، می‌روید به سمت هدف جدید که راه جدیدی است، راه دیگری است. یکی از مهمترین نقاط قوت سپاه ایستادگی و استقرار و ثبات قدم در این راه نورانی است.

سپاه برای پاسداری از انقلاب باید بداند که از چه می‌خواهد دفاع

کند؛

سپاه به عنوان یک موجود زنده باید بداند که از چه می‌خواهد پاسداری کند؛ این انقلاب چیست؟ لزومی ندارد حتماً سپاه در عرصه‌ی سیاسی برود به پاسداری بپردازد، اما باید عرصه‌ی سیاسی را بشناسد. این خلط مبحثی که بعضی می‌کنند باید بدقت روشن بشود؛ نمی‌شود یک مجموعه‌ای به عنوان بازوی نگاهبان و پاسدار انقلاب در کشور تعریف بشود، اما در زمینه‌ی جریانهای گوناگون سیاسی - بعضی انحرافی، بعضی غیرانحرافی، بعضی وابسته به اینجا و آنجا - چشم بسته و ناآگاه و نابینا داشته باشد، این معنی ندارد؛ باید بداند که از چه می‌خواهد دفاع کند.

عالم دیپلماسی چگونه است؟

عالم دیپلماسی، عالم لبخند زدن است؛ لبخند هم میزنند، مذاکره هم می‌کنند، درخواست مذاکره هم می‌کنند، خودشان هم می‌گویند. به یکی از این سیاستمداران غربی چند روز پیش از این گفته بودند شما که می‌خواهید مذاکره بکنید با ایران، خب دشمن است ایران؛ گفته بود خب، آدم با دشمن مذاکره می‌کند دیگر! یعنی اقرار به دشمنی با ایران؛ صریح می‌گویند. علت دشمنی اشخاص نیستند، علت دشمنی این حقیقت و این هویت است. همه‌ی آنچه که می‌گویند در این چهارچوب باید تفسیر و تحلیل بشود، در این چهارچوب باید فهمیده بشود.

حرکت‌های صحیح و منطقی دیپلماسی با «نرمش قهرمانانه»؛

ما مخالف با حرکت‌های صحیح و منطقی دیپلماسی هم نیستیم؛ چه در عالم دیپلماسی، چه در عالم سیاست‌های داخلی. بنده معتقد به همان چیزی هستم که سالها پیش اسم‌گذاری شد «نرمش قهرمانانه»؛ نرمش در یک جاهایی بسیار لازم است، بسیار خوب است؛ عیبی ندارد، اما این کشتی‌گیری که دارد با حریف خودش کشتی می‌گیرد و یک جاهایی به دلیل فنی نرمشی نشان می‌دهد، فراموش نکند که طرفش کیست؛ فراموش نکند که مشغول چه کاری است؛ این شرط اصلی است؛ بفهمند که دارند چه کار می‌کنند، بدانند که با چه کسی مواجهند، با چه کسی طرفند، آماج حمله‌ی طرف آنها کجای مسئله است؛ این را توجه داشته باشند.

(بیانات در جمع فرماندهان و مسئولین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیستمین

مجمع سراسری ۱۳۹۲/۰۶/۲۶)

پیشرفت واقعی کشور در سایه پیشرفت علم؛

من بارها گفته‌ام: امروز هر کار علمی و فناوری در کشور که زیرساخت آن وجود داشته باشد، از دست‌کننده‌ی ایرانی، جوان ایرانی، و نخبه‌ی ایرانی بر

می‌آید؛ هیچ چیزی وجود ندارد که ما بگوییم استعداد ایرانی و نخبه‌ی ایرانی قادر به ایجاد آن، تولید آن، ساخت آن نباشد؛ مگر اینکه زیرساخت آن در کشور وجود نداشته باشد که باید آن زیرساخت را ایجاد کرد. وضع و سطح استعداد کشور ما یک چنین سطحی است. پیشرفت واقعی کشور هم جز با پیشرفت علم امکان‌پذیر نیست؛ علتِ اینکه گفتیم گفتمان اصلی و سیاست اصلی این است، این است. پیشرفت واقعی جز با پیشرفت علم فراهم نخواهد شد.

پیشرفت واقعی باید "درون‌زا" باشد؛

بعضی از کشورها ممکن است تولیدات زیرزمینی خودشان را، نفت خودشان را، شبکه‌های نفت را، منتقل کنند به صاحبان ثروت و علم در دنیا، محصولات آنها را بخرند، یک ظاهرِ پیشرفتی هم ممکن است به‌وجود بیاید اما این پیشرفت نیست؛ پیشرفت آن‌وقتی است که "درون‌زا" باشد، آن‌وقتی است که ملّتی به استعداد درونی یک ملّت باشد. وزن و اعتبار کشورها و دولت‌ها و ملّتها هم وابسته‌ی به همین درون‌زایی است. اگر چنانچه از درون، یک حرکتی، جهشی، رشدی به‌وجود آمد، به یک کشور، به یک ملّت، وزن میدهد، اعتبار می‌دهد، ارزش می‌دهد، ابّهت می‌دهد؛ اما اگر چنانچه از درون نبود، دیگران آمدند، اعتبار به دست نمی‌آید.

دشمنی دشمنان ایران اسلامی روی قدرتمند شدن ایران است؛

دشمنی جبهه‌ای که امروز در مقابل ایران اسلامی قرار گرفته و دشمنی می‌کند، متمرکز روی همین نقطه‌ی قدرتمند شدن ایران است؛ نمی‌خواهند این اتفاق بیفتد. این نگاه کلان را باید در همه‌ی حوادث و قضایا - قضایای سیاسی، قضایای اقتصادی، قضایای گوناگون بین‌المللی و منطقه‌ای که مربوط به کشورتان است - همواره در نظر داشته باشید، فراموش نکنید. یک جبهه‌ی سیاسی پرقدرتی امروز در دنیا وجود دارد که نمی‌خواهد ایران اسلامی تبدیل بشود به یک کشور قدرتمند، به یک ملّت قدرتمند؛ از اوّل انقلاب هم

همین جور بود.

منطقه در حال عبور از پیچ تاریخی است؛

این حوادثی که دو سال پیش در منطقه‌ی ما پیش آمد، حوادث بسیار مهمّی بود؛ می‌بینید غربی‌ها چه عکس‌العملی در مقابل آن نشان دادند. حوادث مصر، حوادث منطقه‌ی شمال آفریقا، حوادث این طرف، حوادث بسیار مهمّی بود؛ این بیدار شدن ملّت‌ها با دست‌خالی، ایستادن در مقابل تحقیری که غرب و بخصوص آمریکا به وسیله‌ی عمّال خودشان بر آنها تحمیل کرده بودند، حادثه‌ی بسیار بزرگی بود؛ البته تمام نشده؛ خیال میکنند که آن را سرکوب کردند، به نظر ما سرکوب نشده؛ یک پیچ تاریخی بود که منطقه در حال عبور از این پیچ تاریخی است؛ هنوز سرنوشت آن نهایی نشده؛ خود غربی‌ها هم می‌دانند، در تفسیرهای آنها هم همین هست؛ هنوز نگرانند، نمیدانند در منطقه چه دارد میگذرد. این به برکت قیام ملّت ایران و تشکیل نظام جمهوری اسلامی و به برکت انقلاب اسلامی بود که بشارت‌دهنده‌ی ظهور یک قدرت ملّی عمیق مؤمن پابرجای بااستعداد روبه‌رشد و اعتلا - یک چنین قدرتی - بود.

کشور ما و مراکز علمی ما باید برای دنیا مرجع علمی بشوند.

رشد علمی ما امروز در مقیاس منطقه و در مقیاس جهانی خیلی خوب است. عدد مطلق رشد ما خوب است، شتاب رشد ما هم بسیار خوب است، یعنی شتاب پیشرفت خیلی بالا است؛ لکن این ملاک نیست؛ یعنی این شتاب باید محفوظ بماند. وجود شتاب رشد علمی به معنای این نیست که ما به هدف رسیدیم یا حتّی به هدف نزدیک شده‌ایم؛ چون ما خیلی عقب بودیم. دنیا هم که منتظر نمی‌ماند که ما پیش برویم، او تماشا کند؛ دنیا هم دارد دائماً پیش میرود؛ البته شتاب ما بیشتر است، ما باید این شتاب را حفظ کنیم. اگر این شتاب رشد علمی حفظ شد، این امید وجود دارد که ما برسیم به قلّه‌ها، برسیم به خطوط مقدّم؛ و همان‌طور که بارها عرض کردم، کشور ما

و مراکز علمی ما برای دنیا مرجع علمی بشوند. این باید اتفاق بیفتد و ان شاء الله این کار خواهد شد.

(بیانات در دیدار شرکت کنندگان در هفتمین همایش ملی نخبگان جوان،

۱۳۹۲/۰۷/۱۷)

مهم ترین عامل حفظ امنیّت خارجی جمهوری اسلامی ایران استحکام و اقتدار نیروهای مسلّح

ما بدون آن که کسی را تهدید نکنیم، استحکام و اقتدار نیروهای مسلّح را مهم ترین عامل در راه حفظ امنیّت خارجی ملّت ایران و جمهوری اسلامی ایران میدانیم. کسی را ما تهدید نمی کنیم، امّا لازم می دانیم ملّت ایران و کشور عزیزمان در سایه ی حصار مستحکم نیروهای مسلّح جمهوری اسلامی ایران - چه ارتش، چه بسیج، چه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و چه نیروهای انتظامی - احساس امنیّت بکند. لذا وظیفه ی همه ی مسئولان می دانیم که در راه اقتدار نیروهای مسلّح تلاش کنند؛ استحکام این نیروها را در برنامه های خودشان قرار بدهند.

پاسخ ما به هرگونه شرارتی علیه ملّت ایران؛

ما تهدیدهای مکرّر و مشمّزکننده ی دشمنان ملّت ایران را می شنویم؛ پاسخ ما به هرگونه شرارتی علیه ملّت ایران، پاسخی جدّی و سخت خواهد بود؛ این را همه ی کسانی که عادت کرده اند ملّت ایران را با زبان، تهدید کنند، باید مطلع باشند و بدانند. ملّت ایران ملّتی است که سرسختی خود را در راه دفاع از آرمانهای خود و از منافع خود آن چنان نشان داده است که میل و رغبت خود [را] به سلامت و صلح و همزیستی با برادران مسلمان و همه ی آحاد بشر؛ این دو با یکدیگر موازی هستند.

حمایت و پشتیبانی از تحرّک دیپلماسی دولت؛

ما از تحرّک دیپلماسی دولت حمایت می کنیم، پشتیبانی می کنیم. در

کنار آمادگی‌های همه‌جانبه‌ی ملت ایران - چه از لحاظ اقتصادی، چه از لحاظ امنیت داخلی، چه از لحاظ استحکام ساخت درونی نظام اسلامی، چه از لحاظ وحدت ملی و چه از لحاظ نظامی - به تلاش و تحرّک دیپلماسی هم چه در این قضایای سفر اخیر و چه غیر از آن، اهمّیت میدهم و از آنچه دولت ما انجام میدهد و تلاشهای دیپلماتیک و تحرّکی که در این زمینه میکنند، حمایت میکنیم. البته برخی از آنچه در سفر نیویورک پیش آمد، به نظر ما بجا نبود؛ لکن ما به هیئت دیپلماسی ملت عزیزمان و دولت خدمتگزارمان خوشبین هستیم؛

آمریکا دولتی غیرقابل اعتماد خودبرتربین، غیرمنطقی و عهدشکن؛

البته به آمریکایی‌ها بدبینیم؛ به آنها هیچ اعتمادی نداریم. ما دولت ایالات متّحده‌ی آمریکا را دولتی غیرقابل اعتماد می‌دانیم؛ دولتی خودبرتربین، دولتی غیرمنطقی و عهدشکن، دولتی سخت در پنبه‌ی تصرّف و اقتدار شبکه‌ی صهیونیسم بین‌المللی - که به‌خاطر رعایت خواسته‌ها و منافع نامشروع شبکه‌ی صهیونیستی بین‌المللی مجبورند با رژیم غاصب و جعلی اشغال‌کننده‌ی فلسطین مماشات کنند، در مقابل او نرمش نشان بدهند؛ اسمش را می‌گذارند منافع آمریکا، در حالی که بکلی منافع ملی آمریکا با آنچه امروز اینها در حمایت از [آن] رژیم جعلی انجام می‌دهند، منافات دارد؛ از همه‌ی دنیا دولت ایالات متّحده‌ی آمریکا باج می‌گیرد و به رژیم جعلی صهیونیستی باج می‌دهد؛ این حقایق را ما داریم مشاهده می‌کنیم - به دولت آمریکا اعتمادی نداریم، به مسئولین خودمان اعتماد داریم، خوشبین هستیم، از آنها می‌خواهیم که با دقّت، با ملاحظه‌ی همه‌ی جوانب گامها را درست بردارند، محکم بردارند، منافع ملی را یک لحظه به فراموشی نسپردند.

استحکام ساخت درونی نظام جمهوری اسلامی؛

آنچه برای نظام جمهوری اسلامی حائز اهمّیت است، استحکام ساخت

درونی نظام جمهوری اسلامی است، استحکام درونی ملت ایران است؛ همان چیزی که از روز اول تا امروز توانسته است این کشور را حفظ کند؛ اتحاد ملّی، توجّه به آرمانهای والای نظام جمهوری اسلامی، توجّه به عزّت ملّی. ملت ایران ملتّ عزیزی است؛ انقلاب عزّت ملت را به آنها برگرداند.

سهم نیروهای مسلّح در دفاع از آرمان‌ها و از ملت ایران

سهم نیروهای مسلّح در این میان عبارت است از اینکه خود را آماده نگه دارند، خود را با روحیه‌ی دفاع از آرمان‌ها و از ملتّی که به آنها اعتماد کرده است و تکیه کرده است، حفظ کنند. ارتش و سپاه و بسیج و نیروی انتظامی و همه‌ی کسانی که در ارتباط با نیروهای مسلّح هستند، این را وظیفه‌ی خود بدانند که حصار مستحکمی در مقابل توطئه‌های دشمنان و شرارت دشمنان علیه ملت ایران خواهند بود؛ این احتیاج دارد به اینکه آمادگی ایجاد کنید. شماها جوانید، سرشار از نیرو، برخوردار از صفای قلبی؛ می‌توانید برای آینده‌ی کشورتان خود را مهتّا کنید، آماده کنید، بسازید، خدای متعال هم پشتیبان شما خواهد بود.

(بیانات در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش

جمهوری اسلامی ایران ۱۳/۰۷/۱۳۹۲)

گفتمان تولید علم در اندیشه مقام معظم رهبری

رمضان شعبانی سارویی^۱



چکیده

پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی در بهمن ۱۳۵۷ افق جدید بنیان‌گذاری تمدن نوین اسلامی را به روی مردم ایران گشود. اگرچه دهه اول دوران سخت افزاری انقلاب در مواجهه با توطئه‌ها و فتنه‌های سخت دشمن بود و حتی یک دهه پس از آن توان کشور در بازسازی و جبران خسارت ناشی از توطئه سخت و تربیت نیروی انسانی گردید اما با تغییر مولفه‌های قدرت در نظام جهانی و رقابت با رقبا در نظام بین‌الملل، توجه به تولید علم و جنبش نرم افزاری در راس برنامه‌های کشور قرار گرفت.

رهبری نظام اسلامی در طراحی نقشه راه انقلاب



^۱ - پژوهشگر و دانشجوی دکتری دانشگاه جامع امام حسین (ع)

اسلامی لازمه تمدن‌سازی را تحقق دولت اسلامی و جامعه اسلامی مطرح کردند و بر این اساس جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم و گفتمان پیشرفت علمی را مهم‌ترین بستر برای دستیابی به اهداف اصلی انقلاب اسلامی دانستند. این نوشتار با شیوه توصیفی تحلیلی تلاش دارد تا گفتمان تولید علم و در واقع منشور پیشرفت علم را از منظر رهبری مورد واکاوی قرار دهد.

واژگان کلیدی: گفتمان، علم، تولید علم، پیشرفت علمی

طرح مساله

دستیابی به آرمان‌های بلند نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران مستلزم تلاش‌های همه جانبه در تمام ابعاد فرهنگی، علمی، اجتماعی و اقتصادی است. از مهمترین مسائل مورد نیاز ملتها که تلاش‌های خود را بر اساس آن هدایت می‌نمایند، داشتن جهت، راهنما و سوگیری مناسب در تحولات اجتماعی است. در نظام دینی اسلامی یکی از شئونات ولی فقیه و رهبری نظام اسلامی تعیین نقشه راه و نشان دادن الگوهای مناسب برای کارآمدی نظام مردم سالاری دینی است. بر این اساس یکی از کارکردهای شایسته رهبری در حیات طویه انقلاب اسلامی تولید گفتمان‌های نوین و هدایت‌گری جامعه اسلامی به گفتمان و ادبیات متناسب با نیازها و اقتضائات جامعه اسلامی بوده است.

در طول بیش از یک دهه گذشته، مهم‌ترین نقش را در ایجاد و تعمیق گفتمان تولید علم در کشور رهبر معظم انقلاب اسلامی عهده دار بوده‌اند. نگاهی به ادبیات تولید شده از سوی ایشان نشان دهنده آن است که تولید و پیشرفت علمی کشور از دغدغه‌های اصلی حضرت آیت الله خامنه‌ای در این سالها بوده است. جامعه علمی و دانشگاهی کشور همواره مفاهیم و

اصطلاحاتی نظیر «جنبش نرم افزاری، اقتدار علمی، تولید علم، چرخه علمی، استقلال علمی، جهاد علمی، پیشرفت علمی، گفتمان علمی، گفتمان پیشرفت علمی و گفتمان پیشرفت عمومی کشور» و... را به کرات از ایشان شنیده اند. همه این دغدغه‌ها و حساسیت‌ها نشان دهنده آن است که «مقوله علم از مهمترین زیر ساخت‌های پیشرفت کشور و ابزار جدی رقابت در عرصه‌های مختلف است. به این ترتیب تحقق آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی ایران مانند احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملت‌ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو پیشرفتی همه جانبه در علم است؛ علمی که دارای سه شاخصه عدالت، معنویت و عقلانیت است. در پرتو چنین علمی است که جامعه بشری آمادگی تحقق حکومت جهانی انسان کامل را یافته و در سایه چنین حکومتی ظرفیت و استعداد‌های بشر به شکوفایی و کمال خواهد رسید» (سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴: ۵) در این نوشتار در صدد بررسی گفتمان رهبری در ذیل سه مفهوم چیستی، چرایی و چگونگی گفتمان تولید علم در اندیشه رهبری انقلاب اسلامی می‌باشیم.

چارچوب مفهومی نظری

۱- چارچوب مفهومی

۱-۱: گفتمان

رهبر انقلاب اسلامی گفتمان را این گونه تعریف کرده‌اند: «گفتمان یعنی یک مفهوم و یک معرفت، همه‌گیر بشود در برهه‌ای از زمان در یک جامعه. آن وقت این می‌شود گفتمان جامعه.» (در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون، ۲۲ آذر ۱۳۸۸) «گفتمان یک جامعه مثل هواست، همه تنفسش می‌کنند؛ چه بدانند، چه ندانند؛ چه بخواهند، چه نخواهند. باید این گفتمان

سازی انجام بگیرد.» (در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۴ دی ۱۳۹۰).

۲-۱: تعریف علم

علم در تعریف لغوی به معنای حضور و احاطه بر شی است. همچنین گفته شده علم (science) از واژه لاتین «scientia» به معنای آگاهی و معرفت (knowledge) مشتق شده است اما چیستی و تعریف آن در یک جمله نمی‌گنجد با این وجود، می‌توان علم را کسب دانش دقیق و قابل اتکا از دنیای اطراف، دانستن، دانش و حتی آموختن و آموزیدن معنی کرد. در تعریف اصطلاحی علم را «به مثابه آگاهی»، «باور صادق موجه»، «رشته علمی» و «به مثابه مسائل در محور خاص خاص» تعریف کرده اند (حکمت‌نیا، ۱۳۸۹، ۹۰-۱۰) که تعریف اخیر یعنی «مجموعه مسائلی که حول یک محور خاص است» مقبول تر است.

۳-۱: تولید علم

تولید علم، دانش رقابتی است که در سطح جهانی قابل طرح، تئوری پردازی و دفاع باشد (افروزی نیا، ۱۳۸۴). مقام معظم رهبری تولید علم را به رفتن از راههایی که به نظر، راههای نارفته ای است... باید دقت کنیم، فکر کنیم و به دنبال کشف ناشناخته‌ها باشیم (دیدار با اساتید دانشگاهها ۲۲/۲/۱۳۸۲) ایشان بر شکستن مرزهای علمی تاکید و می‌فرمایند: تولید علم یعنی شکستن مرزهای علم و پیشرفت کردن (دیدار با اساتید دانشگاهها ۲۶/۲/۱۳۸۳)

بنابراین با توجه به موارد فوق تولید علم ناظر بر فرآیندی تجمعی و ترکیبی، عمیق و پیچیده از تولیدات منفرد، متعدد و کثیری است که به وسیله محققان، پژوهشگران و مراکز علمی و تحقیقاتی کشور انجام می‌شود و در نهایت منجر به تولید نظریه‌های جدید و رشد علمی و فناوری کشور

شده و به ارتقاء جایگاه کشور در عرصه بین المللی می‌انجامد (کی نژاد و بصیرنیا، ۱۳۸۹، ۱۷).

۲- چارچوب نظری

۲-۱- چيستی گفتمان تولید علم و پیشرفت علمی

گفتمان «تولید علم» و «پیشرفت علمی» در منظومه‌ی گفتمانی رهبر انقلاب اسلامی یک خرده‌گفتمان است، که در ذیل گفتمان کلان انقلاب اسلامی موضوعیت می‌یابد. در طول ۱۶ سال گذشته گفتمان تولید علم با طرح نهضت نرم‌افزاری توسط رهبر انقلاب از سال ۷۷ آغاز شد و در همین سال بود که ایشان کلیدواژه‌ی «تولید علم» را برای اولین بار بکار بردند، اما این گفتمان‌سازی به طور جدی از سال ۷۹ کلید خورد. به وسیله یک تحلیل آماری از بیانات معظم‌له، از ابتدای رهبری ایشان تا کنون، این حرکت به خوبی روشن می‌شود. ایشان از سال ۷۹ تا سال ۹۰، تعداد ۲۱۸۸۱ واژه صرف تبیین کلیدواژه‌ی «تولید علم» کرده‌اند. از جمله گفتمان‌های رهبر انقلاب، در سالهای اخیر می‌توان به گفتمان در باب تولید علم، گفتمان علم و پیشرفت علمی و گفتمان پیشرفت عمومی اشاره کرد.

رهبری معظم انقلاب مکرراً پیشرفت علمی را در راس همه کارهای اساسی در پیشرفت کشور قرار داده (دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۹ اسفند ۱۳۸۹) و زیربنای اقتدار کشور را قدرت علمی دانسته‌اند (چشم‌انداز پنجاه‌ساله‌ی ایران و مرجعیت علمی جهان، برهان) و تاکید کرده‌اند قدرت علمی است که منشا قدرت سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی است. مقام معظم رهبری با توجه به اهمیت این موضوع، علم را مایه‌ی اقتدار ملی، قدرت ملی، ثروت ملی و سربلندی کشور می‌دانند و می‌فرمایند: «علم مایه‌ی قدرت و ثروت است. اگر کشور شما و نظام جمهوری اسلامی باید به این قدرت و اقتدار دست پیدا کند تا بتواند از ملت خود، از کشور خود، از ارزش‌های خود

و از نظام خود پشتیبانی کند و مصونیت ببخشد - که قدرت فایده‌اش این است؛ اقتدار برای زورگوئی به دیگران نیست، برای جلوگیری از زورگوئی دیگران است - و اگر در کنار این به ثروت احتیاج دارد تا بتواند مشکلات گوناگونی را که میراث سال‌ها حکومت استبدادی در این کشور است برطرف کند، باید علم را به دست بیاورد. برای یک ملت، علم وسیله‌ای است برای رسیدن به اقتدار ملی و ثروت ملی. «مقام معظم رهبری ۱۳۸۷/۶/۵» با ارتقای علم و فناوری می‌توان موقعیت اقتصادی کشور را بهبود بخشید و افزایش نرخ رشد اقتصادی با بهره‌گیری از علم و فناوری قابل حصول است و برای توسعه و پیشرفت کشور باید علم و فناوری پایه پای هم حرکت کنند و ورود فناوری پیشرفته باید همراه با پیشرفت علم صورت پذیرفت. بنابراین رهبر معظم انقلاب حرکت علمی را برای کشور یک ضرورت مضاعف می‌داند: «حرکت علمی برای کشور ما یک ضرورت مضاعف است؛ یک نیاز مضاعف و مؤکد است. نیاز است؛ چرا؟ چون علم، عامل عزت و قدرت و امنیت یک ملت است ... لذا تلاش ما باید مضاعف باشد. پس، یک نیاز است و این نیاز مؤکد و مضاعف است.» (مقام معظم رهبری ۱۳۸۶/۶/۱۲)

ایشان عقب افتادگی تاریخی ما از غرب را ناشی از ضربه خوردن از بی علمی و در مقابل تجهیز غرب به سلاح علم می‌دانند (در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون، ۲۲ آذر ۱۳۸۸) ایشان سنت الهی و طبیعت زندگی بشر را براین دانسته‌اند که علم عزت می‌بخشد و سپس به جمله پرمغزی از نهج البلاغه اشاره می‌کنند که می‌فرماید «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ مَنْ وَجَدَهُ صَالًا وَ مَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَيْلًا عَلَيْهِ» یعنی علم اقتدار است، هرکس این قدرت را به چنگ آورد می‌تواند تحکم و غلبه کند و هرکس این اقتدار را به دست نیاورد، دیگران بر او قهر و غلبه پیدا می‌کنند و به او تحکم می‌کنند (در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۴ دی ۱۳۹۰).

همچنین ایشان در سخنرانی عید نوروز سال ۱۳۹۰ در حرم رضوی سلام الله علیه آن جمله‌ی معروف را فرمودند که: «شکل‌گیری زنجیره‌ی تجاری سازی تولید علم و تولید ثروت ملی از نکات برجسته‌ی حرکت علمی کشور است. اگر زنجیره‌ی تولید دانش، تبدیل دانش به فناوری، تولید محصول و در نهایت تجاری‌سازی علم تکمیل شود، مسیر تولید علم به تولید ثروت ملی کشور و پاسخ‌گویی به نیازهای ملت منتهی خواهد شد».

در خصوص آینده‌ی علمی کشور نیز ایشان در سال ۱۳۸۵ و طی چند سخنرانی اعلام کردند: «من از جامعه‌ی علمی کشور توقع می‌کنم که شما پنجاه سال دیگر در رتبه‌ی اول علمی دنیا قرار داشته باشید». همچنین در چشم انداز بیست ساله‌ی کشور نیز جایگاه اول علمی در منطقه را کشورمان برای هدف‌گیری کرده‌اند. بنابراین تأکیدات رهبری انقلاب هیچ جای شکی برای تعمیق گفتمان علمی در کشور باقی نمی‌گذارد.

۲-۲- چرایی تولید علم و پیشرفت علمی

چرایی تولید علم و پیشرفت علمی در اندیشه رهبری را باید در مبانی و ارزش‌های بنیادین دیدگاه ایشان نسبت به این مساله جستجو کرد. در بررسی بیانات رهبری پیرامون تولید علم و پیشرفت علمی چند نکته قابل تأمل است:

۲-۲-۱: ارزش داری علم: در اندیشه رهبری که برگرفته از آموزه‌های اسلامی است علم و عالم دارای شرافت و جایگاه رفیع می‌باشند. «علم مقوله‌ی بسیار مهمی است. امروز انسان وقتی به راه‌های مختلف برای پیشرفت کشور نگاه می‌کند، می‌بیند همه منتهی می‌شود به علم.» (بیانات در دیدار مسئولان سازمان صداوسیما، ۱۱ آذر ۱۳۸۳). «علم برای امروز و فردای ما حیاتی است. ما هر کار دیگری نکنیم، اگر در علم تهیدست باشیم، آن کارها، کارهای عقیم و بی‌عاقبتی خواهد بود.» (در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، ۲۳ مرداد ۱۳۸۵).

این که کدام مبانی فکری پشت این مسأله تولید علم بوده است، می‌توان از حدیثی فهمید که رهبر انقلاب بارها در این مورد تکرار کرده‌اند: «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ مِّنْ وَجْدَةٍ صَالٍ وَ مَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَيْلٌ عَلَيْهِ». این حدیث نشان می‌دهد که علم از جنس توانایی و باعث عدم تسلط دشمنان بر ما و راه حل مسائل زندگی ما است. کشور ما امروز هم در مسائل اقتصادی، هم فرهنگی و هم سیاسی-امنیتی به این تسلط و به توانایی حل مسأله و مقابله با تهدیدهای دشمنان نیاز مبرم دارد.

ایشان حرکت علمی را برای کشور یک نیاز مؤکد و مضاعف می‌دانند و علت آن را چنین بیان می‌کنند:

«حقیقتاً کشوری که دستش از علم تهی است، نمی‌تواند توقع عزت، توقع استقلال و هویت و شخصیت، توقع امنیت و توقع رفاه داشته باشد. طبیعت زندگی بشر و جریان امور زندگی این است. علم، عزت می‌بخشد. جمله‌ای در نهج‌البلاغه هست که خیلی جمله‌ی پرمغزی است. می‌فرماید: «العلم سلطان»؛ علم اقتدار است». «سلطان» یعنی اقتدار، قدرت. «العلم سلطانٌ مِّنْ وَجْدَةٍ صَالٍ وَ مَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَيْلٌ عَلَيْهِ»؛ علم اقتدار است. هر کس این قدرت را به چنگ آورد، می‌تواند تحکم کند؛ می‌تواند غلبه پیدا کند؛ هر کسی که این اقتدار را به دست نیاورد، «صیل علیه»؛ بر او غلبه پیدا خواهد شد؛ دیگران بر او قهر و غلبه پیدا می‌کنند؛ به او تحکم می‌کنند» (مقام معظم رهبری ۱۳۸۶/۰۶/۱۲).

از منظر رهبری «جامعه‌ی اسلامی، جامعه‌ای است که علم در آن بجوشد و همه‌ی بنیان‌های اجتماعی خود را بر پایه‌ی علم نوسازی کند و پیش برود». (روشنای علم، ۷۴، در دیدار خانواده‌های شهدا، ۳ خرداد ۱۳۸۴). ایشان در اهمیت کار علمی می‌فرمایند: «ببینید اهمیت کار علمی چقدر است؛ اهمیتش درجه یک است. اگر ما برای یک کشور، عزت و آبرو و رفاه و اقتدار

جهانی و پیشرفت‌های علمی بخواهیم، باید از طریق علم وارد شویم» (در دیدار جمعی از نخبگان علمی، ۱۹ مهر ۱۳۷۸).

بنابراین علم در اندیشه‌ی ایشان، علاوه بر ارزش ذاتی، ارزش ابزاری و کارکردی دارد. ارزش‌هایی همچون عزت، رفاه، کرامت ملی، اقتدار اقتصادی و سیاسی (بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۵ مرداد ۱۳۹۲). (فاطمی، سایت برهان). و اثرگذاری در جهان. (روشنای علم، ۱۳۹۰، ۱۱۳). علم شرط لازم پیشرفت و نه شرط کافی آن است: «من نمی‌گویم برای سعادت یک جامعه، علم کافی است. می‌بینیم که در دنیا کشورهایی هستند که علم هم دارند، اما واقعاً سعادتمند نیستند و در مشکلات فراوانی دست‌وپا می‌زنند. اما قطعاً علم نه فقط یک شرط لازم، بلکه یک شرط لازم بسیار مهم است و باید در کشور پیش برود.» (در دیدار جمعی از نخبگان علمی، ۱۹ مهر ۱۳۷۸). ایشان توجه زیاد به علم و دانش را راز پیشرفت و تسلط و پایداری تمدن غرب در جهان می‌دانند. (روشنای علم، ۱۳۹۰، ۱۱۴). ذکر این نکته ضروری است که در میان همه‌ی علوم موجود از دیدگاه معظم‌له، کلید نهایی پیشرفت بنیادی و ریشه‌دار، تولید علوم انسانی اسلامی است (در دیدار شرکت‌کنندگان در ششمین همایش ملی نخبگان جوان، ۱۲ مهر ۱۳۹۱). و در طبقه‌بندی علوم از دیدگاه ایشان، در میان علوم تجربی، علوم پایه و مهندسی و پزشکی، در درجه‌ی اول اهمیت، علوم انسانی و در درجه دوم، علوم پایه قرار دارند. (در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی، ۱۳ مهر ۱۳۹۰) و (در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، ۲۳ مرداد ۱۳۸۵) و (در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق^(ع)، ۲۴ دی ۱۳۸۴).

۲-۲-۲: اقتدار آفرینی علم

در منظر مقام معظم رهبری «تولید علم» عامل اقتدار و استحکام ساخت درونی نظام است. «ما گفته ایم «ساخت درونی نظام» باید استحکام پیدا کند؛

علم بایستی رشد پیدا کند؛ ما گفته ایم «تولید داخلی» بایستی اساس کار باشد؛ ما گفته ایم «نگاه خوشبینانه به استعداد بومی کشور» بایستی جدی باشد، استعدادها پرورش پیدا کند؛ اینها پایه‌های اصلی کار است. وقتی کشوری با تکیه‌ی به استعدادهای درونی، با تکیه‌ی به ابتکار نیروی انسانی خود، با تکیه‌ی به ایمان خود و با اتحاد حرکت می‌کند، قطعاً به نتایج مطلوب خواهد رسید (در دیدار با فرماندهان و مسئولان سپاه، ۲۶/ ۶/ ۹۲).

۲-۲-۳: گفتمان پیشرفت علم، برهم زننده سلطه علمی در جهان

برای توسعه و پیشرفت باید انحصار علمی در جهان را شکست و این مهم بدست نمی‌آید جز با گفتمان پیشرفت علم و فناوری؛ چرا که نظام سلطه علم را در انحصار خود می‌خواهد تا تنها چند کشور این ابزار مهم پیشرفت را در انحصار خود داشته باشند و مابقی مصرف کننده باشند بنابراین برای توسعه و پیشرفت کشور باید این انحصار قدرت نظام سلطه در جهان را با گفتمان پیشرفت علم و فناوری شکست.

رهبر معظم انقلاب اسلامی با اشاره به وضع امروز جهان که قدرتهایی که دارای پیشرفت علمی هستند، سعی می‌کنند این پیشرفت را به صورت انحصاری نگه دارند، بر یک حرکت علمی برای به هم زدن این سلطه تاکید دارند (نقشه راه رهبری، باشگاه اندیشه، فروردین ۱۳۸۹). ایشان از حرکت علمی بعنوان «گفتمان پیشرفت علم و فناوری» یاد می‌کنند: در این دنیا برای به هم زدن این سلطه، باید یک حرکت علمی کرد. نظام جمهوری اسلامی که از لحاظ ارزش‌گذاری و نظام ارزشی، نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که امروز سلطه‌گران غربی دنبالش هستند... باید دنبال علم برود؛ این است که من گفته‌ام امروز یکی از پایه‌ای‌ترین گفتمان‌های کنونی کشور ما باید گفتمان پیشرفت علم و فناوری باشد؛ این برو برگرد ندارد. بدون اینکه ما به دنبال پیشرفت علمی و رشد علمی و افزایش توان علمی باشیم، و بدون

اینکه این امکان علمی را در سطح زندگی خودمان بیاوریم و زندگی مادی را اعتلاء بدهیم، امکان مقابله‌ی با آن قدرتها وجود ندارد. این پرچمی که در دست جمهوری اسلامی است، در این صورت در اهتزاز و سرپا خواهد ماند و پیروز خواهد شد» (مقام معظم رهبری ۱۳۸۷/۰۶/۰۵).

از سوی دیگر توجه به مبانی و ارزش‌های بنیادین حاکم بر نقشه جامع علمی کشور (که مورد تایید رهبری انقلاب است) نشان دهنده فلسفه و چرایی گفتمان پیشرفت علمی از سوی معظم له است. مبانی ارزشی نظام علم و فناوری که به مثابه روح حاکم بر حرکت علمی کشور و مشخص کننده جهت گیری‌های علمی کشور است به شرح ذیل است:

- ۱- حاکمیت جهان بینی توحیدی اسلام در تمام ابعاد علم و فناوری،
- ۲- علم هدایت گر و هدفمندی آخرت گرایانه علم و فناوری،
- ۳- عدالت محوری، پرورش استعدادها و دستیابی همگان به خصوص مستضعفان در حوزه‌های علم و فناوری و تقویت خلاقیت، نوآوری و خطرپذیری در علم،
- ۴- کرامت انسان با تکیه بر فطرت حقیقت جو، عقل گرا، علم طلب و آزادی وی،
- ۵- آزاداندیشی و تبادل آرا و تضارب افکار (جدال احسن)
- ۶- توجه به اصل عقلانیت، تکریم علم و علم، ارزشمندی ذاتی علم و ضرورت احترام حقوقی و اخلاقی به آفرینش‌های فکری-علمی و دستاوردهای علمی بشری و بهره‌گیری از آنها در چارچوب نظام ارزشی اسلام،
- ۷- علم و فناوری کمال آفرین، توانمند ساز، ثروت آفرین و هماهنگ با محیط زیست، سلامت معنوی و جسمی، روانی و اجتماعی آحاد جامعه،
- ۸- ایجاد تحول بنیادین علمی به خصوص در بازبینی و طراحی علوم انسانی در چارچوب جهان بینی اسلامی،

۹- تعامل فعال و الهام بخش با محیط جهانی و فرآیندهای توسعه علم و فناوری در جهان

۱۰- اخلاق محوری، تقدم مصالح عمومی بر منافع فردی و گروهی، تقویت روحیه تعاون و مشارکت و مسئولیت پذیری آحاد جامعه علمی و نهادهای مرتبط با آن (سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴: ۹-۱۰).

۲-۳- چگونگی تولید علم و پیشرفت علمی

رهبر معظم انقلاب بارها مواضع خود را درباره راه کارهای اجرایی تولید علم و پیشرفت علمی بیان نموده‌اند که اهم این موارد به شرح ذیل است:

۱- **پیشرفت علمی، ضرورت حیاتی کشور:** «پیشرفت علمی، اگرچه که با فراگیری علم از کشورها و مراکز پیشرفته‌تر علمی حاصل خواهد شد - بخشی از آن بلاشک این است - اما فراگیری علم یک مسئله است، تولید علم یک مسئله‌ی دیگر است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۷/۳).

۲- **دنبال کردن گفتمان تولید علم:** «خوشبختانه من می‌بینم در دانشگاه‌ها تولید علم و لزوم عبور از مرزهای دانش به یک گفتمان عمومی تبدیل شده این خیلی برای من خرسند کننده و نویدبخش است. باید اجرائی کنید... این بسیار با ارزش است. این راه را باید دنبال کرد.» (در دیدار استادان و دانشجویان کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۷)

۳- **پرهیز از غرب محوری:** «نباید ما در مسئله‌ی علم، واگن خودمان را به لوکوموتیو غرب ببندیم. البته اگر این وابستگی ایجاد بشود، یک پیشرفت‌هایی پیدا خواهد شد؛ در این شکی نیست؛ لیکن دنباله‌روی، نداشتن ابتکار، زیر دست بودن معنوی، لازمه‌ی قطعی این چنین پیشروی‌ای است؛ و این جایز نیست. بنابراین، ما باید علم را خودمان تولید کنیم و آن را

بجوشانیم. هر پله‌ای از پله‌ها که انسان در مدارج علم بالا برود، او را آماده می‌کند برای برداشتن گام بعدی و رفتن به یک پله‌ی بالاتر. این حرکت را بایستی ما از خودمان، در درون خودمان، با استفاده‌ی از منابع فکری و ذخائر میراث فرهنگی خودمان ادامه بدهیم و داشته باشیم.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۷/۳)

۴- **خودباوری توام با حرکت جهادگونه:** «پیشرفت علمی بایستی با خودباوری اولاً؛ امید به موفقیت ثانیاً؛ حرکت جهادگونه ثالثاً؛ همراه باشد. چون ما فرض را بر این گذاشتیم که پیشرفت علمی، بایستی با نگاه بومی و با تکیه‌ی به فرهنگ خودمان باشد - فرهنگ ما یعنی اسلام و مواریت ملی پسندیده‌ی ما - و نیز ناظر به نیازهای کشور. این، بایستی مجموعه‌ی حرکت علمی ما را تشکیل بدهد.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۷/۳)

۵- **«خطر پذیری» و «سخت کوشی»:** در این حرکت، تنبلی و تن‌آسائی و محول کردن کار به یکدیگر جایز نیست؛ حرکت جهادگونه باید کرد. جهاد فقط در میدان جنگ نیست، در میدان علم هم مثل بقیه‌ی میادین زندگی، جهاد لازم است. جهاد یعنی تلاش بی‌وقفه، همراه با خطرپذیری - در حد معقول البته - و پیشرفت و امید به آینده.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۷/۳)

۶- **استفاده از راه‌های میان بر و خط شکنی در مرزهای علم و دانش:** «امروز سرعت پیشرفت ما خوب است؛ ...از راه‌های میان‌بر استفاده کنیم؛ از شتاب فراوان بهره ببریم؛ ما باید در همه‌ی علوم تولید داشته باشیم» (در دیدار استادان و دانشجویان کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۷). خط‌شکنی علمی و عبور از مرزهای علم همچنان در کشور ما، جدی نشده است. ما می‌خواهیم علما و دانشمندان ما، راه‌های میانبر را پیدا کنند؛ ما می‌خواهیم راه‌های کشف نشده را کشف بکنیم... هیچ وقت نباید ذهن را از کاوش و جستجو برای یافتن راه‌های میانبر محروم و ممنوع کرد. ما این را در کشور لازم

داریم(در دیدار استادان و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها ۱۳/۷/۱۳۸۵)

۷- تراز مثبت در واردات و صادرات علم: «رابطه‌ی بین کشورها در زمینه‌ی علم باید رابطه‌ی صادرات و واردات باشد؛ یعنی در آن تعادل و توازن وجود داشته باشد...علم را وارد کنید، عیبی ندارد؛ اما حداقل به همان اندازه که وارد میکنید یا بیشتر صادر کنید. باید جریان دو طرفه باشد. و آلا اگر شما دائماً ریزه‌خوار خوان علم دیگران باشید، این پیشرفت نیست. علم را بگیرید، طلب کنید، از دیگران فرا بگیرید؛ اما شما هم تولید کنید و به دیگران بدهید. مواظب باشید تراز بازرگانی شما در این جا هم منفی نباشد. متأسفانه در این یکی دو قرن شکوفائی علم در دنیا، تراز ما تراز منفی بوده». (در دیدار استادان و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها ۱۳/۷/۱۳۸۵)

۸- پرهیز از یأس و ناامیدی و اطمینان و اعتماد به توانایی بومی: «یک نمونه‌ی دیگر از این بیراهه‌ها، نمونه‌هایی است که گاهی ممکن است در زمان ما هم پیدا بشود؛ ...بارها در طول این سی سال، بنده خودم با افرادی از این قبیل مواجه بودم که چه با زبان صریح یا نیمه صریح یا با زبان حال، همین معنا را بیان میکردند که «آقا ما البته باید پیشرفت کنیم، اما دنبال اینها باید حرکت کنیم! ما که نمیتوانیم به گرد اینها برسیم، چه برسد به اینکه از اینها جلو بزنیم؛ چرا بیخود زحمت میدهید خودتان را؟». این هم یک بیراهه است» (بیانات در دیدار دانشجویان ۷/۷/۱۳۸۷)

۹- لزوم استقلال در تعیین راه کارهای علمی با مجاهدت علمی جوانانه و پیگیر و عدم اعتماد به نسخه‌های غربی و شرقی آن: «ما بایستی مسیر مشخص ایرانی - اسلامی خودمان را در پیش بگیریم و این را با سرعت حرکت کنیم... آنچه که من میتوانم به عنوان راهنمایی و راهبرد کلی به شما عرض کنم، تلاش و مجاهدت جوانانه و پیگیر است. شما که در دانشگاهید، فعالیت شما فعالیت دانشگاهی است؛ باید درس بخوانید، تحقیق کنید، به فکر

نظریه‌سازی باشید. الگو گرفتن بی قید و شرط از نظریه‌پردازهای غربی و شیوه‌ی ترجمه‌گرایی را غلط و خطرناک بدانید. «(در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز ۱۳۸۷/۲/۱۴)

۱۰- نوآوری علمی: تولید علم، فقط انتقال علم نیست؛ نوآوری علمی در درجه اول اهمیت است. این را من از این جهت می‌گویم که باید یک فرهنگ بشود. البته برای نوآوری علمی - که در فرهنگ معارف اسلامی از آن به اجتهاد تعبیر می‌شود - دو چیز لازم است: یکی قدرت علمی و دیگری جرأت علمی. البته قدرت علمی چیز مهمی است. هوش وافر، ذخیره علمی لازم و مجاهدت فراوان برای فراگیری، از عواملی است که برای به دست آمدن قدرت علمی، لازم است؛ اما این کافی نیست... اگر بخواهید از لحاظ علمی پیش بروید، باید جرأت نوآوری داشته باشید. استاد و دانشجو باید از قید و زنجیره جزمیگری تعریفهای علمی القاء شده و دائمی دانستن آنها خلاص شوند... مهم این است که روح نوآوری علمی در محیط دانشگاه زنده شود و زنده بماند (در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیر کبیر ۱۳۷۹/۱۲/۰۹).

۱۱- معجزه توامانی علم و ایمان: آن وقتی که علم با هدایت ایمان، عواطف صحیح و معرفت روشن‌بینانه و آگاهانه همراه شود، معجزه‌های بزرگی می‌کند و کشور ما می‌تواند در انتظار این معجزه‌ها بماند. (در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیر کبیر ۱۳۷۹/۱۲/۰۹)

۱۲- پیشقراول بودن در دانش: ما که مسلمان و انقلابی هستیم، ما که پیشاهنگ حرکت نوین عالم هستیم، باید بهتر از دیگران این دانش را بلد باشیم. دیگران مرتجعند، دیگران عقب افتاده‌اند، دیگران رو به گذشته دارند؛ به ظاهر و به زرق و برقشان نگاه نکنید. دیگران اسیر شهوتند، اسیر کوچکترین انگیزه‌های بشریند؛ پیشرو شما باشید، پیشقراول شما باشید، نوآور شما باشید، پیام جدید را شما برای دنیا دارید، در عرصه‌ی هر دانشی که بشود و بتوان - از

جمله، دانش نظامی و فنون نظامیگری و روشهای نوین سازماندهی نظامی - شما باید بهترین را داشته باشید. (سخنرانی در پایان چهارمین مجمع بزرگ فرماندهان و مسؤولان دفاتر نمایندگی ولی فقیه در سپاه (۱۳۷۰/۰۶/۲۷)

۱۳- **توجه به فرهنگ و هویت فرهنگی:** فرهنگ مایه‌ی اصلی هویت ملت‌هاست. فرهنگ یک ملت است که می‌تواند آن ملت را پیشرفته، عزیز، توانا، عالم، فناور، نوآور و دارای آبروی جهانی کند. اگر فرهنگ در کشوری دچار انحطاط شد و یک کشور هویت فرهنگی خودش را از دست داد، حتی پیشرفتهایی که دیگران به آن کشور تزریق کنند، نخواهد توانست آن کشور را از جایگاه شایسته‌ی در مجموعه‌ی بشریت برخوردار کند و منافع آن ملت را حفظ کند. (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع کارکنان سازمان صدا و سیما ۱۳۸۳/۰۲/۲۸)

۱۴- **توجه به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت علمی:** پیشرفت کشور تنها بر اساس الگوی اسلامی ایرانی امکان پذیر است و مهمترین وظیفه نخبگان اعم از دانشگاهی و حوزوی تنظیم نقشه جامع پیشرفت کشور براساس مبانی اسلام است. باید با پرهیز از انفعال در برابر حرکت قدرتمندان عالم، این استقلال در همه عرصه‌ها نشان داده شود. (دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد ۱۳۸۶/۰۲/۲۵)

۱۵- **تعمیق احساس توانایی، اعتماد به نفس و اتکای به خود:** «این جلوه‌های امیدوار کننده نشان می‌دهد که برخلاف تلاشهای بیگانگان برای القاء حس ناتوانی در ملت ایران، احساس «توانایی، اعتماد به نفس و اتکای به خود» در ملت ایران در حال شکل‌گیری و تعمیق است... زمینه‌سازی و اداره شایسته روند شکوفایی علمی کشور، وظیفه مهمی است که بر عهده شورای عالی انقلاب فرهنگی وزارتخانه‌های «علوم تحقیقات و فناوری - بهداشت درمان و آموزش پزشکی - آموزش و پرورش» و مدیران دانشگاهها و مراکز

تحقیقاتی قرار دارد.

۱۶- توجه به فعالیت، ابتکار، نوآوری و خلاقیت: من به همه‌ی جوانان و همه‌ی کسانی که در راه علم حرکت می‌کنند، مؤکداً توصیه می‌کنم که رشته‌ی علم و تحقیق و نوآوری در دانش و زنده کردن روح ابتکار و خلاقیت و آفرینش درونی و حقیقی خود را رها نکنند. فعالیت و ابتکار و نوآوری و خلاقیت، اساس پیشرفت انسان و زندگی انسانی است. دست‌نشانده‌های دستگاه‌های قدرت در گذشته در کشور ما و امروز در بسیاری از کشورهای وابسته‌ی این منطقه سعی می‌کنند تقلید را جایگزین فعالیت و ابتکار کنند (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار کارکنان مجتمع مس سرچشمه ۱۳۸۴/۰۲/۱۸).

۱۷- پیشتازی و پیشاهنگی جنبش دانشجویی: «جنبش دانشجویی در پرتو بصیرت و احساس مسؤولیت و با نشاط و شادابی و نوآوری، پیشتازی حرکت عمومی ملت را برای تحقق اهداف ملی بر عهده دارد... مجموعه‌های دانشجویی نیز همین هدف را دنبال می‌کنند و با توجه به خصوصیات حرکت دانشجویی نظیر آگاهی - نشاط و شادابی - ابتکار و نوآوری و جرأت خطر کردن، جنبش دانشجویی، می‌تواند در روند تحقق این اهداف والا پیشتاز و پیشاهنگ حرکت عمومی ملت باشد» (دیدار اعضای مجمع عمومی اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های کشور ۱۳۸۴/۰۱/۲۵)

۱۸- مدیریت تحول آفرین پیشرفت علمی: رهبر انقلاب اسلامی، درباره لزوم جهت‌گیری صحیح تحولات، و «مدیریت تحولات در کشور» می‌فرمایند: با توقف در گذشته و نفی نوآوری نمی‌توان به جایی رسید همچنان‌که با هرج و مرج «فرهنگی - سیاسی - اقتصادی و عقیدتی» نیز، پیشرفتی حاصل نمی‌شود، بنابراین تنها راه صحیح، باز گذاشتن راه «نوآوری، آزاد فکری و آزاداندیشی» و مدیریت این راه تحول آفرین است (در جمع دانشجویان دانشگاهیان

سمنان ۱۸/۰۸/۱۳۸۵).

نتیجه گیری

کشور ایران با سابقه تمدنی چند هزار ساله، امروزه با اتکای به اسلام اهل بیت و انقلاب اسلامی تمدن ساز به عنوان کشوری تاثیرگذار و فعال در حوزه های تمدنی و بین المللی مطرح است. یکی از مولفه های مهم و تاثیرگذار در توسعه و گسترش تاثیرگذاری تمدنی و بین المللی، عرصه تولید علم و پیشرفت های علمی است. جمهوری اسلامی پس از فارغ شدن از دوران سخت افزاری امروزه روز بروز در رشد و ارتقای اقتدار علمی و قدرت نرم افزاری به موفقیت های بزرگی نایل آمده است. ۱۶ برابر شدن رشد علمی کشور نسبت به ۱۲ سال پیش و ۱۳ برابر بودن رشد پیشرفت علم در ایران نسبت به متوسط دنیا و رسیدن ایران به رتبه چهارم علمی دنیا در سال ۲۰۱۸ طبق پیش بینی ها، بخشی از واقعیت گفتمان پیشرفت علمی در کشور است. همه این پیشرفت ها در سایه مجاهدت و پایداری ملت فهیم ایران و سخت کوشی عالمان و اندیشمندان کشور و هدایت های حکیمانه و هوشمندانه رهبر فرزانه انقلاب حضرت آیت الله العظمی خامنه ای بوده است. خداوند را براین همه نعمت همواره باید شاکر و قدر دان بود.

منابع

- افروزی نیا عبدالجلیل (۱۳۸۴) زیر ساخت های لازم برای تولید علم، جلد ۱: دانشگاه آزاد اسلامی
- تاجریان علیرضا (۱۳۸۹) نقشه راه رهبری برای تولید علم و فناوری، توسعه و پیشرفت (۳)، پایگاه اطلاع رسانی رهبری
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای، بخش جستار کلیدواژه ای «تولید علم».

- حکمت نیا علی اصغر نیا (۱۳۸۹) مبانی ارزشی و بینشی علم و فناوری، تهران: مرکز نشر دانشگاهی
- رودی کمیل (۱۳۸۹) دانشگاه و مرجعیت علمی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)
- روشنائی علم، مروری بر بیانات حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، پیرامون دانش و تولید علم، تهران (۱۳۹۰) تهران: انتشارات انقلاب اسلامی
- فاطمی محمد (۱۳۹۰) واکاوی اندیشه‌های تمدنی رهبر انقلاب (بخش دوم): سایت برهان
- کلانتری ابراهیم (۱۳۸۷) درآمد، جلد ۲ علم و فرهنگ، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- کی نژاد محمد علی و بصیرنیا غلامرضا (۱۳۸۹) تولید علم و فناوری در کشور: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی

نگاهی به ابعاد رویارویی اسلام و غرب در تحولات منطقه

احمد کریم خانی

مقدمه:

خیزش ملت‌های منطقه علیه حاکمان دست‌نشانده و قدرت‌های سلطه‌گر در حالی به پایان سومین سال خود نزدیک می‌شود که قیام‌های مردمی در برخی از کشورهای اسلامی دستخوش انحراف و بازگشت به دوران دیکتاتوری حاکمان سابق خود شده است. در کشورهای تونس، مصر، لیبی و ... قدرت یافتن برخی عناصر سلفی و قرائت‌های متفاوتی که آنها از اسلام تحت عنوان "اسلام سلفی" ارائه نموده اند بار دیگر بهانه را برای حضور و سیطره مجدد استعمارگران فراهم آورده است. بیشترین نگرانی دنیای استکبار از دگرگون شدن صحنه تحولات منطقه به سرانجام رسیدن "بیداری اسلامی" متأثر از جمهوری اسلامی ایران است. آنچه مسلم است این که سیر تحولات سه سال گذشته در منطقه و شمال آفریقا حکایت از رویارویی و تقابل جدی بین دو گفتمان متأثر از اسلام و غرب دارد که این دو نیز تا حدودی به صحنه رقابت و تقابل ایران و آمریکا خلاصه شده است. در این نوشتار برآنیم که با اشاره ای گذرا به ماهیت و علل و عوامل تحولات چند سال گذشته در منطقه به ابعاد رویارویی غرب و اسلام و پیامدهای آن بپردازیم.

ماهیت تحولات منطقه

همزمان با شروع تحولات منطقه و شمال آفریقا غربی‌ها به رسم سیاست و عادت همیشگی خود به دنبال انحراف و تغییر ماهیت این انقلاب‌ها بوده و

هستند تا بتوانند هزینه‌هایی که منافع آنها را در منطقه به خطر می‌اندازد، کاهش دهند. با توجه به بررسی تاریخ سیاست خارجی آمریکا و کشورهای استعمارگری چون انگلستان و فرانسه، اتحاد چنین سیاستی نسبت به مردم و انقلاب‌های آنها طبیعی است؛ چراکه همیشه وقتی منافع و جایگاه خود را در حال از دست رفتن می‌بینند سعی می‌کنند بر موج بوجود آمده سوار شده و نهضت‌ها را از مسیر اصلی خود خارج نمایند. (مانند موضعگیری غربی‌ها در ابتدای انقلاب ایران؛ و تایید و به رسمیت شناختن انقلاب اسلامی و عدم اجازه ورود شاه و خانواده اش به آمریکا جهت کنترل نفرت مردم ایران)

در رقابت‌های حاکم بر روابط بین الملل این موضوع که هرکس به دنبال منافع خود است و سعی دارد تغییرات و تحولات را در راستای منافع خود رقم بزند بسیار واضح است و در نتیجه باید گفت هرگونه تلاش غربی‌ها برای مصادره انقلاب‌های اخیر و تغییر ماهیت آنها، امری طبیعی است و در واقع از غرب رفتاری جز این انتظار نمی‌رود. اما نکته عجیب و جالب توجه این است که عده‌ای در جهان اسلام این ادعا را مطرح می‌کنند که انقلاب‌ها و نهضت‌های بوجود آمده، نشأت گرفته از بیداری اسلامی نبوده و ریشه دینی ندارند بلکه این تحولات پروژه جدید آمریکا برای خاورمیانه است و بجای طرح خاورمیانه‌ای که در دولت بوش شکست، خورد در حال اجراست و این آمریکایی‌ها هستند که بطور غیرمستقیم این جنبش‌ها را بوجود آورده و از آنها حمایت می‌کنند تا شکل و ساختار خاورمیانه جدید کاملاً وابسته به آمریکا بوده و اسلام باب میل آنها را ترویج دهند و حتی راه را برای حضور نظامی آمریکایی‌ها و ناتو هموار نمایند. بنابراین این سؤال اساسی مطرح می‌شود که آیا تحولات منطقه پروژه ای آمریکایی است ؟

در پاسخ به این ادعا که تحولات جاری برنامه سازی غرب بوده است باید گفت که این تحلیل، بی پایه و بی ارزش است چراکه تحولات منطقه به هیچ

وجه نمی‌تواند برنامه‌ریزی غرب باشد، زیرا مواضع متناقض و زیگزاگی غربی‌ها در مورد تحولات منطقه به وضوح نشان دهنده عدم وجود یک سناریوی پیش‌بینی شده است. یعنی آنها نیز با یک موضوع غیرمنتظره روبرو شدند که ذهن منسجم برای برخورد و مواجهه با آن نداشتند.

از سوی دیگر، مجموعه نتایج این تحولات تاکنون کاملاً به ضرر غرب بوده است و اگر تحولات منطقه، برنامه‌ریزی غربی‌ها باشد، برنامه‌ریزی بسیار نابخردانه‌ای است چون مهم‌ترین نتیجه این تحولات، به خطر افتادن تمام منافع حیاتی آنها در منطقه خاورمیانه بوده است.

نخستین منفعت غرب در منطقه خاورمیانه، تضمین عرضه مستمر نفت از منطقه به بیرون است؛ اما تحولات منطقه موجب شد حداقل در حال حاضر، چنین تضمینی وجود نداشته باشد و پیش‌بینی می‌شود در آینده با ناآرام شدن منطقه، کم‌تر شود.

دومین منفعت آمریکا، برقرار ماندن موجودیت و امنیت رژیم صهیونیستی و تلاش برای پیش‌برد عادی سازی روابط کشورهای اسلامی با این رژیم است. روشن است که این پروژه در حال حاضر دچار اختلالات بسیار جدی شده و روند سازش به طور کامل متوقف شده است.

کسانی که با سازش با رژیم غاصب صهیونیستی موافق بودند، دیگر در منطقه بر سر قدرت نیستند و بهترین مصداق آن، رژیم مبارک در مصر است. امروز استراتژیست‌های آمریکایی، حتی تحلیل‌گران رادیکال غربی، تقریباً همگی معتقدند دولت‌های آتی منطقه، علاقه کم‌تری به برقراری روابط حسنه با اسرائیل خواهند داشت و وضع برای تل‌آویو بدتر هم خواهد شد هرچند در مصر با قدرت یافتن مجدد نظامیان این مسئله در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

با این وجود در خوش‌بینانه‌ترین حالت تا چند سال دیگر منطقه از لحاظ حمله‌ی اسرائیل به غزه و لبنان بیمه شده است و در صورت حمله اسرائیل،

با واکنش سریع مردم انقلابی کشورهای عربی مواجه خواهد شد. کنترل افکار عمومی و دولت‌های آنها برای غرب بسیار هزینه دارد و در واقع مشروعیت اسرائیل را بیشتر زیر سوال می‌برد. در نتیجه جایگاه و اعتبار رژیم صهیونیستی آنقدر برای غرب اهمیت دارد که این چنین، فرزند ناخلف خود را به خطر نمی‌اندازد تا تحت فشار مردم مسلمان قرار گیرد.

سومین منفعت حیاتی آمریکا در منطقه، حضور نظامی در خاورمیانه است. تداوم حضور نظامی در منطقه خاورمیانه که حتی هم اکنون نیز به ویژه در بحرین، که میزبان ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا است دچار لرزه‌های بسیار جدی شده است. بنابراین اگر بپذیریم که این تحولات به دست آمریکایی‌ها صورت گرفته است آنها با آن همه مرکز تحقیقاتی و مطالعاتی مهم و معروف خود می‌بایست پیش بینی می‌کردند که امکان دارد این حرکت‌های مردمی به کشورهای نظیر بحرین که آنها در آنجا پایگاه دارند سرایت نماید.

دلیل دیگر در جهت رد نظریه آمریکایی بودن انقلاب‌های منطقه این است که این رویدادها هزینه‌های زیادی را برای غرب بوجود آورده است و در آینده نیز باید شاهد هزینه‌های سنگین تری بود که حتی هزینه‌های آن از جنگ عراق و افغانستان نیز شدیدتر خواهد بود. اگر به اصطلاح، خلیفه کشی در منطقه باب شود در اینصورت هیچ وقت آمریکا حاشیه امنی برای حکام دست نشانده خود نخواهد داشت. مردم راه سرنگونی و جرات مقاومت را پیدا کرده اند. از جمله هزینه‌های دیگری که در این میان متحمل شده است این است که با رفتن حسنی مبارک، قذافی، علی عبدالله صالح و بن علی از منطقه چه کسی با وفاتر و خوش خدمت تر از این افراد برای آمریکایی‌ها وجود داشته باشد؟ در صورتی که اگر هرکس سر کار بیاید دیگر از این افراد به آمریکا وابسته تر نخواهد بود. زیرا مطالبه‌ی اصلی مردم همین دوری جستن از غرب

و عمال آن است .

بنابراین از جمله پیامدهای نهضت‌های اخیر برای غرب رسوا شدن بیش از پیش چهره دوگانه آن‌ها در سر دادن شعار حقوق بشر و دموکراسی خواهی است چرا که از نظر آنان جنایات اتفاق افتاده در لیبی، یمن و بویژه در بحرین مجاز شمرده شده زیرا که خواست مردم مخالف منافع و سلطه طلبی آنان است .

ریشه یابی قیام‌ها

علل و عوامل تضادهای اسلام و غرب در خصوص تحولات منطقه را باید در ماهیت قیام مردم کشورهای اسلامی جستجو کرد. برخی از این عوامل عبارتند از:

۱- اسلامی بودن قیام‌ها : کشورهای که بیداری اسلامی در آنها به وقوع پیوست اکثریت قریب به اتفاق آنها را مردم مسلمانی تشکیل می‌دهند که تعلق خاطر شدید آنها به اسلام و قوانین اسلام به هیچ عنوان قابل انکار نیست . یکی از ویژگی‌های مشترک حاکمان این کشورها در دوران حکومت خود مبارزه با اسلام گرایی مردم این کشورها بود. اتخاذ رویکردهای سکولار در نحوه اداره جامعه، قلع و قمع مبارزان مسلمان، برقراری رابطه با دشمن اصلی مسلمانان یعنی آمریکا و اسرائیل، ممانعت از برگزاری واجبات اسلامی نظیر نماز و حجاب تنها بخشی کوچک از اراده اسلام ستیزی حکمرانان و ساختار سیاسی این کشورها در طی سالیان متمادی حکومت این کشورها بود. لذا اسلام ستیزی و سرکوب اعتقادات مذهبی مردم مسلمان و معتقد این کشورها باعث شکل گیری ریشه‌های عدم مشروعیت این نظام‌ها شد که به همین علت مردم این کشورها برای حفظ اعتقادات اسلامی به مقابله با نظام حاکم روی آورند.

۲- مردمی بودن بیداری‌ها: یکی از اصلی‌ترین روش‌هایی که حاکمان این کشورها قبل از انقلابهای مردمی در این کشورها دنبال می‌کردند رویکرد وابستگی به غرب به ویژه آمریکا بود. رویکرد وابستگی در این کشورها باعث می‌شد که حاکمان این کشورها به علت نداشتن پایگاه مردمی در بین ملت خود به دنبال متحد قدرتمندی می‌گشتند تا ادامه سلطه خود را تضمین کرده و چند روزی بیشتر بر صریح قدرت باقی بمانند. لذا در میان ساختار سیاسی این کشورها وابستگی به آمریکا و دیگر کشورهای نظام سلطه امری یکسان بود. ماهیت وابسته بودن رژیم‌های این کشورها باعث می‌شد که منافع کشورهای بیگانه اما حامی این رژیم‌ها بر منافع مردم رجحان و برتری یابد و در این مسیر تامین منافع حامیان و ماندن بیشتر در قدرت اصولی بود که از سوی هیأت حاکمه این کشورها دنبال می‌شد. از سوی دیگر ذات وابسته بودن به ابرقدرت‌ها در این کشورها باعث می‌شد تا مردم در تعیین سرنوشت خود و پیگیری منافع ملی خود از کمترین میزان تاثیرگزاری بر ساخت قدرت برخوردار باشند. همین امر یعنی عدم مشارکت مردم در قدرت و ساخت سیاسی باعث شکل‌گیری یکی از پایه‌های اصلی این انقلابهای شد. انقلابهایی که با حضور مردم در صحنه به نتیجه رسید باعث شد تا مردم این کشورها برای اولین بار تاثیرگزاری خود را بر ساحت قدرت سیاسی این کشورها ببینند. لذا سرنوشتی حکومت‌های وابسته به غرب در این منطقه استراتژیک به وسیله حضور مردم در صحنه باعث گشوده شدن فصل جدیدی از مشارکت سیاسی مردم و تعیین سرنوشت خود در این کشورها شد.

۳- ضد نظام سلطه بودن: سلط کشورهای غربی و به ویژه آمریکا در ساخت قدرت سیاسی و امنیتی این کشورها یکی از نقاط مشترکی است که در مورد تمامی این کشورها مصداق مشخص و روشنی داشته و دارد. حضور رژیم صهیونیستی در این منطقه و تعهد آمریکا به تامین امنیت دائمی این

رژیم از سوی خود باعث می‌شد که امریکاییها برای حضور در ساختار سیاسی و امنیتی این کشورها برای جلوگیری از رشد عناصر ضد صیونیستی و تقویت جریانان سازشگر در میان حاکمان این کشورها تلاش وافری بنمایند. نمونه‌های فراوانی وجود دارد که همراهی حکمرانان این کشورها علی‌رغم وجود اراده‌های قوی مردمی مبنی بر مبارزه با رژیم صهیونیستی تنها به علت هم پیمانی با آمریکا و اسرائیل نه تنها به این خواست‌ها واقعی نهاد بلکه دقیقا در نقطه مقابل خواست اکثریت مردم کشورهای خود همراه و همسو با آمریکا و رژیم صهیونیستی در جهت تامین منافع آنان گام برمی داشتند. امضای پیمان صلح با اسرائیل، موافقت با حمله اسرائیل به غزه و جریان مقاومت اسلامی در منطقه، محدود کردن مبارزان فلسطینی، بستن گذرگاه رفح و محاصره کامل غزه به درخواست رژیم صهیونیستی و اسرائیل و علی‌رغم خواست اکثریت مردم این کشورها تنها چند نمونه از هزاران اقدامی بود که حکمرانان این کشورها تنها به خواست آمریکا و اسرائیل انجام می‌دادند.

۴ - مشکلات اقتصادی : بیش‌تر کشورهای عربی منطقه از لحاظ اقتصادی دوران بدی را تجربه می‌کنند. مشکلاتی مانند بیکاری و فقر، قشر عظیمی از مردم این کشورها را با خود درگیر کرده است به گونه‌ای که مردم این کشورها درآمد سالانه‌ی بسیار پایینی دارند. در واقع نابرابری‌های اجتماعی یکی از عوامل مهم در قیام مردم عرب بر علیه حاکمان است. هضم شدن اقتصاد این کشورها در اقتصاد سرمایه‌داری و حرکت در جهت لیبرالیسم اقتصادی افسار گسیخته در طول سال‌های گذشته موجبات توسعه‌ی نامتوازن را فراهم کرده است. پیوستن به سازمان تجارت جهانی و اجرا کردن نسخه‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی فاصله‌ی طبقاتی در این کشورها را به گونه‌ای فزاینده، بیش‌تر کرده است.

بنابراین در تحلیل قیام‌های مردمی اخیر در کشورهای اسلامی نباید دچار

تقلیل‌گرایی شد و تنها به یک یا دو دلیل عمده بسنده کرد. در واقع در تبیین این نوع انقلاب‌ها باید به دنبال طیف وسیعی از عوامل بگردیم، هر چند که نقش و اهمیت بعضی عوامل بسیار پر رنگ‌تر و کارسازتر است. یک تحلیل علمی و اصیل تنها بر اساس رهیافت چند علتی، حاصل می‌شود. در این خصوص ولی امر مسلمین، حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله) در ۱۴ خرداد ۹۱ در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) فرمودند: "اسلامی بودن، ضدآمریکایی و ضدصهیونیستی بودن و مردمی بودن سه شاخص عمده حرکت‌های مردمی در منطقه است."

راهبرد غرب و آمریکا در تحولات منطقه

بررسی تحولات منطقه خاورمیانه و خیزش‌های مردمی کشورهای عربی؛ اصلی‌ترین موضوع مورد بحث صاحب‌نظران سیاسی در غرب و آمریکاست. برخی کارشناسان سیاسی اعلام کردند که طلوع خورشید دموکراسی در جهان عرب؛ چالش‌های جدیدی را پیش روی راهبردهای آمریکا در برخورد با جهان اسلام قرار می‌دهد. به اعتقاد این گروه از صاحب‌نظران، انقلاب‌ها و قیام‌های عربی علاوه بر دستاوردهایی، تناقضی را در مواضع آمریکا بین اصول و ارزش‌های اخلاقی و راهبردهای مطابق با منافع خود ایجاد کرده است. سیاستمداران آمریکایی معتقدند که اوضاع در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا بسیار پیچیده‌تر از آن است که آمریکا بتواند نقش چندانی در آن ایفا کند.

"بروس جنتلسون"، استاد دانشگاه دوک آمریکا در این باره می‌گوید: "تنها چیزی که آمریکا از خاورمیانه می‌داند این است که تغییرات زیادی در آن در حال وقوع است، اما نتیجه این رویدادها مشخص نیست." وی ضمن تاکید بر نقش اسلام و گروه‌های اسلامی در این تحولات می‌افزاید: آمریکا

باید به سرعت بیاموزد که مجبور است برخوردی انعطاف پذیر با گروه‌های اسلامی داشته باشد، چون گروه‌های اسلامی نقش بسزایی در تحولات سیاسی منطقه ایفا کرده اند. در این میان سیاستمداران آمریکایی که همواره به اسلام ستیزی پرداخته اند و علیرغم ادعاهای واهی حمایت از حقوق بشر، همواره به مقدسات مسلمانان حتی در خاک خود تعرض کرده اند، اکنون از موضع خود عقب نشینی کرده و به فکر مصالحه با گروه‌های اسلامی افتاده اند و قصد دارند تفاوت میان اسلام و افراط گرایی را پاشنه آشیل اقدامات فریبکارانه خود قرار دهند.

جنتلسون در این خصوص می گوید: آمریکا باید بین انواع اسلام سیاسی تفاوت قائل شود و گروه‌های ستیزه جو که کاملاً با منافع آمریکا در تضاد اند از جمله القاعده را از گروه‌های دیگر که حتی با وجود اختلافات قادر به همکاری با آمریکا در برخی زمینه‌ها می باشند، متمایز نماید. با این حال جنتلسون نیز معتقد است که آمریکا دیگر قادر نیست همانند زمان فروپاشی شوروی سابق با ارتشی از مشاوران سیاسی خود به کشورهای تحول یافته هجوم آورد.

هیلاری کلینتون، وزیر سابق خارجه آمریکا نیز به صراحت به الگوپذیری قیام‌های مردمی منطقه از انقلاب اسلامی ایران و نقش آفرینی جمهوری اسلامی ایران در جهت دهی به خیزش‌های مردمی در منطقه اشاره کرده و ادعا می کند که آمریکا اوضاع منطقه را همانند رقابتی با ایران برمی شمارد و قصد دارد پیش از جمهوری اسلامی از تحولات خاورمیانه به سود خود بهره برداری کند.

چند سال پیش وقتی غرب از خاورمیانه‌ی جدید سخن می‌گفت گمانش این بود که با اتکا به سه عنصر حضور نظامی در منطقه، دیکتاتوری دست نشانده‌ی حاکم بر اکثر ملت‌ها و جریان‌های روشن‌فکری غرب زده و سرسپرده

خواهد توانست امواج آرمان‌گرایی و ظلم‌ستیزی را مهار کرده و از بین ببرد. اشغال افغانستان و عراق آن چنان آن‌ها را به خود غره کرد که حتی از حمله‌ی نظامی و تسخیر ایران نیز سخن گفتند. ناکامی اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه خوش خیالانه بودن طرح آمریکایی خاورمیانه‌ی جدید را آشکار ساخت. مقاومت حماس در جنگ ۲۲ روزه و ۸ روزه احتضار آن را به نمایش گذاشت. حال وقت آن است که ملت‌های منطقه، خاورمیانه‌ی جدید خود را به رخ مستکبران جهانی بکشند.

همان گونه که موج جدید انقلاب اسلامی در چالش با غرب بر بستر احیای عدالت و مبارزه با فساد، فقر، تبعیض و اشرافیت شکل گرفت و استکبار داخلی و خارجی را، هم زمان مورد آماج قرار داد، خیزش جدید ملت‌های خاورمیانه نیز در نخستین گام، فقر تبعیض ناکارآمدی فساد و اشرافیت دیکتاتوری مورد حمایت غرب را هدف گرفته است.

ویژگی مشترک مبارک، بن علی، علی عبدالله صالح و... به وجود آوردن روند فاسدی از قدرت و ثروت در اطرافیان خود است که طی ده‌ها سال به تعمیق اختلاف شدید طبقاتی، گسترش فقر، عقب ماندگی علمی و تکنولوژیک و انتخاب‌های کاملاً نمایشی انجامیده است. حکومت‌های مورد حمایت غرب به بن بست رسیده‌اند و دیگر توپخانه‌های تبلیغاتی امپریالیسم رسانه‌ای و روشن‌فکران خود باخته نیز یارای آرام کردن توده‌های به پا خاسته و به تنگ آمده را ندارند.

آخرین حربه‌ای که برای غرب در برابر این سونامی باقی مانده تلاش برای تحمیل گفتمانی بر این نهضت است که این مبارزه‌ی همه جانبه علیه استکبار داخلی و خارجی در کشورهای خاورمیانه را فاقد منشور، راهبرد و برنامه مشخص اعلام کنند. باید دید که آیا مردمی که امروز از خواب خود بیدار شده‌اند، هشیاری لازم برای مقابله با این حربه‌ی کهنه غرب را خواهند داشت

و آیا خاورمیانه ای جدید با مختصات کاملاً اسلامی شکل خواهد گرفت ؟

راهبرد جمهوری اسلامی ایران

نگاه جمهوری اسلامی ایران به تحولات منطقه از این زاویه است که این جنبش‌ها براساس تحولاتی صورت می‌گیرد که در باورهای ملت‌های مسلمان منطقه اتفاق افتاد و در پی آن به حکومت‌های وابسته و مستبد خود اعتراض کردند .

لذا از آنجایی که این اعتراض نسبت به استبداد و حاکمان جبار و وابستگی آنان به بیگانگان است، یک نوع بازگشت به داخل و نفی خارج است و در داخل نیز مهم‌ترین مولفه سبد ارزشی جوامع اسلامی، اسلام است. به همین دلیل ما این جنبش‌ها را بیداری اسلامی می‌دانیم. چرا که نتیجه بازگشت به خویشتن و بازگشت به ارزش‌های اسلامی و بومی این جوامع است. با این حال معنای این تحولات ایجاد حکومت‌های اسلامی نیست؛ بلکه بیداری اسلامی است. حکومت اسلامی مستلزم فرایندی طولانی‌تر است و نیازمند آگاهی، تجربه و تراکم مطالبات برای ایجاد یک حکومت اسلامی است.

از نگاه غرب اما این تحولات یک نوع فرایند گسترش دموکراسی در منطقه است و به همین دلیل غرب تصور می‌کند به واسطه این تحولات گرایش و همبستگی با غرب در منطقه افزایش می‌یابد و موجب افزایش اشتراکات این کشورها با غرب خواهد شد. تصور آنها براین است که وجود الگوهای مشابه منجر به تثبیت و بقای نفوذ غرب، ولی به گونه و شکلی متفاوت خواهد شد. با وجود این، شاخص‌ها و شواهد میدانی، دیدگاه غرب را تا حد زیادی رد می‌کند. رفتار مردم در حمله به سفارت اسرائیل در مصر و حمله به سفارت آمریکا در لیبی نشان از این دارد که این بیداری در نتیجه

نوعی تضاد با آمریکا و قدرت‌های سلطه‌گر و رژیم صهیونیستی است و صرف شباهت شکلی سیستم (مطالبه مردم‌سالاری) به معنای اشتراکات ماهوی نخواهد بود. ضمن آنکه اساسا منهای سوریه در تمام حوزه‌های بیداری، تضاد با رژیم‌هایی بوده که به نوعی وابستگی شدیدی به غرب داشتند و اعتراض مردم به عقب ماندگی و استبداد فعلی به معنای اعتراض به مسبب این اوضاع است.

بنابراین غرب که متحد این رژیم‌ها بوده و زمینه استمرار این رژیم‌ها را فراهم کرده، خود مسبب اصلی در به وجود آمدن این اوضاع است؛ بنابراین خود جزو متهمان ردیف اول در این اعتراضات محسوب می‌شود؛ به عبارت دیگر یکی از مهم‌ترین وجوه تضاد مردم با غرب بحث عقب ماندگی آنان است که به علت هم پیمانی با غرب به وجود آمده، بنابراین امروز جوامع رغبتی به هم پیمانی با غرب ندارند چرا که آزموده را آزمودن خطاست و یک بار هم پیمانی با غرب را تجربه کرده و نتایج آن را دیده اند، بنابراین اکنون در کشور های مسلمان اساسا گرایشی به غرب وجود ندارد و آنچه امروز مورد مطالبه جدی ملت‌های بیدار قرار گرفته، استقلال و عدم وابستگی است که از طریق ائتلاف‌های داخلی و وحدت شکل می‌گیرد. آنچه در تونس و مصر اتفاق افتاده عمدتا ائتلاف‌های داخلی و پرهیز از ائتلاف و هم پیمانی با قدرت‌های غربی است.

واقعیت این است که در تمام حوزه‌های بیداری اسلامی، ایران از ظرفیت‌های گسترده‌ای برای گفتمان‌سازی و اتحاد و ائتلاف سود می‌برد. تنها چالش ایران بحث سوریه است. در سوریه نیز گرچه وضعیت متفاوت است اما به دلیل شباهت‌های ظاهری و حضور اخوان المسلمین به عنوان یکی از جریان‌های معارض در سوریه سیاست خارجی ما را تا حدی با مشکل مواجه کرده است. علت این دوگانگی رفتاری این است که از نقطه نظر ایران، بخش

زیادی از فرایند اعتراضات در سوریه وابسته به خارج و غیرواقعی است که علت اصلی فراگیر نشدن قیام در سوریه هم همین موضوع است.

حضور فعال دیپلماسی ایران در منطقه و جریان و مواضع ضد استکباری مسوولان نظام و مقاومت و ایستادگی ملت ایران در برابر زیاده خواهی های دشمنان و دفاع خالصانه انقلاب و رهبری ملت ایران از حق ملت های مظلوم فلسطین، عراق، افغانستان، لبنان و اینک مردم انقلابی مصر، تونس، بحرین، یمن و لیبی موجب گردیده که چند رخداد مهم در منطقه توسط ملت های بپا خاسته و بیدار شده پدید آید :

۱- انقلاب در اندیشه و اراده و عزم ملت های اسلامی خاورمیانه و گرایش اقتصادی و دینی به مقابله با حکام طاغوتی خود .

۲- ضدیت با آمریکا و صهیونیسم و انزجار از حکام وابسته به آنها .

۳- آزادی خواهی و مردم سالاری خواهی برای مشارکت در تعیین سرنوشت کشور خود .

۴- بازگشت به هویت اسلامی و ملی و مستقل خود .

۵- جایگزین سازی نظامات سیاسی مردمی و اسلامی مستقل بدنبال بروز جرقه انقلاب و قیام در کشورهای اسلامی و وارد آمدن اولین ضربه های سخت برپیکره حکومت های مهم و بزرگ منطقه ماننده مصر و تونس و، غرب و آمریکا دچار شوک سیاسی گردید و به سرعت برای مدیریت، کنترل، هدایت و سوزن بانی این انقلاب ها وارد عمل شدند .

از اینجا بود که دو مدیریت در انقلاب ها و خیزش های منطقه به تقابل و نبرد پرداختند، یک مدیریت غرب و دیگر مدیریت توسط انقلاب اسلامی ایران. غربی های در اثر ابهام و گنگی در شناخت و ارزیابی به هویت این انقلاب ها دچار دوگانگی در سیاست های خود شدند ولی ایران با درایت و بدون دخالت در امور داخلی این کشورها، ضمن حمایت از خواست و اراده

دموکراتیک مردم همه را به شنیدن صدای انقلاب فراخواند و سعی کرد هویت این انقلاب‌ها را شفاف‌تر سازد علی‌رغم اینکه تحلیل‌های غلط و القائات فریبنده‌ای از سوی رسانه‌های غرب و وابسته به آنها در کشورهای عربی سعی کردند، این جنبش‌ها و تحولات را دست‌ساز غرب و آمریکا نشان دهند و با شبیه‌سازی در ایران و سوریه این تحلیل را جا بیندازند تا زمینه دخالت مستقیم در کشورهای منطقه را فراهم سازند، ولی هویت واقعی این انقلاب‌ها نقشه‌های آنها را نقش بر آب ساخت و به موضع نظامی و مقابله با ملت‌ها و جنبش‌ها کشاند، یعنی با دست خود تحلیل‌ها و القائات قبلی رسانه‌های غربی را ابطال و ثابت کردند که انقلاب‌ها و جنبش‌های پدید آمده به خواست و اراده آنها نبوده بلکه برخلاف منافع آنها رخ داده است.

اینکه جمهوری اسلامی به عنوان بزرگ‌ترین حامی جنبش‌های مردمی منطقه و الهام بخش حرکت انقلابی آنها در رقابت با غرب در مدیریت و هدایت این انقلاب‌ها به سوی ایجاد خاورمیانه جدید بدون اسرائیل و آمریکا و حکام وابسته به آنها با تدبیر و درایت عمل می‌کند. آنچه آغاز شده حرکتی بطئی، آرام و در بعضی کشورها پرهزینه و خسارت است و نباید انتظار داشت که اهداف نهایی آن به سرعت دست یافتنی باشد. بلکه به اقتضاء شرایط و موقعیت سیاسی و اجتماعی و فرهنگی کشورها باید انتظار پیشرفت داشت.

چشم انداز رویارویی اسلام و غرب

انقلاب اسلامی ایران از زمان پیروزی آن زلزله ای در جهان اسلام بوجود آورده که ارگان سیاسی و ایدئولوژیک جوامع اسلامی را تحت تأثیر جدی قرار داده است. زیرا قرائت امام خمینی و انقلاب اسلامی از اسلام، با قرائت تحمیلی و القائی بر ملت‌های مسلمان منطقه در طول تاریخ تفاوت ماهوی دارد. اسلام آمریکائی که حاکم بر کشورهای اسلامی منطقه بویژه خاورمیانه

است، نه تنها حافظ منافع آمریکا و اسرائیل و انگلیس بوده بلکه ثروت و شوکت و عزت مسلمانان را به باد فنا داده و جز فقر و عقب ماندگی و وابستگی و نوکری سلطه‌گران ثمری برای ملت‌های اسلامی نداشته است. در حالی که اسلام ناب محمدی و اسلام سیاسی مورد قرائت امام و انقلاب اسلامی، این نوع افکار و اندیشه‌های انحرافی مخالف و تسلیم شدن در برابر دشمن را جرم می‌داند.

اسلام مورد قرائت در ایران اسلامی، استکبار ستیز و دارای عزت و کرامت است در طی سه دهه گذشته که ملتهای اسلامی منطقه آثار و نتایج انقلاب اسلامی را دیده‌اند و درک کرده‌اند که اگر اسلام مورد ترویج ایران را الگوی حرکت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خود قرار دهند، هویت از دست رفته خود را باز یافته و بار دیگر عزت و شکوه و عظمت اسلامی را بدست خواهند آورد. ملت‌های اسلامی منطقه که بجز کشورهای عراق و مقداری در لبنان و بحرین و یمن و عربستان که شیعیان حضور دارند علیه حکام جور و طاغوتی و ضد اسلام این کشورها بوده‌اند، اینک برخلاف آنچه تاکنون بر ملت‌های منطقه القاء شده، ملت‌ها علیه حکم طاغوتی و نامشروع خود به قیام دست زده و با الهام از انقلاب اسلامی برای سرنگونی حکومت‌های طاغوتیان تلاش خواهند کرد.

لذا این تحول ایدئولوژیک و فرهنگی در مسلمانان منطقه جز از طریق تأثیرپذیری و الهام از انقلاب اسلامی ایران از هیچ طریقی به ملت‌های دیگر سرایت نکرده است. بنابراین تأثیر انقلاب اسلامی بر تحولات منطقه را باید امری مسلم و عمیق دانست.

البته نباید این نکته را نادیده گرفت که شرایط کشورهای در حال انقلاب منطقه با ایران متفاوت است و هر کشوری به لحاظ سیاسی و فرهنگی اقتضائات خود را دارد و نباید انتظار داشت آرمان‌های مورد نظر ما به طور

کامل تحقق یابد. اما اینکه علی‌رغم اجرای طرح ایران‌هراسی در کشورهای منطقه و تخریب چهره جمهوری اسلامی توسط رسانه‌های استکباری و فعالیت ده‌ها شبکه ضد ایرانی رادیویی و تلویزیونی، اندیشه و افکار انقلاب اسلامی منشأ تحول و حرکت و جنبش در مردم بویژه جوانان کشورهای اسلامی شده است و خود گامی مهم در مسیر اهداف سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی است.

با این وجود رویارویی غرب و اسلام موضوعی قطعی و ریشه دار است که سر منشأ از مبدا تفکری این دو مکتب می‌گیرد. رهبر معظم انقلاب ۱۷ شهریور در دیدارنامه جمعه سراسر کشور در تبیین چرائی اهمیت نگاه کلان و واقع بینانه به مسائل کشور و جهان، به رویارویی مبنائی غرب با اسلام در طول چند قرن اخیر و نقش پیروزی انقلاب اسلامی بعنوان نقطه عطف این رویارویی اشاره کردند و افزودند: «دولت، مسئولان، سیاسيون، دیپلمات‌ها و مردم باید تحرکات و رفتارهای پیچیده و ظاهرسازی‌های حقوق بشری غرب و آمریکا را با نگاه واقع بینانه و در چارچوب رویارویی عمیق و مبنایی غرب با اسلام تحلیل کنند زیرا در غیر این‌صورت در تمایز میان تاکتیک‌ها و راهبردهای طرف مقابل و حتی شناخت دشمن دچار اشتباه خواهیم شد».

ریشه و این خصومت‌های آن را حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای این چنین فرمودند که «غرب، در دوران استعمار، سیطره و سلطه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود را بر شرق از جمله دنیای اسلام گسترش داد و بواسطه پیشرفتهای علمی و فناوری، اینگونه القاء کرد که الگو و مرکزیت همه محاسبات، دنیای غرب است؛ آنها حتی محاسبات جغرافیایی را بر مبنای اصالت و برتری دنیای غرب تغییر دادند و اصطلاحات نادرستی همچون خاور نزدیک، خاورمیانه و خاور دور را بوجود آوردند».

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در منطقه و

دنیای اسلام و هویت اسلامی و دینی که این انقلاب به ملت‌ها داد، افزودند: گسترش تدریجی تفکر و هویت انقلاب اسلامی ایران، غربیها را به شدت نگران کرد و آنها، همزمان با عمق یافتن تفکر اسلامی، برنامه‌ریزی‌ها و طراحی‌های خود را نیز پیچیده‌تر و عمیق‌تر کردند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید کردند: اکنون شرایط منطقه و دنیای اسلام بگونه‌ای است که غربیها تصور می‌کنند از هماوردی با تفکر انقلاب اسلامی عقب مانده‌اند و بر همین اساس تمام توان خود را به کار گرفته‌اند تا این عقب ماندگی را جبران کنند. ایشان افزودند: در چنین شرایطی حرکت بیداری اسلامی نیز در منطقه آغاز شد و غربی‌ها که خود را عقب مانده از حرکت تفکر انقلاب اسلامی، می‌دیدند، با سراسیمگی برای مقابله با بیداری اسلامی و اسلام سیاسی وارد میدان شدند.

خصوصیت ریشه دار غرب با اسلام که در آثار متعدد هالیوودی، موضع‌های رسمی و غیر رسمی، عملکرد اقتصادی و کنش‌های نظامی آنقدر مشخص است که اگر محدود اختلافات چین و روسیه در چند سال اخیر بر سر توازن قدرت کنار بگذاریم تمامی اختلاف‌ها و مناقشات اصلی چند سال گذشته یک طرف ثابتش اسلام و سمت دیگر آمریکا و متحدان غربی آن بودند.

تصورات خیالی بعضی افراد سست نظر این است که چرا نمی‌شود اسلام با غرب و تفکرات لیبرالیستی کنار بیاید، چرا ما مثل تمام کشورها با غرب مخصوصاً آمریکا رابطه دوستانه نداشته باشیم؟

پاسخ آنها ساده است نخست اینکه اسلام و غرب در اصول ۱۰۰ درصد مخالف هم هستند و قبول آمریکا به عنوان دوست یا باید به همراه گذشتن و نادیده گرفتن اصول اسلام باشد یا گذشتن غربی‌ها از اصول غرب و تفکرات لیبرال (به صورت قطعی تا به حال غرب که از اصول مادی اش کنار نیامده) پس نتیجه ساده اش تبدیل شدن به کشوری به اسم اسلامی و در عمل اسلام

آمریکایی است.

دوم دوستی در رابطه با یک قدرتمند زور گو نوعی خیال بافی بچه گانه است، آمریکا در تاریخ کوتاه تشکیلش بیش از ۱۸۸ جنگ و حمله نظامی به تمام نقاط جهان از آسیا تا آفریقا و حتی اروپا داشته است (این تعداد به جز حملاتی است که با حمایت مستقیم و غیر مستقیم آمریکا و توسط دیگران انجام شده است) خوب دوستی با این کشور هرچه بنامی اش در حقیقت زانو زدن و تسلیم شدن در برابر اوست نه دوستی.

نگاه امام خمینی^(ه) در این موضوع واضح و مشخص است به صورتی که بعد از قطع رابطه از سوی آمریکا این چنین پیام می دهند: «ملت شریف ایران، خبر قطع رابطه بین ایران و آمریکا را دریافت کردم و اگر کار تر در عمر خود یک کار کرده باشد که بتوان گفت به خیر و صلاح مظلوم است، همین قطع رابطه است؛ رابطه بین یک ملت بپاخاسته برای رهایی از چنگال چپاولگران بین المللی با یک چپاولگر عالم خوار، همیشه به ضرر ملت مظلوم و به نفع چپاولگر است. ما این قطع رابطه را به فال نیک می گیریم؛ چون که این قطع رابطه دلیلی بر قطع امید آمریکا از ایران است. ملت رزمنده ایران این طلعه پیروزی نهایی را که ابرقدرت سفاکی را وادار به قطع رابطه یعنی خاتمه دادن به چپاولگری ها کرده است، اگر جشن بگیرد حق دارد».

جورج شولتز استراتژیست معروف غربی که در سال های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ وزیر امور خارجه کشور آمریکا در دولت ریگان بود می گوید: (انقلاب اسلامی خطرناک ترین دشمن مشترک تمدن غرب در سراسر تاریخ آن است.)
یا در جای دیگر ریچارد نیکسون که در سال های ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۴ رئیس جمهور آمریکا بود می گوید:

"اسلام خمینی و بنیادگرایی اسلامی برای ما خطرناکتر از شوروی است ... در جهان اسلام از مغرب (مراکش) تا اندونزی در شرق بنیادگرایی

اسلامی جای کمونیسم را به عنوان وسیله اصلی دگرگون سازی قهر آمیز گرفته است. تغییر در جهان سوم آغاز شده است و بادهای آن به مرحله طوفان رسیده است. ما قادر نیستیم آن را متوقف کنیم. " نظریه پردازان غربی معتقدند که آرام ساختن طوفان اسلامی تنها در سایه استحاله جمهوری اسلامی ایران یا شکست انقلاب اسلامی میسر است. بنابراین مشکل ما و غرب، مشکل تقابل دو نوع ایدئولوژی و دو نوع جهان بینی است. نوع نگاه جمهوری اسلامی به جهان و انسان و سیاست و امنیت و معنویت و سعادت و اخلاق و اقتصاد و رفاه و عدالت کاملاً با نوع نگاه غربیان متفاوت است. رابطه ایران اسلامی و آمریکا و اروپای لیبرال، رابطه گرگ و میش است. یعنی رابطه دو نظام با دو ماهیت کاملاً متمایز و متفاوت است. هرگز آشتی نمی پذیرند.

فرصت طلبی اصلاح طلبان در دولت "اعتدال" چرایی و چگونگی

بهزاد کاظمی

پس از انتخابات ریاست جمهوری یازدهم عده ای علاوه بر این که اصرار دارند انتخاب حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی به عنوان رئیس جمهور را در چهارچوب پیروزی اصلاح طلبان تحلیل کنند، به شدت در پی مصادره به مطلوب و فرصت طلبی برای نفوذ و رخنه در دولت هستند تا از این رهگذر راهی برای تحقق اهداف خود بیابند.

براساس اخبار در جلسه شهریور ماه ۹۲ اصلاح طلبان، پنج اولویت راهبردی برای فعالیت سیاسی آنها به تصویب رسیده و به تأیید محمد خاتمی نیز رسیده است. این پنج اولویت عبارتند از:

- ۱- تشکیل کمیته‌های انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان
 - ۲- احیای جنبش دانشجویی ۳- احیای جنبش مدنی و فعال نمودن N.G.O ها ۴- تشکیل جبهه متحد رسانه‌ای ۵- تولید فشار و مطالبه برای رفع حصر از موسوی و کروبی و آزادی زندانیان فتنه ۸۸
- این موضوع از زوایای گوناگون قابل بررسی است که به طور مختصر در دو بعد چرایی و چگونگی فرصت طلبی اصلاح طلبان در دولت اعتدال به آن می‌پردازیم.

الف) چرایی فرصت طلبی اصلاح طلبان

به فراموشی سپاری فتنه گری و تطهیر چهره فتنه‌گران

فتنه سال ۱۳۸۸ و همراهی بسیاری از اصلاح طلبان با فتنه گران لکه ننگی است که برای همیشه در اذهان و افکار باقی خواهد ماند. اصلاح طلبان

برای ادامه فعالیت‌های سیاسی در درون حاکمیت، استراتژی تقلیل فتنه به ناآرامی‌ها و اعتراضات اجتماعی- سیاسی و تطهیر چهره فتنه گران را در پیش گرفته اند. تلاشی است برای بازگرداند دوباره ی اصلاح طلبان. علاوه بر این استراتژی؛ استراتژی و اشتباه برخی از تحلیل گران است. در فتنه‌ی ۸۸ بخشی از بنده‌ی اصلاح طلبان پا را از قانون فراتر گذاشتند و میدان را برای برخی از فرصت طلبان آماده ساختند و حتی حاضر نشدند خط خود را با فتنه گران مجزا سازند.

هدف افراطیون جریان دوم خرداد در شرایط فعلی پاک کردن حافظه تاریخی ملت از خیانت و وطن فروشی سران فتنه گر است و این امر با راه‌هایی نظیر «تلاش برای پخش سخنان و تصاویر عوامل دستگیر نشده غائله ۸۸ که چند سالی است در سکوت خبری به سر می‌برند»، «درخواست از رئیس‌جمهور جهت رفع حصر خانگی از سران فتنه در قالب کارهای فشرده رسانه‌ای» و «تبدیل کردن آزادی سران فتنه به یک مطالبه عمومی»، «مطرح کردن دو طرف دعوا در انتخابات ۸۸» به عنوان ارائه آدرس‌های غلط از سوی اصلاح طلبان قابل تشخیص است.

بازگشت بی هزینه به عرصه حاکمیت

جریانی که از مسببان اصلی فتنه سال ۸۸ است و هزینه‌های گزافی را به واسطه عملکردش به کشور و مردم تحمیل کرد، پس از آنکه نتوانست اهداف خود را در آن مقطع زمانی محقق کند با راهبردی مشخص و البته پنهان و پیچیده سعی در برگشتن به عرصه حاکمیت بدون دادن هزینه داشت و امروز هم همان هدف را به شکلی متفاوت تر از گذشته با فرصت طلبی از شرایط دولت اعتدال دنبال می‌کند.

توجه به مواضع برخی از سران اصلاحات به خوبی نشان می‌دهد که

تئوری پردازان این طیف سیاسی تصمیم دارند ضمن مصادره به مطلوب رئیس جمهور به نفع گفتمان خود، با ادبیاتی طلبکارانه نسبت به نظام بدون دادن کمترین هزینه‌ای به حاکمیت برگردند.

محمد خاتمی در دیدار با حجت الاسلام روحانی اظهار می‌کند: «حقاً و انصافاً باید از آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب که زمینه تحقق این حماسه را فراهم کردند قدردانی کرد». تشکر خاتمی از رهبر انقلاب در حالی صورت می‌گیرد که وی و همفکرانش در مجمع روحانیون بارها درخواست‌ها و نصیحت‌های رهبری را در سال ۸۸ نادیده گرفته و برخلاف خواسته‌های ایشان مبنی بر دست برداشتن از اردو کشی خیابانی، بیانیه تندی برای برپایی اغتشاشات خیابانی صادر نمودند و حاضر به پس گرفتن آن جز در ساعت پایانی نشدند. آنها آتش فتنه‌ای را روشن کردند که هزینه‌های بسیاری برای نظام در عرصه داخلی و بین الملل به همراه داشت.

خاتمی همچنین در دیدار با جمعی دیگر بیان می‌کند: «... امروز روز تقابل نیست، روز همدلی است. فقط و فقط ما باید سعی کنیم افراط‌گری و تنگ نظری- از هر طرف- میدان دار نباشد. همه در صحنه بیایند و کار و تلاش کنند؛ ما هم چیزی جز اجرای ضوابط قانونی برای مردم، کارآفرینان، طبقه متوسط و... نمی‌خواهیم...»

بازتولید و تقویت پایگاه اجتماعی اصلاح طلبان

به نظر می‌رسد مهمترین و اساسی ترین هدف تجدیدنظرطلبان در شرایط فعلی همین گزاره است. این همان راهبردی است که پس از حماسه ۹ دی در دستور کار نظریه پردازان این جرگه سیاسی قرار گرفته و همچنان هم مورد توجه قرار دارد.

عملکرد اصلاح طلبان و به ویژه سران آنها در حوادث مربوط به مجلس ششم و همچنین انتخابات سال ۸۸ باعث شد تا آنان تتمه اعتبار و مقبولیتی

که نزد برخی از اқشار جامعه داشتند از بین برود و تلاش آنان پس از انتخابات ریاست جمهوری ۹۲ نفوذ در کابینه دولت یازدهم برای بازسازی این اعتبار نزد مردم است.

بسیاری از کارشناسان و ناظران سیاسی معتقدند سران جریان موسوم به اصلاح طلبی اکنون به دنبال فرصتی برای موج سواری حاصل از انتخاب آقای روحانی و اثرگذاری در افکار عمومی جامعه هستند و اگر نتوانند وزیری در کابینه یازدهم داشته باشند قطعاً به دنبال دیکته کردن افکار و نظرات خود به دولت خواهند بود.

بازسازی شبکه اجتماعی اصلاح طلبان که در فتنه ۸۸ مورد استفاده قرار گرفت یکی از اهداف اصلاح طلبان تندرو است.

تجدید قوا و فتح سنگر به سنگر

اصلاح طلبان هر چند با تمام قوا برای انتخابات ریاست جمهوری ۹۲ نیامدند اما نتیجه نیم‌بندی که گرفتند باعث شد تا آنان خود را برای انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان مهیا کنند. اصلاح طلبان هرگز فکر نمی‌کردند فضای سیاسی کشور به سوی آنان بوزد و حتی بتوانند در حد وزرا و معاونین رئیس جمهور صاحب مناصب سیاسی شوند. اصلاح طلبان که دوباره دروازه‌های پاستور را به سوی خود باز دیدند؛ برای دروازه‌های بهارستان نیز تلاش می‌کنند. همچنان که برای شهردار شدن در بهشت تلاشی سخت به خرج دادند.

محمد خاتمی در جلسه نیمه اول شهریور ماه با اصلاح طلبان و در پاسخ به انتقادهایی پیرامون ترکیب کابینه یازدهم گفته است:

اگر چه ما نتوانستیم در لایه‌های اول مدیریتی همه نیروهای خود را به دولت یازدهم تزریق کنیم اما باید تلاش نماییم لایه دوم مدیران را از آن خود نماییم. خاتمی همچنین مدعی شده لایه سوم سال‌هاست که در اختیار ما

قرار دارد. در زمان احمدی‌نژاد هم این لایه مال ما بوده است.

ب) چگونگی فرصت طلبی اصلاح‌طلبان

✓ تفسیر نزدیک به اصلاح‌طلبی از اعتدال

اصلاح‌طلبان می‌کوشند تفسیر اعتدال را به گفتمان اصلاح‌طلبی نزدیک کنند و این‌گونه در جامعه القا کنند که روحانی به اصلاح‌طلبان نزدیک‌تر است و مشی اعتدال گرانه او نیز زیر مجموعه اصلاح‌طلبی است.

روزنامه‌ها و رسانه‌های این طیف، سعی دارند با قطبی کردن فضای سیاسی کشور، اصولگرایان را نماد افراط و تفریط و جریان‌ات وابسته به اصلاحات را نماد عقلانیت و اعتدال معرفی کنند.

خاتمی در اظهارات خود در جمع اعضای ستاد بزرگداشت مرحوم طاهری با تاکید بر اینکه دولتی که پیروز شده است دولت اصلاح‌طلب نیست، گفتمان‌ش را گفتمان نزدیک به اصلاحات دانست. وی با اشاره به شخصیت مستقل حسن روحانی، اظهار می‌دارد: «ایشان رییس جمهور کشور است، اما آنچه ایشان تاکید کرده و ما هم می‌گوییم پافشاری روی این شعارهاست ما هیچ چیز نمی‌خواهیم. اینکه یک نفر از افرادی که وابسته رسمی به اصلاح‌طلبی هست را حتی در پستی نگذارند برای ما مهم نیست»

✓ سهم خواهی استراتژیک و نفوذ در دولت

سناریوی اصلاح‌طلبان، سهم خواهی و نفوذ در کابینه دولت یازدهم بوده و از همین رو است که در تریبون‌های مختلف از گزینه‌های خود به عنوان افراد صالح در کابینه روحانی یاد می‌کردند.

از این دیدگاه اصلاح‌طلبان به دنبال روی کار آمدن کسانی بودند که با رویه آنها در ۱۶ سال گذشته هماهنگ باشند. تلاش برای مصادره دولت آینده به نفع اصلاحات را در مصادیقی نظیر «انتخاب شعارهای ساختارشکنانه

توسط بدنه فتنه در جشن پیروزی طرفداران روحانی»، «طرح سؤال‌های جهت‌دار توسط خبرنگاران رسانه‌های زنجیره‌ای در نخستین کنفرانس خبری رئیس‌جمهور منتخب»، «سهم‌خواهی و طرح مطالبات پرحجم از کابینه دولت» می‌توان به‌وضوح دید.

یکی از مهمترین عواملی که برای مصادره دولت یازدهم به نفع خود، دستاویز اصلاح‌طلبان قرار می‌گیرد کناره‌گیری عارف از انتخابات است. با طرح این موضوع این‌گونه القا می‌کنند که روحانی مدیون اصلاح‌طلبان است و وی باید در کابینه این دین را ادا کند.

از همان ابتدا اصلاح‌طلبان برای گرفتن چهار وزارتخانه مهم تلاش گسترده‌ای را آغاز کرده‌اند: وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی، علوم، تحقیقات و فناوری، آموزش و پرورش و ورزش و جوانان.

انتخاب این چهار وزارتخانه نیز با اهداف خاصی صورت گرفته بود؛ آنان از سویی می‌دانستند نباید به دنبال وزارتخانه‌های سیاسی باشند؛ از سویی دیگر نباید وارد مسائل اقتصادی و در نتیجه وزارتخانه‌های اقتصادی می‌شدند، چرا که هم حرفی برای گفتن نداشتند و هم این که مبدا شکست در آن وزارتخانه‌ها طومار اصلاح‌طلبان را در هم بیچد؛ از سویی دیگر باید وزارتخانه‌هایی را متصدی می‌شدند که بتوانند هدایت و سازماندهی جامعه مدنی ایران را بر عهده می‌گرفتند؛ وزارتخانه‌هایی که کاملاً با جوانان در ارتباط‌اند و در دهه گذشته نیز نشان داده‌اند به خوبی می‌توانند از همین وزارتخانه‌ها فتنه‌ها راه بیندازند.

این وزارتخانه‌ها، استراتژیک‌ترین وزارتخانه‌ها برای هدایت و سازمان‌دهی جامعه مدنی می‌باشد؛ کافی است توجهی به هر یک از این وزارتخانه‌ها داشته باشیم:

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارتخانه‌ای گسترده است که تقریباً همه

امور لازم برای تولید اندیشه و فکر، بسط و گسترش آن، هنر، رسانه و ... را در اختیار دارد. شبکه گسترده و دامنه نفوذ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در چارچوب بندی و ترویج گفتمان مورد نظر اصلاح طلبان بر کسی پوشیده نیست. اصلاح طلبان عموماً می‌دانند که با تسلط بر وزارت ارشاد باید بذرهایی را بکارند تا فردا آن را درو کنند.

وزارت علوم هم از دیگر وزارتخانه‌هایی است که اصلاح طلبان و رسانه‌های نزدیک به آنان به صورت ویژه برای آن کاندیدای وزارت معرفی می‌کنند. وزارتخانه‌ای که فضای دانشگاهی ایران را مدیریت می‌کند. فضایی که با حرکت خودش جامعه را به حرکت وا می‌دارد. شبکه گسترده و دامنه نفوذ این وزارتخانه هم بر کسی پوشیده نیست. بی دلیل هم نیست که اصلاح طلبان این وزارتخانه را هم کلیدی می‌دانند و برای تصاحب آن در دولت روحانی کم نمی‌گذارند. و وزارتخانه آموزش و پرورش برای اصلاح طلبان با برداشتهایی که بعداً می‌توانند بکنند بسیار ارزش دارد. قدرت سازماندهی آموزش و پرورش چه در سطح مردمی و چه در سطح تشکلهای در ایران فوق‌العاده عالی و گسترده است.

وزارت ورزش و جوانان؛ وزارتخانه‌ای تقریباً کم درد سر با سود فراوان و برخوردار از توجه و حمایت ویژه جوانان؛ اضافه شدن مسئولیت برای جوانان به وزارت ورزش دایره گسترده‌ای از فعالیت‌های ویژه را پیش روی این وزارتخانه می‌گشاید؛ مخصوصاً اگر کسی در صدر این وزارتخانه قرار بگیرد که در گذشته اصلاح طلبی خود چنین فعالیتی نیز داشته است؛ مانند وزیر پیشنهادی ورزش که نتوانست رای اعتماد از مجلس بگیرد.

چهره سازی و برجسته کردن اشخاص

استفاده از شخصیت‌های گمنام یا خوشنام و تلاش برای گره زدن نام آنان با اردوگاه اصلاح طلبان از استراتژی‌های آن در انتخابات مختلف بوده است.

چهره‌سازی در سال ۱۳۷۶ به مدد اصلاح‌طلبان آمد و آنان به همت همین چهره‌سازی توانستند در شورای شهر تهران نیز ماندگار شوند.

محمد خاتمی هم با حضور در مجامع مختلف سیاسی، فرهنگی، رسانه‌ای و .. تلاش می‌کند تا چهره‌ی قبلی خود را بازسازی کند. او با حضور در انواع مجالس تلاش می‌کند تا جنبه‌های مختلف شخصیت خود را گسترش دهد و تنها خود را محدود به هویت سیاسی نکند.

گسترش تبلیغات در رسانه‌های زنجیره‌ای

اصلاح‌طلبان به کار ژورنالیستی و فضا‌سازی رسانه‌ای مسلطند. با آمدن فضای مجازی و در اختیار گرفتن این فضا باعث شده تا عملاً اصلاح‌طلبان در مدیریت افکار عمومی دستی برتر را دارا باشند. از این‌رو حضور شخصیت‌های سیاسی اصلاح‌طلب در مطبوعات و فضای مجازی و تلاش برای کشاندن مباحث مختلف سیاسی به صفحات شخصی در فضای مجازی نشان از تلاش برای سرمایه‌گذاری در این سطح ارزیابی می‌شود.

تخریب اصول‌گرایان و چهره‌های اصول‌گرایی

اصلاح‌طلبان هرچه اصول‌گرایان را تضعیف کنند خود را قوی‌تر می‌بینند. فضای اجتماعی جامعه دو دولت نهم و دهم را دولتی اصول‌گرا می‌دانست. اشتباهات پی در پی احمدی‌نژاد و تندروی در نقد شخصیت احمدی‌نژاد و عدم تفکیک دولت نهم و دهم از شخص و عملکرد احمدی‌نژاد باعث شد تا این مسأله خود را بیش از پیش نشان دهد.

فضا‌سازی برخی از روزنامه‌های اصلاح‌طلب برای برجسته‌سازی برخی از تخلفات دولتمردان و تلاش برای انتساب آن به مجموعه اصول‌گرایی از جمله استراتژی اصلاح‌طلبان است. اصلاح‌طلبان تمام تلاش خود را برای از بین بردن نقاط قوت دولت نهم و دهم بکار خواهند بست تا جایی که در ذهن

مخاطب احمدی نژاد تبدیل به شخصیتی شود که مساوی مدیریت اصول گرایان قلمداد شود.

حذف عناصر غیر اصلاح طلب

کمتر از یکسال پس از نشستن فرهاد دانشجو بر کرسی ریاست دانشگاه آزاد اسلامی، خبر برکناری وی در اوایل کار دولت یازدهم مخابره شد و به دلایلی که به شکل رسمی اعلام نشده است، فرهاد دانشجو برکنار و حمید میرزاده سرپرست دانشگاه آزاد شد.

بعد از اظهارات خانم امین زاده معاونت حقوقی رئیس جمهور که گفته بود «نرمش قهرمانانه نباید "عقب گرد از اصول" تلقی شود» خبری در سایتها منتشر شد که حکایت از این داشت "مجید انصاری معاون حقوقی رئیس جمهور" درصدد است پیشنهادی را برای ادغام معاونت پارلمانی با معاونت حقوقی ریاست جمهوری را ائه کند که در عمل موجب حذف وی خواهد شد. برخی چنین اعتقاد دارند که آقای انصاری در واقع زیرکانه می‌خواهد با این ادغام، خانم امین زاده را از دولت روحانی حذف کند چرا که وی و طیف وی تحمل نظرات اصولگرایانه خانم امین زاده را ندارند.

انصاری در حالی در تلاش است که معاونت پارلمانی و حقوقی رئیس جمهور با هم ادغام شود که این ۲ معاونت در دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی و خاتمی، ادغام بود اما به دلیل عدم کارایی و مشکلات عدیده در دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد از هم منفک شدند.

تزریق تفکر «سازش با غرب» به دولت

پیشنهادی که هادیان به عنوان امتیازدهی یکجانبه به غرب مطرح کرد، دقیقاً همان طرحی است که در سال‌های اخیر بارها از سوی رژیم صهیونیستی مطرح شد و پس از عدم پذیرش آن از سوی ملت ایران، به

تحریم‌های غرب علیه ایران منجر شد.

طرحی که هادیان در در یادداشتی که در روزنامه بهار به چاپ رسیده، بعنوان امتیازدهی یک جانبه به غرب مطرح می کند دقیقاً همان طرحی است که در سال‌های اخیر بارها و بارها از سوی رژیم صهیونیستی مطرح می شد و پس از عدم پذیرش از سوی ملت ایران، در نهایت به تحریم های سنگین از سوی غرب علیه ایران منجر شد.

همزبانی یک اصلاح طلب و پژوهش گر ارشد مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام با رژیم صهیونیستی، این نگرانی را بوجود می آورد که آیا سرانجام سیاست خارجی دولت تدبیر و امید نیز به سرانجام دولت خاتمی که انحراف و سازش با غرب بود، دچار خواهد شد؟

هادیان از جمله پیشنهادکنندگان اصلی مذاکره مستقیم با آمریکا نیز بوده است تا جایی که چندی پیش در یک مصاحبه مدعی شده بود ایران برای مذاکره با آمریکا نیازی به میانجی مانند ۵+۱ ندارد و باید مستقیماً و بصورت دوطرف با سران آمریکایی مذاکره نماید.

احیای جنبش دانشجویی به نفع اصلاح طلبان

از نظر جریان اصلاحات وزارت علوم و برخی معاونت های وابسته به اصناف و تشکل های کارگری از پست های کلیدی هستند که تلاش دارند به هر تقدیر بر سر آن با روحانی به جمع بندی برسند. میلی منفرد و بعد از آن توفیقی از این حیث به عنوان وزرای پیشنهادی وزارت علوم قابل تحلیل هستند. جریان اصلاحات در صدد است با استفاده از جریان های دانشجویی و کارگری و صنفی شرایط را برای آمدن مجدد جریان اصلاحات در انتخابات آینده مهیا سازند.

به این ترتیب تاکتیک این روزهای جریان اصلاحات در تعامل با دولت با دست پس زدن و با پا پیش کشیدن است. مطالبات حداقلی و تعامل کژدار و

مریز تا اولین انتخابات آینده ادامه خواهد داشت. اعتدال راه اصلاحات را نمی رود ولی اصلاحات می خواهد از دریچه اعتدال به اهداف خود دست پیدا کند اصلاح طلبان می خواهند جامعه سازی مدنی را بجای جامعه سازی اسلامی دنبال کنند.

خیز انتخاباتی

راهبرد دیگر اصلاح طلبان، خیز انتخاباتی است که این جریان برای مجلس دهم، دور بعدی ریاست جمهوری و حتی مجلس خبرگان برداشته است. بعضی تحلیل ها حاکی است که اظهارات، اشارات و تحلیل های سران جناح اصلاح طلب، نشان می دهد آنها دولت دکتر حسن روحانی را به منزله پلی برای عبور از شرایط کنونی جهت رسیدن به قدرت می دانند. سران جناح اصلاحات در تشریح وضعیت دولت روحانی می گویند: «شاید بهتر باشد اصلاح طلبان، درون حاکمیت نباشند تا بتوانند خود را احیا کنند.» به نظر می رسد با توجه به شرایط دشوار اقتصادی کشور، اصلاح طلبان ترجیح می دهند خود را با مشکلات این مرحله درگیر نکنند و با این تحلیل که دولت دکتر روحانی نمی تواند توفیق چندانی به دست آورد، خود را برای در دست گرفتن قدرت در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۶ آماده کنند.

در همین حال محمدرضا راه چمنی از اعضای سابق حزب همبستگی، اعلام کرد جبهه اعتدال گرایان با حضور ۱۴ حزب و تشکل سیاسی تشکیل می شود.

وی با اشاره به ایده تشکیل جبهه اعتدال اظهار داشت: ما به همراه آقای نوبخت دبیرکل حزب اعتدال و توسعه به دنبال تشکیل جبهه اعتدال گرایان در میان احزاب و تشکل های سیاسی هستیم، چرا که هر جبهه ای باید از سوی چند حزب و تشکل تشکیل شود و افراد به تنهایی نمی توانند جبهه تشکیل دهند، البته می توانند مجوز حزب دریافت کنند. وی اضافه کرد: جبهه

اعتدال‌گرایان از مجموعه چند حزب و تشکل سیاسی که از وزارت کشور مجوز گرفته‌اند، تشکیل خواهد شد.

وی ادامه داد: برای تشکیل جبهه اعتدال‌گرایان اولین جلسه آن در دفتر آقای نوبخت برگزار و آئین‌نامه داخلی و منشور اولیه این جبهه تصویب و مقرر شده که در جلسات آتی درباره منشور تهیه شده، بحث و بررسی شود و ان‌شاءالله این جبهه به زودی شکل خود را پیدا خواهد کرد.

اصلاح‌طلبان دریافتند که پیروزی در سایه‌ی وحدت امکان‌پذیر است. نمی‌توان اتحاد و وحدت اصلاح‌طلبان به رغم نقاط افتراق فراوان با یکدیگر را انکار کرد. به نظر می‌رسد اصلاح‌طلبان از این استراتژی نیز برای انتخابات ۹۴ مجلس بهره‌گیری خواهند برد.

عبور از دولت روحانی

از همان روزی که حسن روحانی به عنوان رئیس‌جمهور ایران برگزیده شد، برخی کارشناسان مسائل سیاسی پیش‌بینی می‌کردند که جریان اصلاحات بزودی کلید آغاز پروژه عبور از روحانی را خواهد زد؛ پروژه‌ای که در ماه‌های اخیر شایعاتی درباره آن مطرح شده بود.

روزنامه "بهار" در گفتگو با محمدرضا تاجیک، یکی از نظریه‌پردازان طیف اصلاحات مطالبی را درباره آینده دولت یازدهم بیان کرده که نشان می‌دهد برنامه عبور از دولت روحانی توسط اصلاح‌طلبان قرار است شکل علنی‌تری به خود بگیرد.

تاجیک درباره انتظاراتی که به عنوان یک اصلاح‌طلب از دولت یازدهم دارد، گفته است: "من دولت کنونی را یک قهرمان نمی‌بینم، بنابراین مطالبات سیاسی خود را در جعبه‌ای کوچک گذاشته و تقدیم می‌کنم. من بسیاری از پره‌ای پرواز امیدم را کنده‌ام، مبدا زیادی اوج بگیرد و ناامیدم کند. دوست ندارم امید به این زودی‌ها ترکم کند، بنابراین مطالباتم را حداقلی کرده‌ام."

او همچنین با انتقاد از رئیس جمهور به دلیل زیرسوال بردن ماهیت احزاب و عدم اعتقاد به فعالیت حزبی، اینگونه نسبت به سخنان حسن روحانی واکنش نشان داده است: "من چنین رویکردی را از جانب یک رییس جمهوری اعتدالگرا نمی پسندم. این رویکرد را نه تنها علمی و عمیق نمی دانم، بلکه متناسب با نیازها و مطالبات جامعه سیاسی امروز ایران نیز نمی دانم. باید توجه داشته باشیم که در ایران معاصر این همواره حکومت‌ها بوده‌اند که مانع شکل گیری و شکوفایی احزاب و نهادهای شدن بازی و رقابت حزبی در جامعه شده‌اند، بنابراین تصغیر و تحقیر احزاب آن هم توسط یک دولتمرد پذیرفته نیست."

تاجیک حرف آخر را هم اینگونه زده که دولت روحانی باید یک پل میان دولت اصولگرا و دولت اصلاح طلب باشد و ضمن اشاره به لزوم عبور از دولت یازدهم، تاکید کرده است: "من این دولت را دولت گشودگی‌ها و گشایش‌های محدود و تعریف شده می دانم. در این دولت، نسبت به دولت گذشته، روزنه و دریچه‌ای و نه دری و دروازه‌ای روی جامعه مدنی گشوده خواهد شد. امیدوارم بازیگران جمعی غیردولتی ما بتوانند از این روزنه عبور کنند و در پس این روزنه عمارتی نو و مستحکم بنا نهند."

به نظر می رسد برنامه تئوریسین‌های جناح اصلاح طلب که پس از برخی انتصاب‌ها و سخنان آقای روحانی در ماه‌های گذشته، نسبت به شکل گیری یک دولت اصلاح طلب ناکام مانده، اکنون به سمت سناریوی عبور از دولت متمایل شده و بزودی شاهد پیدایش یک زاویه جدی میان دولت و همراهان سابق اصلاح طلب آن خواهیم بود.

سناریویی که محمدرضا تاجیک کلید آغاز آن را فشار داد، در کوتاه مدت به همراه انتقاد از اقدامات حداقلی شخص رئیس جمهور است ولی در بلند مدت به سراغ اولویت‌ها و خط مشی‌های اصلی دولت هم خواهد رفت؛ به

همین دلیل باید منتظر نشست و نحوه تلاش اصلاح طلبان از خروج از این
گره محکم سیاسی را نظاره کرد.

آیا دستاوردهای سفر نیویورک یخ‌های روابط ایران و آمریکا را باز خواهد کرد؟

عبدالله داورزنی

مقدمه:

سفر دکتر روحانی رئیس‌جمهور اسلامی ایران در روز دوم مهرماه سال ۱۳۹۲ و سخنرانی او در جمع سران کشورهای عضو مجمع عمومی سازمان ملل و به‌ویژه صحبت تلفنی با بارک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا در محافل سیاسی و رسانه‌های داخلی و خارجی موجی رسانه‌ای را دامن زد و زمینه را برای پیش‌داوری در خصوص اینکه بزودی چالش سه دهه خصومت و دشمنی ایران و آمریکا در فضای بین‌المللی تبدیل به دوستی خواهد شد که منافع و مصالح ملی هر دو کشور بر اساس قواعد و اصول شناخته شده در روابط بین‌الملل حل و فصل گردد.

بر همین اساس خبرگزاری‌ها، نشریات و روزنامه‌ها، شخصیت‌ها و محافل سیاسی سفر مردان دولت یازدهم به مقر سازمان ملل را بازتاب داده و چشم‌انداز جدیدی را در فضای افکار عمومی به تصویر کشیدند.

آمریکا در طول ۳۴ سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی همواره به دنبال اهداف و منافع استکباری خودش بوده و در طول ۵۰ سال گذشته مناقشات و منازعاتش در اقصی نقاط عالم برای سلطه و هژمونی قدرت بوده است حتی یک مورد سیاست بیطرفی و یا دوستانه از آمریکا در مورد ایران سراغ نداریم.

آمریکایی‌ها کلکسیون‌های اقدامات خصمانه نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی، امنیتی در قبال ایران داشته و حتی در بالاترین سطح تنزل از مواضع خصمانه، هم اکنون نیز شمشیر داموکلس را بالای سر ایران نگه

داشته و معتقد است گزینه نظامی همچنان روی میز دولت مردان آمریکاست. برای بررسی بیشتر این موضوع که آیا سفر نیویورک خواهد توانست یخ‌های روابط ایران و آمریکا را باز و فضای تاریک آن را روشن نماید. بهتر است این موضوع که پیشینه‌ای به بلندای عمر انقلاب اسلامی دارد با بررسی مختصر دیدگاه‌های موجود در داخل ایران، نگاه مسئولان بلند پایه کشور و دکت‌ترین راهبردی جمهوری اسلامی و فضای نویی که در آخرین سفر ریاست محترم جمهوری اسلامی در نیویورک ایجاد شد، بررسی و نتیجه‌گیری شود.

۱- دیدگاه‌های متفاوت پیرامون رابطه با آمریکا در داخل ایران

بعد از اینکه پای آمریکا پس از تسخیر لانه جاسوسی برای همیشه از ایران اسلامی بریده شد چگونگی روابط دو کشور دائماً با چالش‌ها و حواشی گوناگون روبرو بوده است. شخصیت‌ها و فضای رسانه‌ای بعد از انقلاب سعی کردند افکار عمومی در داخل ایران را تحت آزمون و تست مقبولیت نظرات خود قرار دهند.

و گاهی در فراز و فرودهای دوران انقلاب بعضاً از طریق آمریکا گام‌هایی مخفیانه مانند سفر ملک مارلین در دولت ریگان به تهران برداشته شده است که روایت این رسوایی کاخ سفید هنوز هم با امّا و اگرهای فراوانی روبرو است. در ایران نظرات متفاوتی پیرامون روابط با آمریکا در داخل کشور وجود دارد که ۱- برخی تمایل به روابط داشته‌اند ۲- برخی راه حل‌های دیپلماسی را درپیش می‌گرفته‌اند ۳- برخی هم به هیچ جور، مسامحه و مصالحه‌ای را برای رابطه با آمریکا نمی‌پذیرفتند. اما ابراز تمایل آمریکایی‌ها برای تجدید روابط با ایران به پشتوانه مواضع جریان‌ی در داخل ایران طرح می‌شد که آنان را میانه‌روهای داخل نظام می‌نامند.

امّا آنچه روشن است اینکه رابطه با آمریکا در فرایند کلی در نظام جمهوری اسلامی بیش از آنکه نظرات دولت‌ها در آن پررنگ باشد تابعی از

سیاست‌های کلی نظام و تابعی از نظرات رهبری در جامعه و حاکمیت دینی می‌باشد. که براحتی نمی‌توانست بر اساس خوشایند یا بدآیند جریان‌ات و گروه‌های سیاسی، روند عادی سازی روابط شکل بگیرد. و یاد و خاطره عملکرد و خیانت آمریکایی‌ها در ایران به بوته فراموشی سپرده شود.

۲-مراقبت و دیده‌بانی حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری در

باب مذاکره و رابطه

بر همگان روشن است که یکی از متغیرهایی که ایران اسلامی را از سایر نظامها در دنیا متمایز می‌کند وجود رهبری و ولایت فقیه در رأس هرم نظام اسلامی است. این امتیاز بزرگ در قانون اساسی توانسته در فراز و فرودها و چالش ایران اسلامی با نظام سلطه که همواره تلاش می‌کنند از طریق نقش دادن به میانه‌روها و محافظه‌کارانی که همواره سودای رابطه با آمریکا را داشته و با بی‌اعتبار کردن شعارهای ضد صهیونیستی و ضد استکباری و از بین بردن وحدت ملی در جمهوری اسلامی، راه را برای سلطه مجدد آمریکا هموار نمایند. و دستگاه رهبری همواره در فراز و فرودها ایستاده و مبارزه کرده است.

نقش این دو بزرگوار همیشه مراقبت و نگهبانی از خواست و صلاح ملت و منافع و مصالح ملی بوده است و با شجاعت و شهامت و تدبیر، سیاست‌های پنهان آمریکا را زیر نظر داشته و در بازی سیاسی آنان همواره طرف برد را برای خود(جمهوری اسلامی) انتخاب کرده و امتیازی به دشمن نداده‌اند و در مقابل بعضی شخصیت‌ها و دولت‌ها که شائبه اختفاء چراغ سبز را زیر کت خود داشته‌اند مواضع متفاوت و روشنی داشته‌اند و اصل برایشان حفظ استقلال و کرامت ملت ایران بوده است.

در گذشته حضرت امام تصریح داشته‌اند که «اینها صحبت از انسان‌دوستی و بشردوستی می‌کنند. تمام مقصد این جنایت کارها رسیدن به

یک نقطه است و آن قدرت است. قدرت برای کوبیدن هر کس در مقابلشان است.» (صحیفه امام ج ۱۱، ص ۳۰۳)

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «مذاکره در عرف سیاسی یعنی معامله، مذاکره با آمریکا یعنی مقابله با آمریکا، معامله یعنی داد و ستد. یعنی چیزی بگیر، چیزی بده. تو از انقلاب اسلامی به آمریکا چه می‌خواهی بدهی تا چیزی از او بگیری؟ والله که آمریکا از هیچ چیز ملت ایران، به قدر مسلمان بودن و پای بند بودن به اسلام ناب محمدی^(ص) ناراحت نیست او می‌خواهد شما از این پابندی‌تان دست بردارید. او می‌خواهد شما این گردن برافراشته و سرافراز را نداشته باشید! حاضرید؟

۳-دکترین راهبردی جمهوری اسلامی در روابط با کشورها:

از مسلمات سیاست خارجی جمهوری اسلامی دکترین راهبردی مبتنی بر اصول عزت، حکمت، مصلحت، در روابط با همه کشورها اعم از ضعیف و قوی است. این گفتمان منطقی راه برون رفت ما با کشورهایی است که با ما در اصطکاکند. این گفتمان راهنمای سیاست‌مداران ما برای رسیدن به منافع و خواسته‌های کشور در چارچوب موازین پذیرفته شده بین‌المللی است. ما با این سه اصل می‌توانیم با دنیا تعامل سازنده‌ای داشته باشیم. گاهاً عدم استفاده صحیح از این اصول در صحنه سیاسی موجب حساسیت شده و صف‌بندی‌هایی را موجب گردیده است. که دولت مردان ما با دقت و ظرافت تلاش کرده‌اند با بهره‌مندی از این دکترین راهبردی، تأمین منافع حداکثری را میسر نمایند.

تکیه بر این اصول می‌تواند و توانسته در فضای بین‌المللی عزت ملت ایران و نظام مقدس جمهوری اسلامی را به منصف ظهور برساند و رهبر معظم انقلاب این سه اصل را یک مثلث الزامی برای چهارچوب ارتباطات بین‌المللی دانسته است.

۴-نرمش قهرمانانه مقوم اصول عزّت، حکمت، مصلحت

امروز راهبرد نرمش قهرمانانه که راهنمای سیاست خارجی دولت یازدهم هست را می‌توان در قالب سه اصل حکمت، عزّت، مصلحت تفسیر کرد. مقام معظم رهبری به صورت نظام‌مند و قانونمند تلاش نموده‌اند در چهارچوب خاصی محورهایی در حوزه سیاست خارجی و نحوه برخورد با دشمن را برجسته و تبیین کنند که همین واژه نرمش قهرمانانه هم جزئی از این چارچوب فکری است.

چارچوبی فکری‌ای که به هیچ وجه ناظر بر سازش و عقب نشینی در برابر دشمن و کوتاه آمدن از اصول انقلاب نمی‌باشد. چارچوب فکری‌ای که دشمنی آمریکا با انقلاب را به دلیل ماهیت انقلاب دانسته و معتقد است هرگونه اعتماد به دشمن شکست و پشیمانی است.

چارچوب نظری‌ای که می‌پذیرد که می‌توان در برابر این دشمن گاهی از تاکتیک، مانور و نرمش قهرمانانه جهت ضربه فنی وی در حرکت بعدی استفاده کرد.

البته نرمش، انعطاف و مانور هنرمندانه و قهرمانانه در همه عرصه‌های سیاسی، یک کار مطلوب و مورد قبولی است. لکن این مانور هنرمندانه نبایستی به معنای عبور از خطوط قرمز یا برگشتن از راهبردهای اساسی یا عدم توجه به آرمان‌ها باشد.

مقام معظم رهبری در تأیید این حربه از دیپلماسی سیاسی در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ۹۲/۶/۲۶ می‌فرمایند: «ما مخالف با حرکت‌های صحیح و منطقی دیپلماسی هم نیستیم. چه در عالم دیپلماسی چه در عالم سیاست‌های داخلی. بنده معتقد به همان چیزی هستم که سالها پیش اسم‌گذاری شد؛ «نرمش قهرمانانه»، نرمش در یک جاهایی لازم است، بسیار خوب است، عیبی ندارد. اما این کشتی‌گیری که دارد با حریف خودش

کشتی می‌گیرد و یک جاهائی به دلیل فنی نرمش نشان می‌دهد، فراموش نکند که طرفش کیست.»

دستاوردهای سفر نیویورک در عرصه منطقه‌ای و بین‌الملل

۱- سفر نیویورک زمینه‌ساز فرصت‌ها و تغییر نگرش‌ها

سفر رئیس‌جمهوری به نیویورک با توجه به رویکرد و اعتدال می‌تواند دستاوردهای خوبی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی داشته باشد. چرا که مقرر سازمان ملل محل تجمع و دیدار سران کشورهای است که در نقشه سیاسی دنیا جایگاهی را برای خود تعریف کرده و محل انعکاس دیدگاه‌ها و مواضع سران کشورهاست. نگارنده اعتقاد دارد که براساس فرمایشات مقام معظم رهبری که یکی از سنت‌های خوب معظم له در حمایت از دولت‌ها در طول سه دهه انقلاب اسلامی بوده بایستی از اقدامات و مواضع و عملکرد خوب دولت و شخص رئیس‌جمهور در انتقال و دفاع از حقوق حقه مردم و نظام اسلامی حمایت کنیم.

رویکرد مثبت دکتر روحانی به مسائل گوناگون در عرصه بین‌المللی موجبات تغییر در افکار عمومی و خصوصاً تعامل با مسئولان دیپلماسی کشورهای غربی گردید.

آمریکایی‌ها تلاش می‌کردند یک تصویر منفی و یک چهره خشن در افکار عمومی دنیا، از ایران بسازند. اعلام محور شرارت و حمایت از تروریسم و نقض حقوق بشر در ایران یکی از دیدگاه‌های عمومی و مسلط غربی‌ها در سطح مسئولان و رسانه‌های جمعی آنان بود که باعث می‌شد غربیها گارد بسته‌ای نسبت به ایران نشان دهند ولی سخنرانی دکتر روحانی در سازمان ملل باعث باز شدن گارد بسته‌ی طرف غربی با ایران شد.

این گفتمان در منظر افکار عمومی و از تربیون سازمان ملل چهره‌ای

صلح‌طلب و اعتدال‌گرا از ایران را به جهانیان نشان داد و اینکه ایران دارای منطق گفت‌وگوست و همواره سعی دارد مسائل را از طریق مذاکره حل کند.

۲- سفر نیویورک غلبه سیاست برد-برد در فضای رسانه‌ای غرب

با گفتمان منطقی می‌توان راه برون رفت با برخی کشورهایی که با ما در اصطکاکند را پیدا کرد بطوری که با توجه به منافع کشور، طوری رفتار کرد که طرف مقابل نیز خود را در موضع شکست خورده تلقی نکند و او هم احساس کند در این بازی سهمی داشته است.

یکی از دستاوردهای گفتمان منتخب مردم رویکرد به سیاست برد-برد در فضای رسانه‌ای غرب بود. به گونه‌ای رفتار کرد که دشمن احساس کرد نمی‌تواند هر زمان اراده کند از حریف خود می‌تواند به صورت یک جانبه امتیاز بگیرد و طبعاً طرف‌های مذاکره و نشستن کشورها پای میز مذاکره بر منطق مساوات و اقدام متقابل استوار هست.

۳- سفر نیویورک تعدیل مواضع دشمن خصوصاً آمریکا نسبت به ایران

عراقچی معاون وزیر خارجه ایران، سیاست‌ها و گام‌های عملی را در تغییر ماهیت روابط ایران و آمریکا تعیین کننده دانست و فرایند آن را این‌گونه توضیح داد: «مقدمه تغییر سیاست‌ها، تغییر در رویکردها و مقدمه تغییر در رویکردها، تغییر در لحن و ادبیات است که این روند جدید در حال آغاز است و زمانی که به تغییر در سیاست‌ها و اقدامات طرف مقابل منجر شد، باعث اطمینان‌زایی و ایجاد اعتماد خواهد شد.»

یکی از نشان‌های عملی در صحن سازمان ملل نطق باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا بود که علی‌رغم نکات منفی، برخوردار از نکات مثبت و رو به جلو داشت.

در دایره برخورد منصفانه، سخنان بارک اوباما، رئیس دولتی که سه دهه

است دشمن ایران محسوب می‌شود در شصت و هشتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد از گذشته مثبت‌تر بود اما همچنان با آنچه باید باشد، فاصله داشت که از جمله:

۱- اوباما به صراحت از حق مردم ایران برای استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای سخن گفت

۲- اوباما به ناخرسندی مردم ایران از آمریکا و دخالتش در کودتای ۲۸ مرداد سخن به میان آورد.

۳- اوباما از فتوای هسته‌ای رهبر عالی ایران نام برد که می‌تواند این فتوای حکیمانه پایان بخش چالش هسته‌ای بین ایران و غرب باشد.

۴- به صراحت اعلام کرد که به دنبال براندازی ایران نیست.

۵- اوباما به حق ملت فلسطین برای داشتن دولتی مستقل اذعان کرد. که البته بخش‌های منفی سخنان وی که نافی هرگونه چشم‌انداز مثبت در برقراری رابطه بین دو کشور می‌شود در بخش نتیجه‌گیری به آن پرداخته می‌شود.

نتیجه‌گیری:

سؤال اصلی این است که آیا اعتمادسازی، گفت‌وگو، اعتدال، تعدیل مواضع اوباما، و تأکید بر راهبرد نرمش قهرمانانه در کنار اصول اساسی عزت، حکمت، مصلحت خواهد توانست یخ روابط چند دهه پس از پیروزی انقلاب را آب کرده و چشم‌انداز مثبتی برای رفع تخاصم در کشور ایجاد نماید؟

آنچه که برای دستگاه دیپلماسی و دولت مردان یازدهم و کسانی که معتقد به ایجاد روابط با آمریکا بدون هیچ گونه پیش شرطی هستند این است که بدانند اگر خواستیم چالش مذاکره و روابط ایران و آمریکا را درست تحلیل و ارزیابی کنیم، توجه به نکاتی که هر چند با آن بیگانه نیستیم ضروری است:

۱- نگاه تک بعدی و توجه صرف سیاسی به مقوله منافع ملی خیلی نگاه دقیقی نیست. ممکن است امتیازاتی در حوزه‌های ژئوپولیتیک منافع ایران بدست بیاوریم. و این ما را خوشحال کند. اما آنچه مهم است شناختن آن ضروری بنظر می‌رسد تأثیر ایدئولوژیک بر مسئله رابطه است. این آن لایه پنهان و خطرناک دشمن در بحث دشمنی با ماست که باید بدانیم دلیل اصلی خصومت دشمن برای چیست؟ آیا خصومت دشمن صرف مسائل سیاسی و مادی است؟

۲- دیدگاه نخبگان غربی از جمله ساموئل هانگتینگتون از نظریه پردازان برخورد تمدن‌ها این است که بین تمدن غرب و تمدن اسلام یک گسل وسیعی است. او معتقد به عدم همگرایی و تعامل بین دو تمدن هست و این از بابت توجه اندیشمندان غرب که نقش ایدئولوگ را در تعیین راهبردها بازی می‌کنند مسئله مهمی است که تأثیر نقش سیاستمداران را در ایجاد رابطه سیاسی واقعی بسیار کم‌رنگ می‌کند و بازی آنها را در ایجاد و برقراری رابطه نقش فریب‌کارانه و برخلاف اعتقادشان جلوه می‌دهد.

۳- امروز تمدن غرب مبتنی بر تفکر مادی‌گرایانه لیبرالیسم، اسلام سیاسی مبتنی بر تفکر شیعی را هدف قرار داده و با دامن زدن به ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی و با طرح هلال شیعی درصدد است از الگوگیری ملت‌های دنیا از تحقق تمدن واقعی اسلام جلوگیری نماید و خود را نماد الگوهای انسانی و ملتی پیشرو قلمداد نماید.

۴- با توجه به پشتوانه «راهبرد نرمش قهرمانانه» در سیاست خارجی دولت یازدهم و نرمش گفتمانی دکتر روحانی در سازمان ملل متأسفانه باز هم شاهد نکات منفی در سخنرانی ریاست جمهوری آمریکا بودیم که:

الف: اوباما یک لحظه از حمایت رژیم اشغالگر قدس کوتاه نیامد.

ب: حملات تندی را علیه متحد ایران یعنی سوریه در جبهه مقاومت

داشت و او را متهم به استفاده از سلاح شیمیایی کرد.

ج: در سخنان او صحبتی از تحریم‌های ظالمانه ضد ایرانی و احتمال لغو آن زده نشد.

د: اوپاما، حتی حاضر نشد به صراحت بگوید گزینه نظامی علیه ایران را از روی میز برداشته است.

۵- در سیاست خارجی، راهبرد حضرت امام خمینی^(ه) کمک به نهضت‌های آزادی‌بخش و در نگاه مقام معظم رهبری تقویت جبهه مقاومت ترسیم گردیده است. آنچه در طول سالیان مبارزه هم برای ما و هم برای آمریکا مشخص هست اینکه خط قرمز ما جبهه مقاومت و برای آمریکا تأمین موجودیت رژیم جاعل اسرائیل است و هرگز طرفین حاضر به عبور از این خطوط نیستند.

۶- مواضع مسئولین اصلی در سیاست خارجی آمریکا از جمله جان کری این است که امروز ایران از موضع ضعف و به‌خاطر تأثیر تحریم‌ها ناچار است پای میز مذاکره بنشیند. و لازم است ابتدا گام‌های عملی از جمله پذیرش پروتکل الحاقی، محدودیت فرایند غنی‌سازی در فردو، عدم حمایت از رژیم سوریه... را در دستور کار خود قرار دهد.

آنچه از کلام مسئولان و دست‌اندرکاران لابی صهیونیستی در دستگاه دیپلماسی و مسئولان بلند پایه آمریکا صادر می‌شود نشانگر اینست که آمریکایی‌ها عادت ندارند در فضای بین‌المللی بر مبنای احترام متقابل و احترام به حقوق سایر کشورها وارد شوند. حرکت زیگزاگی و پنهان کردن نیات فریبکارانه، تعیین قیودهای تکراری و مواضع دو پهلوی در سخنرانی‌ها و مواضع رسانه‌ای، غیر قابل اعتماد بودن دشمن را در صحنه دیپلماتیک نشان می‌دهد.

و خوبست اولین و آخرین فرمایش رهبر فرزانه انقلاب را مستند این

دست‌نوشته قرار دهیم که فرمودند: «من به این مذاکرات خوشبین نیستم.» و آخرین مرتبه در دانشگاه شهید ستّاری نیروی هوایی فرمودند در مورخ ۹۲/۷/۱۳ ما به هیئت دیپلماسی ملت عزیزمان و دولت خدمت‌گزارمان خوشبین هستیم، البته به آمریکایی‌ها بدبینیم، به آنها هیچ اعتمادی نداریم ما دولت ایالات متحده آمریکا را دولتی غیر قابل اعتماد می‌دانیم دولتی خودبتربین- دولتی غیر منطقی و عهد شکن.»

و بهتر است دستگاه دیپلماسی و کسانی که خواهان مذاکره و ایجاد رابطه با آمریکا هستند تا دشمن گام‌های اعتمادساز و شفاف‌ی را بر نداشته از هرگونه خوش‌بینی مضاعف پرهیز کنند تا بهانه بر دشمن داده نشود که مذاکره و رابطه را جزء مطالبه عمومی مردم در فضای افکار عمومی جار بزند.

و آمریکایی‌ها هم باید بدانند که ملت بزرگ ایران تمدن خود را بر مبنای مقاومت در برابر اسکندر مقدونی تا آمریکا ساخته است و هرگز عزت خود را با دشمن معامله نخواهد کرد.

رویکرد جنگ طلبانه آمریکا علیه سوریه و عقب نشینی اوپاما

فرزان شهیدی

مقدمه:

در مقطعی که نظام سوریه موفق به مدیریت بحران در این کشور شده و دستاوردهای میدانی و سیاسی متعددی کسب کرده بود، جبهه مخالفان سوریه (شامل کشورهای غربی، آمریکا و برخی کشورهای مرتجع عربی نظیر عربستان سعودی و قطر با همراهی ترکیه) با دستاویز اتهام نظام سوریه به استفاده از تسلیحات شیمیایی، بر طبل جنگ کوبیدند، به این امید که موازنه میدانی را به نفع تروریست ها رقم زده و فشار تازه ای بر دمشق وارد آوردند. رئیس جمهوری آمریکا که زمانی هشدار داده بود استفاده از سلاح شیمیایی در سوریه برای او «خط قرمز» محسوب می شود، زبان به تهدید و دخالت نظامی گشود. دستاویزها و بهانه های این جنگ همانند جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ کاملاً تکراری بود: رژیم سوریه با به کارگیری سلاح شیمیایی مرتکب جنایت جنگی شده است و غرب بر اساس وظیفه انسانی باید مردم سوریه را از شر دیکتاتور رهایی بخشد! اما وضعیت سوریه ۲۰۱۳ با عراق ۲۰۰۳ تفاوت های بسیاری داشته و شرایط منطقه و جهان نیز پذیرای جنگ افروزی دیگری از سوی کاخ سفید نبود.

اوپاما که خود را در عرصه حمله نظامی علیه سوریه تنها دید تلاش کرد بدون آن که اعتبار خود را مبنی بر «خط قرمز سلاح شیمیایی» زیر سوال ببرد، از مسئولیت جنگ شانه خالی کند؛ لذا تصمیم گیری در باره حمله نظامی را به نمایندگان آمریکا درکنگره محول کرد. از طرفی پیشنهاد روسیه

مبنی بر نظارت بین المللی بر تسلیحات شیمیایی سوریه و استقبال همه جانبه از این پیشنهاد یکی از دلایل مهمی بود که شیخ جنگ را از سر سوریه دور کرد و آمریکا ضمن عقب نشینی آبرومندانه، فرصتی یافت تا خود را از فرو رفتن در باتلاقی که خود ساخته بود، نجات دهد.

در این نوشتار نگاهی داریم به دلایل رویکرد جنگ طلبانه ایالات متحده علیه سوریه و در ادامه به واکاوی دلایل عقب نشینی رییس جمهور آمریکا از حمله نظامی خواهیم پرداخت.

از جنجال شیمیایی تا کوبیدن بر طبل جنگ

حمله شیمیایی به منطقه «غوطه شرقی» در حومه دمشق در اوایل شهریورماه گذشته، به سرعت تبدیل به سوژه ای در دست مخالفان سوریه شد تا در سایه آن، طبل جنگ را به صدا درآورند. این حمله همزمان با حضور بازرسان شیمیایی سازمان ملل در سوریه، انجام گرفت و موجی از اعتراضات را برانگیخت.

به دنبال این حادثه، شورای امنیت سازمان ملل نشست فوق العاده برگزار کرد که در آن به اتفاق آراء به کارگیری سلاح شیمیایی را محکوم کرده و خواهان رسیدگی به حادثه و معلوم شدن عوامل آن شدند. کشورهای مختلف اعم از حامیان و مخالفان بشار اسد، چنین حمله فجیعی را محکوم کرده و استفاده از سلاح شیمیایی در بحران سوریه را زنگ خطری بزرگ برای جامعه جهانی قلمداد کرده اند؛ اما نگاه آنان به مسببان این فاجعه متفاوت بود.

روسیه ضمن رفع اتهام از رژیم سوریه فیلم ماهواره ای این حمله را که توسط تروریست ها صورت گرفته بود، در اختیار سازمان ملل قرار داد. از طرفی آمریکا و اروپا انگشت اتهام را به سمت نظام دمشق نشانه رفته و آمریکا اعلام کرد با به کارگیری سلاح شیمیایی توسط ارتش بشار اسد، حمله

نظامی به سوریه توجیه قانونی پیدا خواهد کرد. اتحادیه اروپا نیز خواهان رسیدگی رسمی سازمان ملل به این قضیه شد.

عربستان و قطر اما به عنوان دشمنان منطقه ای سوریه، طی یک جنگ روانی هدفمند این حمله را به ارتش سوریه و شخص بشار اسد نسبت دادند و بلافاصله یک هجوم خبری، تبلیغاتی و سیاسی را علیه دولت سوریه رقم زدند؛ تا حدی که خواهان حمله نظامی ناتو به سوریه شده و از دولت های غربی دعوت کردند تا جهت سرنگونی رژیم بشار وارد فاز نظامی شوند. سرانجام آمریکا و متحدانش با دستاویز شیمیایی مقدمات جنگ علیه سوریه را فراهم نمودند، اما ادامه ماجرا لزوما مطابق اهداف آنان پیش نرفت و در نتیجه از انجام حمله نظامی بازماندند.

با توجه به تضارب آرا در باره مسببان حمله شیمیایی در سوریه تردیدهایی در این باره ایجاد شد؛ اما شواهد نشان می داد در حالی که دولت سوریه بازرسان شیمیایی سازمان ملل را پذیرفته و آن ها در دمشق حضور دارند و بسیاری از اسناد بیانگر استفاده سلاح شیمیایی از سوی برخی از نیروهای مسلح مخالف بشاراسد در اطراف حلب است، امکان استفاده ارتش سوریه از سلاح شیمیایی و چنین حمله ای از سوی آنان، آن هم در پایتخت سوریه، غیرممکن است.

بنا بر این سناریوی شیمیایی یک دام تازه برای بسترسازی دخالت نظامی مستقیم در سوریه بود، آن هم در زمانی که ارتش سوریه در میدان جنگ پیروزی های مستمری به دست آورده و نیروهای مخالف و معارض بشاراسد دچار شکست های پی در پی شده بودند. هدف اصلی عاملان و حامیان حمله ناجوانمردانه شیمیایی در شرق دمشق، اعمال فشار تازه بر رژیم دمشق و دمیدن شوک در صفوف معارضان و بالاخره بین المللی کردن بحران سوریه از طریق صدور مصوبه ای شدید اللحن علیه نظام دمشق و بالاخره دخالت

نظامی علیه این کشور بوده است؛ هر چند بنا بر دلایلی که ذکر خواهد شد، تیر آنان به سنگ خورد.

چرایی رویکرد جنگ طلبانه

ایالات متحده با ادعای ابرقدرتی جهان، این حق ناعادلانه را برای خود قائل است که در اقصی نقاط جهان دست به مداخله بزند و اهداف و منافع هژمونیک خود را حتی در سایه تمسک به قدرت نظامی تحقق بخشد. «استیون والت» از کارشناسان برجسته سیاست خارجی آمریکا در تشریح رویکرد جنگ طلبانه آمریکا گفته است: «زمانی که شما صدها هواپیما، بمب‌های هوشمند و موشک‌های کروزر در اختیار دارید، تمام جهان مانند یک مجموعه هدف به نظر می‌رسد. بنابراین زمانی که برخی از مشکلات موجب ناراحتی شما در جایی از جهان شد، سخت است که در برابر وسوسه «کاری انجام بده» مقاومت کنید!...»

اگر این عبارات را به عنوان ایدئولوژی حاکم بر تفکر نظامی آمریکا قلمداد کنیم، متوجه خواهیم شد ساده ترین دلیل برای دخالت در سراسر جهان و کشتار مردم این است که به همه چیز به عنوان یک هدف نگاه می‌کنند. در بسیاری از جلسات کنگره آمریکا اعضا برای متقاعد کردن یک دیگر از این لفظ استفاده می‌کنند که آمریکا ابر قدرت است و در هر موردی بالاخره باید کاری انجام دهد، این واقعیت تلخ تداعی گر همان مفهوم استکبار و استعمار است.

جنگ افروزی جرج بوش پسر در افغانستان در سال ۲۰۰۱ و عراق در سال ۲۰۰۳ نمونه ای از این خوی استکباری بود که با تمسک به شعارهای فریبنده ای چون «مبارزه با تروریسم» و «ترویج دموکراسی» شعله ور شد، اما پیامدهای سنگینی را برای منطقه و خود آمریکا به دنبال داشت. سوریه نیز از جمله کشورهایی بود که آمریکا از دیرباز منافع خود را در آن جست جو می

کرد، لذا از ابتدای بحران، فروپاشی نظام دمشق به عنوان حلقه ای مهم در محور مقاومت، مد نظر مقامات کاخ سفید قرار گرفت. اهداف و منافع آمریکا از حمله نظامی به سوریه را می توان در عناوین ذیل بررسی کرد:

(۱) جابجایی قدرت در سوریه: غالباً آمریکا در جنگ هایی که علیه کشورها و حکومت های مختلف انجام داده، تلاش کرده است رژیمی را بر سر کار آورد که با سیاست های خود هماهنگ باشد و اهداف آمریکا را تامین کند. سوریه از دیرباز در جبهه مقاومت ضدصهیونیستی قرار داشت و از طرفی با کانون مقاومت یعنی جمهوری اسلامی هم پیمان بود و در نتیجه منافع رژیم صهیونیستی و آمریکا رادر منطقه با خطر مواجه می کرد، لذا از زمانی که جرج بوش پسر به دنبال حوادث یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ اعلام کرد سوریه در محور شرارت قرار دارد، فشارهای مختلفی علیه این کشور آغاز شد. با شروع بحران سوریه در مارس ۲۰۱۱ این فشارها افزایش یافته و تا حد حمله نظامی پیش رفت.

اما سؤال اینجاست که آیا با برکناری بشار اسد، رئیس جمهور سوریه و فروپاشی رژیم این کشور و روی کار آمدن دولتی توسط معارضین، در راستای منافع آمریکا خواهد بود یا نه؟ با توجه به تشنت در صفوف معارضان سوریه و حضور جریانات رادیکال و گروه های سلفی، تکفیری، القاعده و ... در سوریه، واشنگتن نسبت به جایگزین رژیم اسد دچار تردید شده است، لذا اوباما اعلام کرد هدف از حمله نظامی در این مقطع براندازی نظام سوریه نیست و تنها قصد دارد موازنه را به عرصه نبرد بازگردانده و نظام را تحت فشار بیشتری قرار دهد. به نظر می رسد ترجیح آمریکا در شرایط فعلی آن است که جنگ خانمانسوز و فرسایشی در سوریه استمرار یافته و جبهه مقاومت در درازمدت دچار ضعف و فروپاشی شود. با این حال گزینه کنار گذاردن بشار اسد از آریکه قدرت، هنوز از دستور کار کاخ سفید خارج نشده و احتمالاً از راه های

سیاسی دنبال خواهد شد.

۲) تحقق آرمان های دموکراسی غربی: یکی از سیاست های اعلامی آمریکا در جنگ های چند ساله اخیر، دفاع از حقوق بشر و تقویت جایگاه دموکراسی در کشورهای مورد هدف بوده است. در همین راستا آمریکا طرح های متعددی همچون «خاورمیانه بزرگ»، «خاورمیانه جدید» و... را ارائه کرده و با وعده هایی چون صلح و رفاه اقتصادی تلاش کرده است افکار عمومی مردم منطقه را نسبت به این طرح ها جلب کند. شالوده اصلی این طرح ها همسو سازی منطقه با سیاست های کلان غرب در لفافه ای از دموکراسی و توسعه اقتصادی است، اما در واقع هدف اصلی غرب چیزی جز ایجاد خاورمیانه ای سازشکار و وابسته به غرب و با محوریت رژیم صهیونیستی نمی باشد.

اما ایجاد دموکراسی با استفاده از ابزارهای نظامی و جنگ سخت، تناقضی است که افکار عمومی جهانیان را نسبت به اهداف حقیقی آمریکا دچار تردید کرده است. اکنون افکار عمومی جهانیان نمی پذیرد که در کشوری بتوان با تکیه بر ابزار جنگ، دموکراسی برقرار کرد، بلکه ایجاد دموکراسی از طریق جنگ، تبدیل به بهانه ای برای توجیه اقدامات نظامی و اهداف توسعه طلبانه شده است. هم پیمانی و حمایت درازمدت واشنگتن از برخی رژیم های دیکتاتوری در منطقه نیز تناقض دیگری است که شعارهای دموکراسی و حقوق بشر آمریکا را زیر سوال می برد.

۳) تضعیف جبهه مقاومت: یکی از اهداف آمریکا در حمله به سوریه تضعیف جبهه مقاومت است که سوریه پایگاه و عقبه مهمی در این جبهه محسوب می شود. سوریه به دلیل هم مرز بودن با لبنان و سرزمین های اشغالی و نیز حمایت از حزب الله در مقابل رژیم صهیونیستی، نقش اساسی در جبهه مقاومت دارد. اتحاد سوریه با جمهوری اسلامی به عنوان پرچمدار مقاومت نیز نگرانی آمریکا را برانگیخته و در واقع می توان گفت هدف اصلی

آمریکا از فشار بر سوریه، تضعیف ایران و قطع سرپل های ارتباطی با گروه های مقاومت در لبنان و فلسطین است. آمریکا تلاش دارد با حمله به سوریه این جبهه را تضعیف کند، اما به نظر می رسد با حمله آمریکا به سوریه، ضمن انسجام بیشتر جبهه مقاومت، تهدیدات علیه اسرائیل نیز بیشتر می شود. تجاربی چون جنگ ۳۳ روزه که به تعبیر وزیر خارجه وقت آمریکا نقطه عطفی برای ظهور خاورمیانه جدید بود، نشان داد برافروختن جنگ علیه جبهه مقاومت، نه تنها قرین پیروزی نیست، بلکه محکوم به شکست خواهد بود.

۴) تقویت جایگاه رژیم صهیونیستی: یکی دیگر از اهداف آمریکا از حمله به سوریه تقویت جایگاه رژیم صهیونیستی در منطقه خاورمیانه است. آمریکا امید دارد که با حمله به سوریه و ایجاد ترس در جبهه مقاومت، به تقویت جایگاه رژیم صهیونیستی در منطقه کمک کند. اما براساس ارزیابی و تحلیل صاحب نظران و کارشناسان روابط بین الملل، وضعیت پیش آمده در منطقه مانند بشکه باروتی است که هر لحظه امکان انفجارش است و در صورت انفجار، اولین نقطه ای که گرفتار پیامدهای جنگ می شود، رژیم صهیونیستی است. گزارش ها از رژیم صهیونیستی حاکی از آن است که با آن که جنگی آغاز نشده، رعب و وحشت عجیبی سراسر رژیم صهیونیستی را فرا گرفته است، به نحوی که اکثر مردم اسرائیل به دنبال تهیه ارزاق و پناهگاه هستند تا در روزهای جنگ احتمالی بتوانند جان خود را حفظ کنند. به نظر می رسد حمله آمریکا به سوریه نه تنها به تقویت جایگاه رژیم صهیونیستی در منطقه نمی انجامد، بلکه موجب تزلزل بیشتر این رژیم خواهد شد.

دلایل عقب نشینی اوباما

پس از حدود یک هفته جنجال در باره موضوع سلاح شیمیایی، پیچیدگی

ها و دشواری های بحران سوریه، سرانجام به عقب نشینی مقطعی آمریکا از تصمیم شتابزده حمله محدود نظامی به این کشور انجامید. باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا اعلام کرد که آماده است که دستور حمله به سوریه را صادر کند، اما ترجیح می دهد که چنین دستوری را با موافقت کنگره آمریکا صادر کند. کنگره هم اعلام کرده است بررسی این موضوع را به هفته آینده موکول کرده است. کاملاً معلوم است که این موضعگیری که حتی از سوی متحدان آمریکا سنجیده قلمداد شده است، نوعی عقب نشینی آشکار از تهدیداتی است که مدت ها در بوق و کرنا کرده بودند. دلایل این عقب نشینی را می توان در امور ذیل جست و جو کرد:

(۱) مخالفت افکار عمومی: اوباما در شعارهای انتخاباتی که در هر دو دوره انتخابات ریاست جمهوری طرح کرده و افکار عمومی و آرای مردم آمریکا را به سوی خود سوق داده بود، شعار تغییر و انتقاد از سیاست های جنگ طلبانه بوش پسر بوده است. در واقع مردم آمریکا از درگیر شدن در جنگ طولانی مدت با هزینه های زیاد، خسته شده بودند و لذا به سیاست های ضد جنگ اوباما روی خوش نشان دادند. اکنون که اوباما تلاش دارد آمریکا را وارد جنگ تازه ای کند، به طور طبیعی مردم آمریکا با او همراهی نمی کنند. اعتراضات و راهپیمایی های خودجوش مردمی ضد جنگ در آمریکا نشان می دهد که مردم از جنگ خسته شده و دلیلی برای حضور نظامی آمریکا در سوریه نمی بینند. شبکه های اجتماعی آمریکا مملو از تصاویر خلاقانه کاربران آمریکایی است که رئیس جمهور خود را فردی جنگ طلب که توانایی مهرورزی به مردم و فهم احساسات انسانی ندارد، معرفی می کنند.

بسیاری از نخبگان آمریکایی نیز به مخالفت با جنگ برخاستند. برای نمونه برژینسکی مشاور سابق امنیت ملی آمریکا، حمله احتمالی کشورش به سوریه را اشتباه دانسته و صراحتاً اعلام کرد کاخ سفید فاقد راهبرد مشخص

در منطقه است.

۲) شکاف در صف جبهه ضدسوری: دولت اوباما تلاش زیادی کرد تا متحدان خود را برای حمله نظامی به سوریه با خود همراه سازد، اما در این امر ناکام ماند. افزون بر عدم اجماع در میان اعضای شورای امنیت، بسیاری از دولت های عضو سازمان ملل با هرگونه اقدام نظامی از سوی دولت اوباما مخالفت کردند. دبیرکل ناتو نیز اعلام کرد که ناتو در حمله احتمالی به سوریه شرکت نخواهد کرد. در این راستا رای مجلس عوام بریتانیا مبنی بر مخالفت با جنگ، ضربه بزرگی به دولت کامرون و نیز دولت اوباما وارد کرد. آلمان نیز مخالفت خود را با جنگ اعلام داشته و فرانسه هم به عنوان متحد دیرینه آمریکا دچار تردید شد. بنا بر این می توان گفت شکاف در صف جبهه مخالفان سوریه و تنها ماندن آمریکا در معرکه نبرد، در این عقب نشینی تاثیر زیادی داشته است. در مجموع آمریکا به رغم تلاش زیاد نتوانست اجماع جهانی علیه سوریه ایجاد کند و این یک شکست دیپلماتیک در سیاست های منطقه ای آمریکا بود.

۳) هزینه بالای جنگ: در تمام فعالیت هایی که در حوزه سیاسی خارجی صورت می گیرد معمولاً اگر دستاوردها و منافع بر هزینه ها و پیامدهای منفی غلبه داشته باشد اقدام در جهت تامین منافع ملی توجیه پذیر می باشد. اما اگر این روند بر عکس باشد، یعنی هزینه ها و پیامدهای منفی بر دستاوردها و منافع غلبه پیدا کنند اقدام توجیهی ندارد و از دستور کار سیاست خارجی خارج می شود.

این مقوله در روابط بین الملل با عنوان «نظریه بازی ها» شناخته می شود؛ بدین معنا که اگر در سیاست خارجی هر کشوری نتیجه بازی به صورت برد - باخت و یا برد - برد باشد، اقدام به حضور کشور در بازی توجیه پذیر است و اگر اقدام به حضور کشور در بازی به نتیجه ی باخت - برد یا باخت - باخت

باشد، قطعاً اتخاذ سیاست خارجی با این نتیجه به ضرر کشور است.

جنگ با سوریه نیز از این قاعده مستثنی نبوده و برآورد کاخ سفید حاکی از آن بود که هزینه های نظامی و غیرنظامی سنگینی را بر آمریکا تحمیل می نماید. به نظر کارشناسان استراتژیک اگر آمریکا بخواهد به سوریه حمله کند اولاً نمی تواند با جنگ محدود به اهداف نهایی خود دست پیدا کند. ثانیاً اگر وارد جنگ نامحدود شود هزینه بسیار بالایی را برای مردم آمریکا به دنبال خواهد داشت. این در حالی است که آمریکا با رکود اقتصادی مواجه بوه و هزینه بالای جنگ افغانستان و عراق هنوز از خاطره مردم آمریکا زده نشده است.

۴) اقتدار جبهه متحدان سوریه: متحدان سوریه شامل ایران، روسیه و چین در معادلات منطقه ای خاورمیانه اهداف راهبردی ویژه ای دارند و در نتیجه به حمایت قاطع از نظام سوریه برخاسته اند. روسیه و چین بر خلاف پرونده های مشابه (افغانستان، عراق و لیبی) از موضوع سوریه کوتاه نیامده و طی دو سال گذشته همه پیش نویس های ضدسوری در شورای امنیت را وتو کرده اند. سوریه از دوران اتحاد جماهیر شوروی تاکنون متحد نظامی نزدیک روسیه در قلب دنیای عرب بوده است و با این کشور روابط نزدیک سیاسی و تجاری (و به ویژه تسلیحاتی) داشته است. مناسبات سوریه با چین نیز در سطح سیاسی و تجاری حسنه است. به عبارتی این دو ابر قدرت شرقی، به خاورمیانه به عنوان کانون رقابت و هموردخواهی با رقبای غربی خود می نگرند و چون سوریه به عنوان آخرین پایگاه قرار است از حوزه نفوذ آنان سلب شود، به هر طریقی در صدد حفظ آن هستند.

ایران نیز به عنوان کانون مقاومت که در معادلات منطقه ای خاورمیانه جایگاه ویژه ای دارد، سوریه را عمق استراتژیک و اولین جبهه ضداسرائیلی قلمداد می کند و در نتیجه وارد حمایت همه جانبه از نظام سوریه شده است.

قطعا آمریکا با توجه به معادله قدرت در عرصه منطقه دریافته است که جنگ افروزی در سوریه با واکنش متحدان سوریه مواجه شده و هزینه های جنگ افزایش خواهد یافت.

۵) نگرانی از امنیت رژیم صهیونیستی: بی تردید همسایگی رژیم صهیونیستی با سوریه، نگرانی های امنیتی آمریکا را در هر گونه جنگ افروزی دوچندان کرده است. رییس جمهور آمریکا برای همراه کردن متحدان به آنها خاطرنشان کرده که اقدام نظامی طولانی مدت در دستور کار آمریکا قرار ندارد، بلکه یک حمله نظامی کوتاه مدت در راس اقدامات نظامی آمریکا خواهد بود. با این حال حملات محدود نیز به احتمال زیاد با واکنش سوریه و یا حتی متحدانش مواجه شده و در چنین شرایطی امنیت اسرائیل به مخاطره خواهد افتاد.

اوباما و وزیر امور خارجه اش جان کری به دنبال آنند تا صلح خاورمیانه را به فرجام برسانند، اما ایران و سوریه را موانع اصلی تحقق این روند می دانند. آنان به این نتیجه رسیدند که برای دست یابی به صلح در خاورمیانه و پایان منازعه اعراب و اسرائیل و دست یابی به یک تفاهم میان اعراب و اسرائیل یا باید کشورها و یا گروههایی که مانع این روند هستند را از صحنه سیاسی حذف کنند و یا با برخورد نظامی آنان را وادار به عقب نشینی نمایند. حمله به سوریه نیز در راستای تحقق این هدف امریکایی-اسرائیلی در منطقه می باشد. اما به نظر می رسد آمریکا در محاسبات خود بازنگری کرده و به این نتیجه رسیده است که با برافروختن جنگی تازه علیه سوریه، روند سازش دچار تزلزل جدی شده و آن که بیش از همه آسیب می بیند رژیم صهیونیستی است.

۶) پیشنهاد دیپلماتیک روسیه: پیشنهاد روسیه مبنی بر نظارت بین المللی بر تسلیحات شیمیایی سوریه و استقبال همه جانبه از این پیشنهاد نیز

یکی از دلایل مهمی بود که شبخ جنگ را از سر سوریه دور کرد. طرح مسکو با واکنش مثبت و غافلگیر کننده دمشق مواجه شد و در نتیجه بهانه جنگ را از آمریکا ربود.

گفته می شود این طرح اساسا با ابتکار ایران و سوریه ساخته و پرداخته شده و روسیه آن را به آمریکا ارائه کرده است. در مرحله اول این طرح، اقدامی در جهت خلع سلاح های شیمیایی در سوریه انجام نخواهد شد و تنها نیروی دریایی روسیه که تجهیزات دریایی و کشتی هایی را به دریای مدیترانه فرستاده است؛ نقش اساسی در تعیین انبارهای شیمیایی در سوریه خواهد داشت. در این مرحله روسیه مجری و ساماندهی کننده این طرح خواهد بود و سلاح های شیمیایی سوریه تحت نظارت مستقیم کارشناسان مسکو خواهد بود و روسیه آن را تضمین خواهد کرد.

هدف روسیه آن است که سوریه سرنوشت مشابه عراق را پیدا نکند. البته غرب تلاش زیادی دارد تا از طریق مصوبه ای در سوریه امنیت با تکرار تجربه عراق، از طریق نظارت تسلیحاتی فشار زیادی علیه دمشق وارد ساخته تا نهایتا این فشارها منجر به فروپاشی نظام سوریه گردد. اما با توجه به وتوی احتمالی روسیه و چین و نیز دشواری و زمانبر بودن روند اجرایی بازرسان تسلیحات شیمیایی، می توان گفت سوریه از این طرح آسیب جدی نخواهد دید.

جمع بندی

بحران سوریه که با دستاویز سلاح شیمیایی و تهدید جنگ افروزی خارجی، وارد مرحله حساسی شده بود، اینک با عقب نشینی آشکار آمریکا، شاهد آرامش نسبی شده است. اوباما که با تمسک به «خط قرمز شیمیایی» خود را برای جنگی هر چند محدود علیه سوریه آماده ساخته بود، به دنبال

شکاف در صفوف متحدان خود (به ویژه جمله مخالفت مجلس عوام انگلیس با حمله نظامی علیه سوریه، مخالفت دبیرکل ناتو با شرکت در حمله نظامی به اضافه مخالفت های روسیه، چین، آلمان و...) و نیز تظاهرات گسترده ضد جنگ و بالاخره هزینه های بالا و در خطر افتادن منافع متحدان آمریکا (خصوصاً رژیم صهیونیستی) در صورت حمله نظامی به سوریه، ناچار شد از این حمله عقب نشینی کند.

این عقب‌نشینی سرانجام با پذیرش طرح روسیه مبنی بر نظارت بین‌المللی بر تسلیحات شیمیایی سوریه همراه شد، طرحی که هر چند می‌تواند سوریه را با فشارهای جهانی در بعد تسلیحاتی و حتی سیاسی مواجه سازد، اما نتیجه مثبت آن توقف جنگ افروزی و ناکامی دیگری در کارنامه آمریکا و متحدانش در جبهه ضدسوری بود که بر گزینه منفور جنگ پافشاری می‌کردند. در مقابل، جبهه مقاومت گامی دیگر به پیش نهاده و موقعیت خود را در برابر سیل هجمات دشمنان تثبیت نمود.

راه‌های برون رفت از تحریم‌ها

مقدمه

درباره هدف اصلی غرب از اعمال این تحریم‌ها علیه کشور ما دو نظر وجود دارد. یک نظر این است که هدف آن‌ها جلوگیری از دستیابی ما به انرژی هسته‌ای است و می‌خواهند از هر طریقی برای رسیدن به هدفشان اقدام کنند. نظر دیگر این است که هدف اصلی آن‌ها نه انرژی هسته‌ای، بلکه مقابله با قدرت ایران (قدرت‌یابی، قدرت‌سازی، قدرت الگویی و قدرت فناوری) یا همان مقابله با اصل پیشرفت علمی ایران است. معتقدان به این نظر، سطح دیگر این مسأله را این می‌دانند که آن‌ها با پیشرفت صرف علمی مخالف نیستند، بلکه با پیشرفت علمی ما که در داخل ترکیب فرهنگی و سیاسی کشور ما قرار می‌گیرد، مخالفند. آن‌ها از این ترکیب هراس دارند. بر این اساس، آن‌ها به شدت با یک مجموعه‌ی پیشرفته و برخوردار از نگاه متعالی به انسان که ادعای تمدن‌سازی دارد، مقابله می‌کنند. سطح تحریم‌ها هم ما را به این نتیجه می‌رساند که مسأله‌ی هسته‌ای تنها یک بهانه است.



فرایند تحریم‌های آمریکا علیه ایران

نخستین تحریم آمریکا علیه ایران پس از واقعه گروگانگیری دیپلمات‌های آمریکایی در تهران در سال ۱۹۷۹ انجام گرفت. به دنبال جریان گروگانگیری در سفارت آمریکا، آمریکا متقابلاً ۱۲ میلیارد دلار از دارایی‌های دولت ایران را مصادره کرد. پس از آزادی گروگان‌ها توسط دولت ایران، این مصادره پایان نیافت و دارایی‌های ایران تا به امروز ضبط است. در جریان جنگ ایران و عراق، آمریکا تحریمات فروش اسلحه علیه ایران وضع نمود. پیش از آغاز جنگ، دولت موقت ایران قرارداد خرید هواپیماهای اف-۱۶ از آمریکا را یک جانبه لغو کرده بود. در سال ۱۹۸۷ به دنبال اتهام «حمایت از تروریسم» آمریکا علیه ایران، رونالد ریگان تحریمات کامل تری علیه ایران وضع نمود. در سال ۱۹۹۵ میلادی، واشنگتن نخست بدستور بیل کلینتون تحریمات کامل اقتصادی علیه ایران وضع نمود، و سپس کنگره مجلس آمریکا با گذراندن قانون ایلسا (Iran and Libya Sanctions Act of ۱۹۹۶) هر شرکتی را که با ایران به میزان بیش از ۲۰ میلیون دلار تجارت داشت را نیز تهدید به اعمال تحریم کرد. در سال ۲۰۰۲، سازمان IEEE تحریم علمی علیه ایران وضع نمود. در سال ۲۰۰۶ یک دادگاه فدرال آمریکا دستور استرداد یکی از بزرگ‌ترین کلکسیونهای باستانشناختی تخت جمشید متعلق به ایران را به نفع صدمه دیدگان ناشی از عملیات انتحاری در اسرائیل را صادر نمود. بازداشت، زندانی کردن و اخراج حداقل ۱۰ فارغ التحصیل دانشگاه صنعتی شریف به آمریکا جهت شرکت در «گردهمایی فارغ التحصیلان دانشگاه شریف» در کالیفرنیا در سال ۲۰۰۶ میلادی. در سال ۲۰۰۷، شرکت‌های مایکروسافت و یاهو ایران را از لیست کشورهایی که خدمات وب دریافت می‌کنند، خارج نمودند. پس از اعلام «اتهام» آمریکا مبنی بر اینکه بانک ملت، بانک ملی، و بانک صادرات ایران حامی مالی نهادهای تروریستی هستند، بانک جهانی از دادن خدمات به این بانک‌های ایرانی خودداری کرد. اسامی نهادهایی که در، ۲۵ اکتبر ۲۰۰۷ از طرف وزارت خزانه دار ی آمریکا مورد تحریم قرار گرفتند به شرح زیر است.

۱- بانک صادرات ایران (همه شعب خارج از کشور این بانک به همراه شعبه مرکزی آن)

۲- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

۳- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران - نیروی قدس

۴- وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح ایران

۵- بانک ملی (همه شعب خارج از کشور این بانک به همراه شعبه مرکزی آن)

۶- بانک کارگشایی (تهران - خیابان مولوی - میدان محمدیه - پلاک ۵۸۷)

۸- بانک ملی ایران ZAO (مسکو - روسیه)

۹- بانک ملی - مسئولیت محدود (لندن - بریتانیا)

۱۰- بانک آریان (پروژه معاملاتی مشترک میان بانک‌های صادرات و ملی - کابل - افغانستان)

۱۱- بانک ملت (همه شعب خارج از کشور این بانک به همراه شعبه مرکزی آن)

۱۲- MELLAT BANK SB CJSC (ایروان - ارمنستان)

۱۳- بانک بین‌المللی پرشیا - مسئولیت محدود (بریتانیا)

نهادهای وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی:

- قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا - (تهران)
- منطقه نظامی پارچین - (تهران)
- شرکت «نفت شرق - کیش» (تهران و دبی)
- قرارگاه سازندگی کربلا (تهران)
- شرکت مهندسی سپاساد (تهران)
- قرب نوح (تهران)
- شرکت عمران ساحل (تهران)
- شرکت مهندسین مشاور ساحل (تهران)

- موسسه حرا (تهران)
- قرارگاه سازندگی قائم (تهران)
- شخصیت‌های وابسته به سازمان صنایع هوافضا(زیر مجموعه وزارت دفاع)
- شخصیت‌های وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

۶ تیر ۱۳۸۷ - ۴ گروه صنعتی دیگر در ایران مشمول تحریم‌های آمریکا شدند: مجموعه صنایع شهید ستاری، هفت تیر، گروه صنایع مهمات و متالورژی و صنایع شیمی پارچین.

حتی برخی از ایالت‌های آمریکا هم جداگانه تحریم‌هایی را علیه ایران وضع کردند.

اما در فرایند دو سال اخیر تحت عنوان تحریم‌های هوشمند تمامی بانک‌ها از جمله بانک مرکزی، فروش نفت، کشتیرانی، بیمه‌ها، فلزات گرانبها حتی قیر و... علیه ایران تحریم کردند. در مورد لغو تحریم‌ها باید گفت در طول سالیان گذشته در زمان اصلاحات تنها برخی از تحریم‌های بی اثر لغو شده است. لغو برخی از سموم کشاورزی، بذر، کامپیوتر و تلفن همراه (آنهم در راستای اهداف خاص سیاسی و امنیتی) از جمله آنهاست. در این اواخر دولت آمریکا برخی از تحریم‌های ایران را کاهش داد تا فعالیت گروه‌های بشردوستانه این کشور در ایران و همچنین تبادلات ورزشی میان دو کشور را به خودش آسان‌تر سازد. بر اساس این تصمیم که از سوی وزارت خزانه‌داری آمریکا اعلام شده، گروه‌های غیرانتفاعی فعال در حوزه امداد رسانی، حمایت از حیوانات، حقوق بشر و برنامه‌های ورزشی، نیازی ندارند که برای فعالیت در ایران مجوز خاصی را از دولت آمریکا دریافت کنند. دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) که ناظر بر تحریم‌های ایران است در بیانیه‌ای اعلام کرد که روند کارهای اداری برای لغو تحریم‌ها را کاهش داده است تا ارائه خدمات بهداشتی، امداد رسانی، محافظت از حیات وحش و پروژه‌های حقوق بشری به ایران را تسریع بخشد. سازمان‌هایی که شامل این معافیت می‌شوند می‌توانند

سالانه تا ۵۰۰ هزار دلار پول به ایران انتقال دهند، اما باید جزئیات همه فعالیت‌هایشان را به وزارت فوق گزارش کنند. پس انتظار حذف تحریم به این زودی که بخش‌های اساسی اقتصاد کشور را در بر گیرد به دور از ذهن است. حال سوال اساسی مطرح این است برای عبور از این تحریم‌ها چه روش‌ها و طرقی وجود دارد که بتوانیم از آن بگذریم؟ در این بخش باید گفت یک سری از کارها به ساخت درونی قدرت ایران بر می‌گردد سری دوم به موانعی که آمریکایی‌ها با مواجه هستند و برخی حاصل پیگیری حقوقی است که به آنها اشاره می‌شود.

الف - تقویت روحیه استقلال‌طلبی؛ هر قدر مجاهدت بیشتری در پیشرفت اقتصادی خود از راه حلال انجام دهیم، سود آن، ابتدا به خودمان و خانواده و سپس اجتماع و ملت می‌رسد. طبعاً هر قدر در مسائل اقتصادی، بیشتر جلو برویم و اقتصاد کشور و تولید و صادرات خود را رشد دهیم، از بیگانگان، بیشتر مستقل می‌شویم. یکی از نتایج مجاهدت در امر اقتصاد، اگر با روش‌های صحیح انجام شود، استقلال مملکت است؛ موضوعی که آرزوی همه ملت است. بی تردید یکی از دلایل توصیه‌ی اسلام عزیز و روایات ائمه معصومین برای تلاش اقتصادی، لزوم برتری مسلمین بر سایر مردم دنیا از همه لحاظ است. اسلام نمی‌خواهد دست مسلمان و کشور اسلامی به سوی کفار دراز باشد و می‌خواهد مسلمان آن قدر تلاش برای آبادانی زندگانی خود و ملت اسلام کند که حتی از لحاظ مالی و ثروت هم بالاتر از اهل کتاب و مشرکان و کافران باشد. خود حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، با آن که زندگی ساده‌ای داشتند از لحاظ ثروت مالی یکی از برترین افراد دوران خویش به شمار می‌رفتند، هر چند مال و اموال، زمین‌های زراعی‌ای که خود آباد می‌فرمودند؛ چاه‌هایی که می‌کندند، نخل‌هایی که می‌کاشتند و... را برای خدمت به خلق به ویژه محرومان جامعه خویش هزینه می‌کردند. این ویژگی تلاش اقتصادی که در ائمه‌ی معصومین ما علیهم السلام صدق می‌کند، نشان می‌دهد برای اعتلای اسلام، باید حتی بزرگترین بندگان خدا چون اولیای الهی هم باید تلاش اقتصادی و جهاد

اقتصادی کنند. این حدیث هم که «هرکس از خانه ی خود برای کسب روزی حلال خارج شود و در راه بمیرد، به عنوان مجاهد فی سبیل الله، ثواب شهید را می برد» نشان دهنده ی اجر الهی برای کسانی است که برای پیشبرد و ترقی کشور تلاش می کنند. از سوی دیگر یکی از مواردی که به این موضوع، صورت الهی می دهد، تلاش مخلصانه افراد ثروتمند جامعه برای احداث کارخانه، ایجاد بنیادهای اقتصادی پرسود و ساخت کارگاههای مختلف است تا افراد بی بضاعت و بیکار و محتاج بتوانند با اشتغال در آنها، خود و خانواده شان را بهره مند از ثروت افراد صاحب مال و شریک ببینند. در این بخش باید گفت در دنیای امروز هر کشوری که نتواند از لحاظ اقتصادی نیرومند باشد و سطح زندگی شهروندان خود را به گونه ای متناسب با توانمندی ها و امکانات اقتصادی ارتقا بخشد، ممکن است نتواند جایگاه و منزلت واقعی خویش را بیابد.

ب- تقویت انگیزه اقتصادی ایران بعد از تحریم ها؛ تحریم ها تا حدودی سختی هایی را بوجود آورده باشد اما طرح این ادعا که اقتصاد ایران با خطر "فروپاشی" مواجه است کاملاً غیر واقعی و مغرضانه است. حتی می توان گفت که تحریم ها به نفع دولت و ملت ایران بوده چرا که ایران با اتخاذ راهبرد اقتصاد مقاومتی در اثر این شرایط "اصلاحات اقتصادی" را آغاز نمود. ایران در طول این مدت با اینکه منابع ارزی آن آسیب دید ولی موفق شد صادرات غیر نفتی خود را افزایش دهد و وابستگی اش به درآمدهای نفتی و واردات کالا را کاهش یابد. در همین زمینه "فلینت لورت" از کارشناسان خاورمیانه در مقاله ای با انتقاد از خط مشی نابخردانه دولت اوباما در وضع تحریم های ضد ایرانی علیه کشورمان می نویسد "دولت اوباما مدعی است که تحریم های وضع شده ضد ایرانی، جمهوری اسلامی ایران را وادار می کند تا روند برنامه هسته ای اش را تغییر دهد و به زعم خود از توسل آمریکا و رژیم صهیونیستی به اقدام نظامی اجتناب ورزد. در این مسیر نیز از واژه هایی چون "اعتماد سازی"، "بازگشت ایران پای میز مذاکره" و همکاری با "جامعه بین الملل" و گروه "مذاکره کننده ۱+۵" استفاده می کنند. اما همین تحریم ها سبب شده صادرات غیر نفتی ایران در اثر تحریم ها

رقابتی تر شده و رشد چشمگیری داشته است بطوریکه می‌توان گفت امروز ایران قادر است ۵۰ تا ۶۰ درصد از صادرات خود را با اقلام و کالاهای غیر نفتی پوشش دهد. سخنان دکتر روستا ریاست دانشگاه شریف در این بخش خواندنی است ایشان بیان می‌کنند «آنها وقتی ببینند که شما توانمند هستید، ناچار می‌شوند که کوتاه بیایند. ما در زمان جنگ به آمپول آتروپین احتیاج داشتیم. سوئد در آن بحبوحه‌ی نیاز مالی ما، این آمپول را به قیمت ۱۲ دلار به ما می‌فروخت. هر قدر که از آنها خواستیم قیمت را پایین بیاورند، قبول نکردند. ما هم دست به کار شدیم تا خودمان آتروپین را تولید کنیم. به همین خاطر قیمت مدام افت کرد. روزی که ما خودمان این آمپول را تولید کردیم، آنها به ما پیشنهاد قیمت ۱۲ سنت را دادند. آنها چه زمانی کوتاه آمدند؟ وقتی که دیدند ما قدرت داریم»

با وضع تحریم در حوزه نفت و گاز، صنایع هوا و فضا و علوم بنیادین و استراتژیک توانسته ایم به موفقیت‌های خیره کننده دست یابیم.

ج- پیروزی گفتمان مقاومت؛ لغو برخی از تحریم‌ها، دعوت به مذاکره و دنبال راه حل دیپلماتیک گشتن بیانگر این واقعیت است که این بار هم کشور آمریکا در مقابل ایستادگی مردم ایران عقب‌نشینی کرده و غربی‌ها از ایستادگی مردم ایران در برابر تشدید تحریم‌ها نتیجه معکوس گرفته‌اند و این بیانگر پیروزی گفتمان مقاومت ملت ایران در برابر غرب است. در صورتی که دشمن تمام توان خود را برای اعمال تحریم‌ها در زمینه‌های مختلف به کار گرفته بود اما در عرصه مبارزه، عزم و اراده ملت ایران در برابر این تحریم‌ها شکست خورد. آنهایی که با وضع تحریم‌ها به دنبال نافرمانی مدنی در ایران بودند با دیدن حضور و مشارکت و همراهی مردم با نظام تحت هر شرایطی پا پس کشیدند.

د- تولید قدرت ایران به خاطر نیاز فزاینده جهان به انرژی به ویژه گاز؛ ایران با برخورداری از ۱۳۰ میلیارد بشکه مجموع ذخایر نفت خام و میعانات گازی و بیش از ۲۶ تریلیون متر مکعب گاز در رتبه دوم جهانی قرار دارد. پیش‌بینی‌های چشم‌انداز آینده اقتصاد جهان در ۲۰ سال آینده، حاکی از رشد

فزاینده تقاضای انرژی است. به طوری که تقاضای نفت در ۲۰ سال آینده، بیش از دو برابر ۲۰ سال گذشته خواهد بود. در عین حال، آلاینده‌گی زیاد نفت، کم شدن ذخایر نفتی جهان و قیمت بالای نفت باعث شده که جایگزینی گاز طبیعی با نفت به دلیل ارزان بودن و آلاینده‌گی کمتر، مورد استقبال کشورهای صنعتی قرار گیرد. از این‌رو، تقاضای جهانی برای گاز رو به افزایش است. این نیاز اجتناب ناپذیر، فرصت مهمی را در اختیار ایران می‌گذارد تا به ساخت درونی قدرت خویش، بیشتر بپردازد. در این میان صاحب قدرت و نیازمندان به انرژی به این نکته طلایی واقفند و به نوعی منافع بلند مدت خودشان را با انرژی ایران پیوند بزنند.

ه- پی‌گیری‌های حقوقی؛ به گزارش بانکداری ایران (بانکیا) در مورخه

۱۳۹۲/۶/۱۵ دادگاه عمومی اتحادیه اروپا طی حکمی اعلام کرد اتحادیه اروپا باید تحریم‌های وضع شده علیه ۷ شرکت ایرانی را لغو کند. شرکت‌هایی که بر اساس حکم جدید دادگاه اتحادیه اروپا تحریم آن‌ها باید لغو شود عبارتند از: پست بانک، شرکت بیمه ایران، شرکت کشتیرانی گود لاک، بانک توسعه صادرات ایران، بانک بین‌المللی پرشیا، شرکت مهندسی و ساخت تاسیسات دریایی و بانک رفاه کارگران. بانک بین‌المللی پرشیا در لندن پایتخت انگلیس مستقر است. ۶۰ درصد سهام این بانک به بانک ملت ایران و بقیه به بانک تجارت ایران تعلق دارد. شرکت کشتیرانی گود لاک نیز که مقر آن در دبی قرار دارد گفته می‌شود از شرکت‌های وابسته به شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران است. دادگاه عمومی اروپا که دومین مرجع قضایی عالی رتبه در اروپاست تصریح کرد اتحادیه اروپا نتوانسته است شواهد کافی در مورد مشارکت این شرکت‌ها در فعالیت‌های هسته‌ای ایران ارائه دهد. اتحادیه اروپا این شرکت‌ها را به اتهام مشارکت در فعالیت‌های هسته‌ای ایران تحریم و اموال آن‌ها را بلوکه کرد اما طرف ایرانی با گرفتن وکیل و ارائه اسناد توانست حقانیت خود را ثابت کند پس در این وضعیت یکی از شیوه‌های عبور از تحریم‌ها استنادات حقوقی و اسناد محکمه پسند است که بسیاری از شرکت‌های ما در این فرایند چند ساله این روش را ادامه داده و

موفق هم شده‌اند. بسیاری از کارشناسان لغو تحریم علیه هشت بانک و شرکت ایرانی به مثابه پیروزی ایران و مقدمه‌ای برای لغو فشارهای آمریکا تحلیل نموده‌اند. در اصل حکم هم نگاه کنیم آمده است. دادگاه عمومی اروپا در لوکزامبورگ تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه ۷ بانک و شرکت ایرانی را لغو کرد و اعلام نمود که مستندات کافی برای توجیه این تحریم‌ها وجود ندارد. این دادگاه اروپایی در حکم خود اعلام کرد که اتحادیه اروپا در تحریم و توقیف حساب‌های پست بانک ایران، شرکت بیمه ایران، شرکت کشتیرانی گود لاک، بانک توسعه صادرات ایران، بانک بین‌المللی پرشیا، شرکت مهندسی و ساخت تأسیسات دریایی و بانک رفاه کارگران ایران اشتباه کرده است. اما سخنگوی وزارت خزانه داری آمریکا با بی‌اعتنایی به این حکم با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد: «ما از تصمیم امروز این دادگاه اروپایی بسیار ناامید شدیم.» بلافاصله وزارت خزانه داری آمریکا پس از آن اعلام کرد که ۶ شخص حقیقی و ۴ شرکت تجاری ایرانی را به دلیل ارتباط با فروش نفت ایران، در فهرست تحریم‌ها قرار داده است.

و- عدم نقض قوانین تجارت جهانی توسط ایران؛ دادگاه اروپا در بسیاری موارد خارج از فشارهای سیاسی آمریکا و در چارچوب منافع اقتصادی و تجاری اروپا عمل می‌کند و از آنجا که ایران قوانین بین‌المللی و هیچ یک از قوانین تجارت جهانی را نقض نکرده است، دادگاه اروپا با مراجعه به دلایل و مدارک روشن تصمیم نهایی خود را در خصوص لغو بخشی از تحریم‌های ایران اتخاذ کرد.

ز- بهره‌گیری از تضاد در تصمیم‌گیرهای مسئولین آمریکایی؛ با بررسی فرایند تصمیم‌گیری آمریکایی‌ها در رابطه با تشدید تحریم‌ها علیه ایران به نظر می‌رسد اقدامات بسیار متفاوتی در عرض چند ماه گذشته ظهور و بروز پیدا کرده است. در واقع این تفاوت‌ها در سه سطح تصمیم‌گیری با فراز و نشیب معنی‌دار نمود پیدا کرده است. گزارش پیش ۳۵ نفر جمعی از دیپلمات‌ها، نظامیان و دیگر مقامات سابق از هر دو حزب آمریکا همچون «ریچارد لوگان» سناتور سابق، «مایکل هیدن» مدیر سابق سیا، «رایان کراکر» سفیر سابق در

عراق و افغانستان، و همچنین «زیبگینو برژینسکی» مشاور امنیت ملی اسبق کاخ سفید از جمله این افرادی هستند که این گزارش را امضا کرده‌اند. در این گزارش از دولت این کشور خواسته‌اند تلاش‌ها برای برقراری مذاکرات مستقیم با تهران را افزایش دهد و از این طریق بحران کنونی را حل کند چون تحریم‌های آمریکا علیه ایران، موفق به تغییر رفتار تهران نشده است. علاوه بر آن پیشنهادی جمعی از سنا به کنگره آمریکا برای تشدید تحریم‌ها علیه ایران شاهد هستیم. در کنار همه اینها تصمیم مقامات آمریکایی در لغو برخی از تحریم‌ها را در عمل می‌بینیم. برخی موارد از این تضادها می‌توان استفاده کرد هم کاهش تحریم‌ها و هم جلوگیری از وضع تحریم‌های جدید.

ح - عدم همراهی کشورها با آمریکا؛ فشار غرب به ویژه آمریکا برای اعمال تحریم‌های بیشتر علیه ایران در حالی ادامه دارد که بسیاری از کشورها به دلایل مختلف حاضر به همراهی با آمریکا نیستند. یکی از این کشورها هند می‌باشد. روزنامه هندی پرشمارگان ایشین ایج در گزارشی می‌نویسد: هند، به رغم فشار آمریکا برای کاهش واردات نفت از ایران، مشتاق ادامه واردات نفت و حفظ موقعیت خود به عنوان شریک آن کشور برای رفع نیاز خود به امنیت انرژی می‌باشد. اگر چه هند برای کاهش واردات نفت خود از ایران تحت فشار آمریکا قرار دارد ولی دهلی نو به هیچ وجه خواهان قطع رابطه خود با ایران در زمینه انرژی نیست. به غیر از هند کره جنوبی، چین، ژاپن، ترکیه و چند کشور دیگر قراردادهای واردات جدیدی را با شرکت ملی نفت ایران به امضا رسانده‌اند، این قرار دادها ۲ تا ۵ ساله منعقد شده‌اند و عدم تعیین پیش شرط و پرداخت به موقع منابع مالی حاصل از فروش نفت در این قراردادهای دیده شده است. کره جنوبی و ژاپن معتقدند که نمی‌توانند واردات نفت از ایران را با دیگر عرضه کنندگان نفت جایگزین کنند و به همین دلیل مؤدبانه به واشنگتن و نومحافظه کاران گفته‌اند در قضیه تحریم نفت ایران «کاری به کار ما نداشته باشید و به کار خودتان برسید.»

ط - پشتیبانی از جنبش مدنی ضد تحریم؛ در کنار فعالیت‌های سیاسی و

دیپلماسی راه اندازی جنبش مدنی ضد تحریم، اقدام بجایی بود که با محوریت استادان اقتصادی به راه افتاد. اگرچه دیپلماسی ایران در طول این سال ها برای عبور از تحریم ها و شکستن این سد، تلاش های درخور توجهی انجام داده است؛ اما در کنار فعالیت های سیاسی و دیپلماسی راه اندازی جنبش مدنی ضد تحریم، اقدام بجایی بود که با محوریت استادان اقتصادی به راه افتاده است که برای پیروزی آن باید همگی به شیوه های مختلف با این جنبش همکاری و همیاری داشته باشیم. در این طرح، ضمن توجه دادن جهانیان به موضوع تحریم ها علیه ایران، می خواهد صدای مردم را به گوش رهبران و جامعه جهانی از جمله شهروندان کشورهای غربی برساند. بعد از طرح این ایده، تعدادی از اقتصاددانان مشهور کشور به آن پیوستند و برخی از مطبوعات با برگزاری نشست های کارشناسی به جوانب این طرح پرداختند و به نوعی راهکارها را هم بیان داشتند. این جنبش می تواند پیام مردم ایران را به اشکال مختلف به گوش جهانیان برساند. ارسال نامه و تحلیل های واقع بینانه به مجامع بین المللی، سازمان های حقوق بشر، اتحادیه های کارگری، سازمان های غیردولتی (NGO ها) شخصیت های جهانی و سیاستمداران فعلی و پیشین، می تواند موج گسترده ای را علیه تحریم به راه اندازد. این جنبش با تبلیغات وسیع می تواند مدافعان تحریم را که به دنبال راه اندازی نافرمانی مدنی در ایران هستند، خلع سلاح کند. با ورود گسترده مردم و کارشناسان به صحنه، تحریم ها موضوعیت خود را از دست می دهند. چون مردم در این صورت، در جریان امور قرار می گیرند و به نوعی، بخشی از مدیریت به دست آنان می افتد. این جنبش با راه اندازی پایگاه اینترنتی و کمپین جمع آوری چند میلیون امضا، تهیه نامه، مصاحبه، نوشتن مقالات و فرستادن آن ها به سازمان ها و شخصیت ها می تواند خیلی سریع واکنش های مردم را به گوش جهانیان برساند. در پایان باید گفت این جنبش با وحدت و همدلی بدون حاشیه سازی و پرهیز از نگاه های جناحی و حزبی، جدای از دستگاه دیپلماسی دولتی به فعالیت های خود بپردازد. با فعالیت گسترده این جنبش و ایجاد موج وسیع از یک طرف و انتخاب هوشمندانه روش دیپلماسی از سوی

دیگر، دیپلماسی در گرفتن حق و حقوق به‌ویژه حقوق هسته‌ای تسهیل و آسان خواهد شد.

در پایان باید گفت آمریکا در طول سال‌های گذشته سعی کرده با توسل به تحریم‌های اقتصادی، فعالیتهای هسته‌ای ایران را متوقف کند، البته این تحریم‌ها تا کنون تاثیر چندانی نداشته است. شکست تحریم‌ها بارها توسط کارشناسان و موسسات در قالب‌های گوناگون بیان شده است. بر اساس تحقیقات موسسه اقتصاد بین‌الملل پترسون، تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی طی دو دهه اخیر با شکست روبرو شده و این تحریم‌ها تنها در مقاطعی کوتاه موفقیت‌های کمی کسب کرده است. در گزارش موسسه مذکور آمده است، با توجه به شکست تحریم‌های اقتصادی آمریکا بر ضد ایران طی ۲۵ سال اخیر، تحریم‌های جدید نیز با شکست روبرو خواهد شد. به اعتقاد کارشناسان، افزایش قیمت نفت، بالا رفتن نوسانات قیمتی انرژی، کاهش میزان نفوذ آمریکا و افزایش اقتدار ایران از جمله آنها است.



اندیشه و رفتار سیاسی شهید مطهری

علی مرادزاده

این نوشتار در دو بخش تنظیم گردیده که در این شماره «ساختار اندیشه دینی سیاسی»، «روش‌شناسی انتقادی»، «آینده‌سازی»، «خاستگاه افکار و آراء»، «تئوری پردازی انقلاب اسلامی» و «جریان‌سازی و هدایت مبارزه» استاد شهید مطهری مورد مذاقه و ارائه قرار خواهد گرفت.

شهید مطهری از جمله اندیشمندان اصیل و مجاهد کشور است که با نگاه آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در صحنه‌های اسلامی و انقلابی حضوری فعال داشته است. او از یک‌سو در تبیین و تفسیر دین اسلام و تشیع در عرصه قلم و بیان گوی سبقت را از همگان ربودند و از سوی دیگر با واقع‌بینی و بیش از همه به آسیب‌شناسی دینی و اجتماعی همت گماشتند و علاوه بر آن به پاسخ‌گویی روزآمد نیازها و پرسش‌ها و شبهات جوانان و روشنفکران می‌پرداختند. استاد مطهری از نگاه امام خمینی^(ره) حاصل عمر امام، فرزندی بسیار عزیز و برومند، مجاهد در راه اسلام و عالم جاودان است که هیچ چیز جایگزین آن نیست، مطهری در طهارت روح و قوت ایمان و قدرت بیان کم نظیر بود. (پیام امام

خمینی، ۵۸/۲/۱۲) آثار قلم و زبان او بی‌استثنا آموزنده و روان‌بخش است. (پیام امام، ۶۰/۲/۹) و نیز تصریح نمودند که مطهری فرزندی عزیز برای من و پشتوانه‌ای محکم برای حوزه‌های دینی و علمی و خدمتگزاری سودمند برای ملت و کشور بود. (پیام امام، ۵۹/۱/۳۰) و به تعبیر علامه طباطبایی دانشمندی بود متفکر و محقق، دارای هوشی سرشار و فکری روشن و ذهنی واقع بین و آثاری اعجاب آور از خود به یادگار گذاشتند. (پیام امام خمینی، ۵۸/۲/۱۲)

ساختار اندیشه دینی سیاسی شهید مطهری

شهید مطهری یک روحانی برجسته و پیشتاز در تبلیغ اسلام و مبانی دینی است، او در خانواده‌ای روحانی به دنیا آمد و در حوزه‌های علوم دینی پرورش یافت، ساختار فکری و مبانی اندیشه سیاسی او برخاسته از متن شریعت و اهل بیت پیامبر^(ص) بوده است بنابراین اندیشه او اندیشه دینی و انقلابی است و حیات سیاسی خویش را به تناسب ساختار فکری خویش در مسیر ایجاد تحول فکری و سیاسی و اجتماعی صرف نمود. مطهری در زمانه جدید یک اندیشمند و روشنفکر دین مدار بود که اسلام را به عنوان جهان بینی و ایدئولوژی اصلی و اساسی خود انتخاب کرده بود و درصدد بود تا با آموزه‌های اسلامی پاسخگوی مشکلات جامعه باشد. مراجعات مکرر او به قرآن، نهج البلاغه، سیره پیامبر^(ص)، زندگانی اهل بیت و متون ادب عربی و فارسی، فلسفه اسلامی، کلام اسلامی، تاریخ اسلام و نهضت‌های اسلامی نشان دهنده معطوف بودن نگاه مطهری به کلیت فرهنگ و تمدن اسلامی بود.

شهید مطهری اندیشمندی بود که سه عنصر دین و درد و دانایی را صاحب بود، طرفه معجونی بود که حیاتش رنگ خدایی داشت و گام در طریقی داشت که انبیا و اولیای الهی پیشگامان آن بودند. وی علاوه بر این به آسیب‌شناسی دین و جامعه دینی اهتمام جدی می‌ورزید، تحریف‌ها و خرافه‌ها که هدف قرار دادن این به جای واسطه قرار دادن آن است، آسیب‌شناسی معرفت دینی، شناخت آسیب‌ها و آفات است که به معرفت آدمیان از دین آسیب می‌رساند، این

آسیب‌ها و آفات بیشتر معطوف به روش‌های فهم از دین است، همچون عقل‌گرایی محض، اخباری‌گری و عمل‌گرایی، آسیب‌شناسی جامعه دینی معنی شناخت آفات و آسیب‌هایی که ممکن است یک جامعه دینی به واسطه داشتن ماهیت دینی به آنها مبتلا شود، آفاتی چون سالوس بازی، زهدگرایی، سنت‌گرایی منفی و آسیب‌شناسی دین‌داری شناخت آفات و موانعی است که موجب گریز دین‌باوران به خصوص نسل جوان و تحصیل کرده از دین می‌شود و آسیب‌شناسی دین‌شناسان، بررسی موشکافی در کار آنانی است که مدعی شناخت دین و معرفی آن هستند و کشف کردن خطاهای آنها و در نهایت اینکه آسیب‌شناسی نهادهای دینی یعنی شناخت آسیب‌ها و آفاتی که دامن‌گیر نهادهای دینی همچون حوزه‌های علوم دینی شده است (علی دژاکام، تفکر فلسفی غرب از منظر شهید مطهری، ۱۳۷۵، ص ۵).

حکومت و سیاست

دولت و حکومت در حقیقت یعنی مظهر قدرت جامعه در برابر هجوم خارجی و مظهر عدالت و امنیت داخلی و مظهر قانون برای داخل و مظهر تصمیم‌های اجتماعی در روابط با خارجی، (شهید مطهری، پیرامون جمهوری اسلامی، ص ۵۱). تعریف شهید مطهری از حکومت ناظر به واقعیت حکومت‌های موجود در جامعه است و ضمن اینکه در بر دارنده ماهیت مردمی آن است، به مشروعیت آنها برای اجرای قوانین نیز اشاره می‌کند، بنا براین ۲ دیدگاه از حمومت را مطرح می‌کنند یک دیدگاه نگاه به واقعیت که تعریف فوق از آن جهت است و دوم تعریف بایندی حکومت که تعریف آرمانی است.

شهید مطهری در تعریف سیاست هم ۲ نوع نگاه را بیان می‌دارد یک نگاه برون دین که همان نیرنگ و فریب است و دوم نگاه درون دینی که مدیر بودن و اداره کشور است. ایشان در تعریف سیاست می‌گویند: هنوز هم لغت سیاست در میان ما مساوی است با نیرنگ و فریب و حال آنکه سیاست یعنی اداره و سانس یعنی مدیر (سیری در سیره ائمه، ص ۵۴).

رابطه دین و سیاست

آیت‌الله مطهری دین و سیاست را غیر قابل تفکیک می‌داند و سیاست اسلامی را برخاسته از متن دین تلقی می‌کند. ایشان غربیان را سکولار و معتقد به جدایی دین از سیاست می‌شمارند. همچنین مسلمین طرفدار جدایی دین از سیاست را مسلمانان سکولار معرفی می‌نمایند و در دو دسته توضیح می‌دهند. دسته اول اکثریت مسلمانان جهان یعنی جامعه اهل سنت را شامل می‌شود که هدفشان جانبداری از مکتب تفکیک، رهایی دین و مقدسات از سلطه و دستبرد حاکمان و سلاطین است که با ادعای تلفیق دین و سیاست، دین را به خدمت سیاست گرفته‌اند. دسته دوم کسانی که هدف مقدس ندارند و چه بسا به‌خاطر اغفال و کج فهمی یا اغراض دنیوی از سکولاریسم جانبداری می‌کنند مانند آتاتورک در ترکیه و انورسادات در مصر و رضاخان در ایران که پس از مشروطیت بر طبل جدایی دین از سیاست کوبیدند. (نهضت‌های اسلامی، ص ۲۶). شهید مطهری ضمن نقد صریح این دیدگاه بر یگانگی و وحدت دین و سیاست در طول تاریخ پیامبران و یا تاریخ دین تاکید کرده است. (پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۱۰۱)

حق حاکمیت و ملاک‌های مشروعیت

حق حاکمیت و ملاک مشروعیت برای حاکمان از مهمترین مباحث فلسفه سیاسی است، در این زمینه اندیشمندان غربی و اسلامی هر یک از دیدگاه خویش دفاع می‌کنند، در بین غربی‌ها بر حق مردم یعنی دموکراسی و همچنین قرارداد اجتماعی و بعضاً حق الهی و حق طبقه خاص و برگزیده تاکید می‌شود. در اندیشه اسلامی دو جریان کلی وجود دارد، اهل تسنن بر آن هستند که بعد از پیامبر چون اداره جامعه اسلامی به عهده خود مردم است، لذا یکی از سه راه ذیل برای بدست آوردن حاکمیت و مشروعیت ناشی از آن کفایت می‌کند:

- ۱- شورا و بیعت ۲- گماردن از سوی خلیفه پیشین ۳- از راه زور و غلبه. البته اهل تسنن بیشتر به راه اول قائل هستند و گاه از آن به اهل حل و عقد و گاه به

اجماع مسلمانان تعبیر می‌کنند.

شهید مطهری در بحث مشروعیت به دوران صدر اسلام تکیه دارند و به تحلیل مشروعیت در حکومت پیامبر، حضرت علی^(ع) و دیگر ائمه می‌پردازند، از نگاه ایشان حکومت پیامبر دارای مشروعیت کامل الهی و مردمی بود، یعنی هر چند مقام نبوت و تشکیل حکومت در مدینه از طرف خداوند به پیامبر داده شده بود، اما چون مردم با جان و دل پیام الهی پیامبر را دریافت کرده و او را رسول برحق الهی می‌دانستند، ولایت او را بر خودشان قبول داشتند، بنابراین پیامبر در زمان حیات خودشان ولی امر مسلمین بودند و این مقام را خداوند به ایشان عطا فرموده بود... در اینکه چنین شأنی را داشته و این شأن الهی بوده است، یعنی حقی بوده که خداوند به پیغمبر اکرم عنایت فرموده بود، نه اینکه از جانب مردم به آن حضرت تفویض شده باشد، میان شیعه و سنی بحثی نیست. (اسلام و مقتضیات زمان، ج ۱، ص ۱۶۹ و ۱۷۵)

شهید مطهری حق حاکمیت و مشروعیت حکومت امامان را در طول مشروعیت الهی پیامبر می‌داند لذا می‌گوید شیعه بر این اعتقاد است که پیامبر هر سه مسئولیت و شئون الهی خود (مرجعیت دینی، منصب قضا، حکومت و اداره نظام سیاسی) را با امر الهی به امام علی^(ع) تفویض نموده است و بدین سان مشروعیت امامت و حکومت امام علی^(ع) و یازده امام دیگر، مانند زعامت پیامبر منتسب به وحی الهی و خداوند است (امامت و رهبری، ص ۸۰ و ۹۶). شهید مطهری به مشروعیت الهی- مردمی حکومت قائل هستند و در این نظریه مشروعیت حکومت و ولی فقیه دوسویه می‌باشد، ایشان براین باور هستند که انتخاب‌گرها یا سایر فقها هستند یا انتخاب آنها نظیر انتخاب مرجع تقلید با عامه مردم است، یعنی نوعی دموکراسی. (پیرامون جمهوری اسلامی، ص ۱۵۴) ایشان در باب ولایت فقیه قائل به نظریه انتصاب کلی هستند بدین معنا که شارع مقدس با ارائه ملاک‌ها و شرایط کلی، ولی فقیه را مأمور تصدی امر قضا و حکومت کرده است و منشأ مشروعیت او هم از این لحاظ به شرع و شریعت بر

می‌گردد و به ولایت برای فقیه معتقد هستند و وکالت فقیه را رد می‌کنند. (همان، ص ۱۵ و ۱۵۳)

عدالت اجتماعی

شهید مطهری ضمن پرداخت به ماهیت و ابعاد و الزامات عدالت همواره به عدالت اجتماعی توجه زیادی نشان داده‌اند. از نگاه ایشان عدالت اجتماعی هدف بعثت انبیاء است و در قرآن کریم (حدید ۲۵) به تفصیل مورد تأکید قرار گرفته است از این‌رو عدالت اجتماعی یعنی اینکه هر فردی هر مقدار که استعداد دارد کار بکند و به اندازه کار خودش پاداش بگیرد و تمام افراد باید این جور باشند، اگر جامعه از چنین افرادی تشکیل شد آن وقت اجزاء این جامعه هماهنگ هستند (فلسفه اخلاق، ص ۱۱۱). طبق تعریف دیگری از ایشان عدالت اجتماعی این است که در شئون اجتماعی و در راه استفاده از حقوق اجتماعی، شرایط دقیق یک مسابقه کامل نسبت به همه مزایای اجتماعی فراهم شود و طبق یک مسابقه عمل شود و همچنین می‌توان گفت آن عدالتی است که در قانون بشری باید رعایت شود و افراد بشر آن را محترم بشمارند (بیست گفتار ص ۱۳۰).

حقوق مردم در حکومت اسلامی

از دیدگاه شهید مطهری بین حاکم و مردم حقوق متقابل وجود دارد. به این معنی که حاکم و مردم نسبت به هم وظایف و اختیاراتی دارند که بسیار مهم می‌باشند، ایشان در شرح خطبه ۲۱۴ نهج البلاغه می‌گوید: بزرگترین حقوق، حق متقابل حکومت و مردم و حق مردم بر حکومت است، فریضه الهی است که برای همه بر همه حقوقی مقدر فرموده، این حقوق را مایه انتظام روابط مردم و عزت دین آنان قرار داده است. مردم هرگز روی شایستگی و صلاح نخواهند دید، مگر حکومتشان صالح باشد و حکومت‌ها هرگز به صلاح نخواهند آمد مگر توده ملت استوار و با استقامت شوند. هرگاه توده ملت به حقوق حکومت وفادار باشد و حکومت حقوق مردم را ادا کند، آن وقت است که در اجتماع محترم و حاکم

خواهد شد (سیری در نهج البلاغه، ص ۱۰۷)

روش شناسی انتقادی شهید مطهری

شهید مطهری در نکته سنجی و موشکافی ید طولایی دارد و همواره نقد منصفانه و منطقی و معقول را درباره آثار و اندیشه‌های رقیب بکار می‌بردند، ایشان در این زمینه به اصول خاصی پایبند بودند که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- **برخورد اثباتی:** ایشان ابتدا اعتقادات و افکار خویش را تبیین و اثبات می‌نمود سپس به نقد افکار مخالف می‌پرداخت مانند آنچه درباره نقد دیدگاه روشنفکران درباره معجزه انجام دادند. (وحی و نبوت، ص ۵۸)

۲- **بیان نکات مثبت در کنار اشکالات:** شهید مطهری در برخورد با اقبال لاهوری ابتدا چند مزیت او را بیان کردند و سپس دو نقص از او را آشکار ساختند. (نهضت‌های اسلامی، ص ۴۸)

۳- **جدال احسن:** بر اساس آیه "و جادلهم بالتي هي احسن" (نحل/۱۲۵) با خیرخواهی و دوستانه به نقد دیگران و مناظره با آنها می‌پرداخت.

۴- **برخورد احترام آمیز در نقل اقوال:** نقل اقوال دیگر اندیشمندان را با ادبیات احترام آمیز انجام می‌دادند

۵- **نقد و بررسی اندیشه بدون نام بردن از صاحب اندیشه:** نویسنده باید سخن و اندیشه نویسنده را بنگرد و نگاه او به ماقال باشد نه به من قال یعنی انگیزه و انگیزه (نیت و نظریه نویسنده) را از هم جدا می‌کردند. شهید مطهری در رد نظریه مادیت تاریخ از نظر قرآن می‌گوید: برخی از روشنفکران مسلمان مدعی شده‌اند که برخلاف نظریه مارکس، دو سیستمی بر مذهب نیز حاکم است. (جامعه و تاریخ، ص ۲۱۰)

۶- **پرهیز از مطلق گرایی:** شهید مطهری از اینکه همواره نظر خود را حق مطلق و دیگران را باطل مطلق بدانند پرهیز می‌کردند و دیگران را نیز از این کار پرهیز می‌دادند (بیست گفتار، ص ۲۸۵)، در جای دیگر تاکید می‌کنند: بار دیگر از همه فضلا و دانشمندان درخواست دارم که به دقت در آنچه گفته شد بنگرند،

اگر مرا بر خطا می‌بینند، واقفم فرمایند که با سپاسگذاری فراوان خواهم پذیرفت. (علل گرایش به مادیگری، ص ۴۳)

۷- رعایت مصلحت: شهید مطهری همواره مراقب بودند که سخنانی که می‌گویند بر اساس مصلحت باشد.

۸- استقلال فکری: امتیاز برجسته شهید مطهری استقلال فکری و واقع‌گرایی ایشان بود. (علی باقری نصرآبادی، رمز موفقیت استاد مطهری، ص ۸۰)

۹- آزاد اندیشی: یکی از عوامل موفقیت استاد مطهری در نقد اندیشه دیگران، آزاد اندیشی وی بود. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۶/۲/۸)

۱۰- انصاف علمی: کسی که به روشنگری و نقد و پاسخگویی می‌پردازد باید افزون بر پارسایی و دادورزی، انصاف را همواره مدنظر داشته باشد و شهید مطهری از این جهت زبان‌زد خاص و عام و الگوی روشنفکری واقعی بودند. (علی تاج الدینی، معلم نمونه، ص ۴۹. مجله حوزه، ش ۱۰۵ و ۱۳۸۰، ۱۰۶، ص ۳۴۳)

۱۱- برخورد بنیادی: ذهن نقاد و تحلیلی استاد مطهری او را قادر ساخته بود که از ظاهر به باطن امور پی ببرد و در مسایل مختلف این توان را از خود نشان می‌داد. (سیری در اندیشه اجتماعی شهید آیت الله مطهری، علی باقری نصر آبادی، ص ۷۸)

آینده‌سازی و ضرورت زمینه‌سازی ظهور

شهید مطهری انقلاب اسلامی ایران را نظام زمینه‌ساز ظهور قلمداد کرده و مشروعیت نظام سیاسی را از ولایت فقیه می‌دانست که نایب عام امام عصر (عج) است، در عین حال اقبال عمومی و حمایت و مقبولیت مردم را شرط تحقق نظام اسلامی معرفی کردند و نظام اسلامی و مسئولان و نخبگان را موظف به خدمت‌گذاری به مردم و پاسخگویی به آنان دانسته‌اند. با این توصیف مبارزه در راه اسلام و نجات مستضعفان را مشروع و دارای تقدس قلمداد نمودند. (مجموعه آثار، ج ۲۴، ص ۴۲۶)

آیت الله مطهری همواره تاکید کرده‌اند اصلاحات جزئی و آرام آرام به نوبه

خود کمک به مبارزه انسان حق جو و حق طلب با انسان منحط است و آهنگ حرکت تاریخ را به سود اهل حق تند می‌نماید و برعکس، فسادها، تباهی‌ها، فسق و فجورها کمک به نیروهای مقابل است و آهنگ حرکت تاریخ را به زیان اهل حق کند می‌نماید. بنابراین آنچه باید رخ دهد از قبیل رسیدن یک میوه برشاخه درخت است نه از قبیل انفجار یک دیگ بخار. درخت هرچه بهتر از نظر آبیاری و اموری از این قبیل مراقبت گردد و هرچه بیشتر با آفاتش مبارزه شود میوه بهتر و سالم تر و احیاناً زودتر تحویل می‌دهد. از این رو به همان دلیل که اصلاحات جزئی و تدریجی مشروع است، ایجاد نابسامانی‌ها و تخریب‌ها به منظور ایجاد بن بست و بحران نامشروع است. سیر تکاملی بشریت به سوی آزادی از اسارت طبیعت مادی و شرایط اقتصادی و منافع فردی و گروهی و به سوی هدفی بودن و مسلكی بودن و حکومت و اصالت بیشتر ایمان و ایدئولوژی بوده و هست. (همان، ص ۴۲۷)

خاستگاه افکار و آراء شهید مطهری

شهید مطهری منبع اصلی هویت خویش را در سه حوزه فکر و اندیشه، ایمان و عواطف، رفتار و مواضع همواره از قرآن و روایات معصوم^(ع) می‌دانند و ظهور انسان کامل را در پایان تاریخ و در مرحله ناامیدی و سرخوردگی انسان از اندیشه‌ها و آراء بشری وعده قطعی الهی در قرآن کریم بیان می‌دارند و تاکید می‌کند در قرآن به نقش به اصطلاح مرتجعانه ملأ و مترفین و مستکبرین و نقش حق طلبانه مستضعفین تصریح شده است در عین حال از نظر قرآن آن جهاد مستمر پیشبرنده‌ای که از فجر تاریخ وجود داشته و دارد، ماهیت معنوی و انسانی دارد نه مادی و طبقاتی.

جامعه آرمانی مطلوب شاخصه‌های انتظار بزرگ

آرمان قیام و انقلاب مهدی^(عج) یک فلسفه بزرگ اجتماعی اسلامی است. این آرمان بزرگ، گذشته از اینکه الهام بخش ایده و راهگشا به سوی آینده است،

آئینه بسیار مناسبی است برای شناخت آرمانهای اسلامی، این نوید، ارکان و عناصر مختلفی دارد که برخی فلسفی و جهانی و جزئی از جهان بینی اسلامی است، برخی فرهنگی و تربیتی است، برخی سیاسی است، برخی اقتصادی است، برخی اجتماعی است، برخی انسانی یا انسانی - طبیعی است (همان، ص ۴۲۷)

بدیهی است انتظار در آموزه‌های دینی از بالاترین عبادات شمرده شده است، انتظار فرج به دو گونه است ۱- انتظار مثبت که سازنده است، تحرک بخش است، تعهد آور است و با فضیلت ترین عبادات است ۲- انتظارویرانگر که بازدارنده است، فلج کننده است و نوعی اباحی گری محسوب می‌شود. این دو نوع انتظار معلول دو نوع برداشت از ظهور عظیم تاریخی مهدی موعود (عج) است و از دو نوع بینش درباره تحولات تاریخ ناشی می‌شود. انتظار سازنده، انسان ساز و تکامل بخش است و جامعه را برای ظهور بزرگ مهیا می‌سازد. در نتیجه می‌توان گفت ظهور مهدی موعود (عج) منتهی است بر مستضعفان و خوار شمرده شدگان، و وسیله‌ای است برای پیشوا و مقتدا شدن آنان و مقدمه‌ای است برای وراثت و خلافت الهی در زمین. (قیام و انقلاب مهدی، ص ۱۵۱)

ظهور مهدی موعود تحقق بخش وعده‌ای است که خداوند متعال از قدیم ترین زمانها در کتب آسمانی به صالحان و متقیان داده است که زمین از آن آنان است و پایان جهان تنها به متقیان تعلق دارد. (قصص/۵، انبیا/۱۰۵، اعراف/۱۲۸)

شهید مطهری به ترویج گفتمان مهدویت (عج) و نهضت انتظاراهتمام ویژه داشتند از نظر ایشان مشخصات یک انتظار بزرگ عبارتند از: ۱- خوش بینی به آینده بشریت. ۲- پیروزی نهایی و غلبه صلاح و تقوا و صلح و عدالت و آزادی و صداقت بر زور و استکبار و استبداد و ظلم و اختناق. ۳- حکومت جهانی واحد. ۴- عمران تمام زمین در حدی که نقطه خراب و آباد نشده باقی نماند. ۵- بلوغ بشریت به خردمندی کامل و پیروزی از فکر و ایدئولوژی و آزادی از اسارت شرایط طبیعی و اجتماعی و غرایز حیوانی. ۶- حداکثر بهره گیری از مواهب زمین ۷- برقراری مساوات کامل میان انسانها در امر ثروت ۸- منتفی شدن کامل

مفاسد اخلاقی از قبیل زنا، ربا، شرب، خمر، خیانت، دزدی، ناامنی و... و خالی شدن روانها از عقده‌ها و کینه‌ها ۹- منتفی شدن جنگ و برقراری صلح و صفا (تعاون) ۱۰- سازگاری انسان و طبیعت. (همان، ص ۴۳۴)

در آثار شهید مطهری دو نوع انتظار مطرح شده که از دو نوع بینش در تحولات تاریخی ناشی می شوند. ۱- انتظار ویرانگر که منفی و مردود است. ۲- انتظار سازنده که مثبت و مورد تأیید اسلام است. (منشور ضمیمه هفتگی روزنامه رسالت، ش ۱۰۲، ۱۰ / ۲ / ۸۵). شهید مطهری در ایمان و باور به رهبری دینی و ولایت امام خمینی^(۶) تردید به خود راه ندادند و در تبعیت از رهبری پیشگام بودند، علاقمندی و ارادت بی شائبه متقابل بین شهید مطهری با امام خمینی^(۶) زبانزد خاص و عام است. وی در تمامی مراحل مبارزات انقلابی مورد اعتماد امام بودند و همواره طرف مشورت امام قرار گرفتند. شهید مطهری حتی قبل از ۱۵ خرداد ۴۲ در کانون مبارزات حضور داشتند و از پایه گذاران اندیشه انقلابی هستند. بر مجموعه مبارزات نظارت داشتند و تدابیر او موجب انسجام بخشی بر مبارزات می گردید و در میان افراد و گروههای مبارز و انقلابی ارتباط و پیوند برقرار می کردند.

شهید مطهری و تئوری پردازی انقلاب اسلامی

انقلاب به تعبیر شهید مطهری در لغت به معنای زیرو رو شدن و دگرگون شدن و در اصطلاح عبارت از طغیان و عصیان مردم یک ناحیه و یا یک سرزمین علیه نظم حاکم موجود برای ایجاد نظمی مطلوب است. (پیرامون انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹، ص ۸۲) بنابراین تمام همت خویش را برای بر هم زدن نظام طاغوت و نفی و طرد آن و پایه ریزی یک نظام سیاسی مطلوب بکار بست، و در این راه مشقت های زیادی را متحمل گردیده و حوزه و دانشگاه و مطبوعات و مناظرات را به تحرک و تکاپویی امید بخش واداشت، وی جهاد فرهنگی و سیاسی تمام عیاری را پایه ریزی کرد، منظومه فکری اندیشه انقلاب اسلامی را تکمیل نمود، انقلابی در ادبیات نهضت پدید آورد، فرهنگ را کد و بی روح وارداتی

دانشگاهها و مجامع روشنفکری را متحول ساخت.

شهید مطهری با استفاده از مبانی فلسفی و فکری استادش امام خمینی^(ه) و علامه طباطبایی^(و) و از طریق مطرح کردن درست اندیشه‌ها و معارف اسلامی به تحکیم مبانی اعتقادی و فکری مردم پرداخت و زمینه را برای طرح نظریه حکومت اسلامی از سوی امام راحل فراهم ساخت. (شفیعی فر، محمد، درآمدی بر مبانی فکری انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۲۹۷) همین انقلاب فکری شهید مطهری بود که مارکسیست‌ها را به بن‌بست کشانید و روحی تازه در کالبد خبگان دمید. او درد دین داشت و انگیزه انقلابی در او تجلی کرده بود.

به تعبیر مقام معظم رهبری مسئله شهید مطهری مسئله یک جریان فکری است در جامعه ما که هر چه می‌گذرد، برجستگی بیشتری پیدا می‌کند. (جاوید موسوی، سید حمید، ۱۳۷۱، ص ۳۲) شهید مطهری در سال ۱۳۴۰ به همراه شهید بهشتی، شهید باهنر، آیت‌الله العظمی خامنه‌ای و... جمعی را تشکیل داد که مأموریت اصلی آن تدوین جهان‌بینی اسلامی بود. (همان، ص ۲۸)، و همین مباحث، پایه‌های تئوریک انقلاب اسلامی را استوار و فضای روشنفکری و محافل علمی کشور را مجذوب خویش ساخت، از این رو عمر پربرکت استاد در طول تکوین نهضت سپری گردید و وجود خویش را وقف انقلاب کردند. بدین لحاظ شهید مطهری را احیاگر اسلام و اصلاح‌گر اجتماع می‌شناسند. انقلاب اسلامی در بیان شهید مطهری ضمن آنکه تمام خصوصیات مثبت انقلاب‌های مهم دنیا مانند عدالت‌طلبی، ظلم‌ستیزی، محرومیت‌زدایی، معنویت‌خواهی، حریت و آزادیخواهی، را در خود داشت علاوه بر آنها دارای عنصر خاص اسلام بود که به آن رنگ و بو و معنای خاصی می‌دهد. و تأکید می‌کند که انقلاب ما عدالت و استقلال و آزادی را در سایه اسلام می‌خواست. (پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۴۰)

اهداف حکومت اسلامی

شهید مطهری در تبیین اهداف کلی و کلان نهضت به جملاتی از امام علی^(ع) اشاره می‌کند که بعدها امام حسین^(ع) نیز در تبیین هدف و فلسفه نهضت خویش

آنها را بیان کردند.

۱- بازگشت به اسلام واقعی: «لترید المعالم من دینک»، بازگرداندن نشانه‌های محو شده خدا که همان اصول واقعی اسلام، از بین بردن بدعت‌ها، و جایگزین کردن سنت‌های اصیل و اصلاح فکرها و ایجاد تحول در روح‌ها را شامل می‌شود.

۲- ایجاد اصلاحات اساسی و آشکار در وضع زندگی مردم و اصلاح روابط و ساختارهای اجتماعی در میان مردم و نظام سیاسی «نظهرالاصلاح فی بلادک».

۳- توسعه و پیشرفت اقتصادی و تأمین امنیت اقتصادی: استاد در تبیین جمله «لنظهرالاصلاح فی بلادک» می‌گوید: سامان به زندگی مظلومان دادن، شکم‌ها را سیراب کردن، تن‌ها را پوشاندن، بیماری‌ها را معالجه کردن، جمل‌ها را از میان بردن، اقدام برای بهبود زندگی مادی مردم، زندگی مادی مردم را سامان دادن منظور است.

۴- رهانیدن بندگان مظلوم خدا از شر ظالمان: قطع کردن دست ستمکاران از سرستمدیدگان «یأمن المظلومون فی بلادک»

۵- احیای مقررات و اصول تعطیل شده خدا و قوانین نقض شده اسلام که همان تحول ثمربخش در نظامات مدنی و اجتماعی جامعه است. «تقام المعطله من حدودک»، (مجموعه آثار، ج ۲۴، ص ۷۲)

اندیشه و تدبیر شهید مطهری در تحول اجتماعی و شکل‌گیری انقلاب

۱- تحول اساسی در تفسیر و تحصیل هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی و روش‌شناسی در معارف اسلام و مبانی انقلاب اسلامی. در این خصوص جهان بینی و ایدئولوژی اسلام را باز تولید نمودند و به مفهوم سازی پرداختند آنرا با زبان روز و متناسب با اقتضائات جامعه و نیازهای نسل حاضر دسته‌بندی و ارائه کردند.

۲- تبیین صحیح سیره نظری و عملی پیشوایان معصوم^(ع): تحصیل سیره

نبوی^(ص)، جاذبه و دافعه علی^(ع)، شرح نهج البلاغه و موضوعاتی از این قبیل را با ادبیاتی شیوا و جذاب عرضه داشتند.

۳- تحلیل تاریخ اسلام و نقاط عطف آن: از جمله خدمات متقابل اسلام و ایران و حماسه حسینی^(ع).

۴- حضور در دانشگاه: دغدغه تحول ریشه‌ای و همه‌جانبه در دانشگاهها و گسترش معارف دینی و فرهنگ انقلابی در میان اساتید و دانشجویان و پژوهشگران.

۵- ایجاد ارتباط مؤثر و جذاب با نسل جوان

۶- نقد منطقی و صحیح تئوری‌ها و ایدئولوژی‌های بشری در جهان شرق و غرب معارض.

با مجاهدت شهید مطهری معارف دینی تا حدی در جامعه گسترش یافت و نسل جوان با افکار اسلام ناب آشنا گردید، تبیین صحیح مبانی دینی موجبات ایجاد تردید و تشکیک در باورهای وارداتی را فراهم ساخت، وقوع برخی تحولات دیگر در کشور بویژه اقدامات اسلام ستیزی و بر ملا شدن وابستگی و سرسپردگی رژیم طاغوت به ابرقدرتها بواسطه اعطای کاپیتولاسیون و نیز ورود امام خمینی^(ره) به رهبری و مرجعیت جامعه اسلامی که به مبارزات انقلابی علیه استعمار خارجی و استبداد داخلی ابعاد گسترده تری بخشید، روند انقلاب شتاب فزاینده‌ای یافت و شهید مطهری همواره از بازوان توانمند امام و انقلاب و از پیشنهاد و مؤثرترین نهضت بودند.

استاد شهید مطهری از آغاز نهضت پاپای امام راحل^(ره) به مدیریت مبارزات پرداخت و در تبیین و نظریه پردازی ولایت فقیه، حکومت اسلامی و نظام سیاسی مبتنی بر دین گوی سبقت را از همگان ربود، و نظرات خواص و عوام را به خویش معطوف ساخت. شهید مطهری در تنوع‌بخشی به مبارزات و سنگرها و خاکریزهای مبارزه تأثیر زیادی داشت، علاوه بر تحولی که در برخی حوزویان پدید آورد، به دانشگاه راه یافت و فضای جدید و فرصت‌های تازه‌ای برای

فرهنگ‌سازی و بسترسازی انقلاب پدید آوردند. شهید مطهری می‌گوید: این نهضت، نهضتی است از تیپ نهضت پیامبران، یعنی بر خواسته از خودآگاهی الهی یا خداآگاهی. این خودآگاهی ریشه‌اش در اعماق فطرت بشر است، از ضمیر باطن سرچشمه می‌گیرد. (مجموعه آثار، ۱۳۷۸، ص ۶۸)

شهید مطهری و کادر سازی انقلاب

استاد شهید در بهمن ۱۲۹۸ ش در فریمان دنیا آمد و تا ۱۲ سالگی درس مقدماتی را نزد پدرش که از روحانیان برجسته بود گذراند، در سن ۱۲ سالگی در سال ۱۳۱۱ برای تحصیل علوم دینی عازم مشهد مقدس شد و پنج سال در آنجا ماندند. در سال ۱۳۱۶ به قم عزیمت کردند و در محضر اساتید بزرگی چون آیات عظام بروجردی و امام خمینی^(۵) و علامه طباطبایی و... حاضر گردید، بویژه در ۱۲ سالی که نزد امام راحل^(۶) شاگردی کردند مراحل کمال علمی را به نتیجه رساندند. (سیری در زندگانی استاد مطهری، ۱۳۷۹، ص ۴۹) ایشان در سال ۱۳۳۱ ش به تهران عزیمت کردند و به تدریس در حوزه های علمیه و دانشگاههای تهران پرداختند. ایشان در قم و تهران شاگردان بسیاری را از میان طلاب و دانشجویان و پژوهشگران تربیت کردند که اغلب آنها در مراحل مختلف تبلیغ دین و پژوهشگری و مبارزات سیاسی اجتماعی و انقلابی خدمات بزرگی نمودند و از مؤثرین نهضت بشمار می‌رفتند. در این خصوص به جرأت می‌توان گفت که شهید مطهری هم در فهم و درک معارف همواره نمونه و زبازد بودند و هم در عرصه تبلیغ و تفسیر و جذابیت و تأثیرگذاری کم نظیر بودند از این رو شاگردان زیادی با افتخار به تلمذ ایشان اهتمام ورزیدند.

جریان‌سازی و هدایت مبارزات

شهید مطهری از معدود شخصیت‌هایی است که هم‌زمان در چندین جبهه تحرک داشتند، حضور در عرصه تبیین و نقد اندیشه، مبارزه و مقابله با جریان های سیاسی دگراندیش و وابسته، کادرسازی برای انقلاب و در نهایت

جریان سازی از او شخصیتی بی بدیل و جامع و احیاگر ساخته بود. آیت الله مطهری در شکل گیری انگیزه مبارزات انقلابی سهمی وافر داشتند، در آغازین مراحل انقلاب در کانون مبارزات بودند و همواره به کار تشکیلاتی و طراحی مبارزات هدفمند و سازماندهی و ایجاد مشارکت جمعی در نهادینه ساختن مبارزات نقش راهبردی و کار بردی ایفا نمودند، در ترویج جامعه پذیری اسلامی و کارآمد ساختن مبارزان و روشمند کردن مبارزات بی نظیر بودند و می توان گفت تحول و انقلابی در این عرصه ها پدید آوردند. بخشی از فعالیتهای استاد شهید در این راستا عبارتند از:

۱- ارتباط و همراهی با جمعیت فدائیان اسلام: در اوایل دهه ۱۳۳۰

تحولات سیاسی و اجتماعی ایران با مبارزات روحانیت بویژه آیت الله کاشانی وارد مرحله نوینی گشت در این میان گروه فدائیان اسلام به رهبری نواب صفوی با اتخاذ مبارزه مسلحانه نقش ویژه ای در عملیاتی کردن و شتاب بخشیدن به رفتارهای انقلابی علیه رژیم طاغوت داشتند. شهید مطهری چندین بار با آیت الله کاشانی ملاقات کرد و ارتباط خود را با فدائیان اسلام گسترش دادند و از رهبران انقلابی و شیوه ها و نتایج مبارزه الهامات و عبرتهای فراوان گرفتند و به گونه ای که بعدها در آسیب شناسی انقلاب و تبیین و تحلیل نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر به عنوان ریشه های انقلاب اسلامی از آنها بهره گرفتند.

۲- شکل دهی جریان نرم افزاری انقلاب: شهید مطهری با مهاجرت به تهران

در سال ۱۳۳۱ یک جریان فکری انقلابی براه انداخت و افکار و اندیشه او مبنای نرم افزاری و خاستگاه مهندسی مبارزات انقلابی قرار گرفت، این افکار همچون سیلی خروشان، جریانهای فکری وارداتی را به حاشیه راند و خود میدان مبارزه را بدست گرفت.

۳- انجمن ماهانه دینی: جلسات بحث و هماهنگی استاد با انجمن اسلامی

پزشکان که در سال های ۱۳۳۷ تشکیل شده بود علاوه بر مباحث کلامی و فقهی و فلسفی و ایدئولوژیکی اسلام که بسیار تأثیرگذار و روشنگر و هدایت گر بود، به

تدریج با همکاری جمعی از استادان و روحانیان، محفلی ماهانه را در تهران با شرکت چند نفر تشکیل داد که بعدها نام انجمن ماهانه دینی گرفت و دو سال و نیم فعالیت کرد. بدین ترتیب دهه اول مبارزات شهید مطهری از ۱۳۳۱ تا ۱۳۴۱ توانست یک بنیان فکری و جنیش اجتماعی برپایه اسلام پدید آورد و تحول علمی و فرهنگی بزرگی را ساماندهی و هدایت نماید.

۴- مشارکت در قیام ۱۵ خرداد: رحلت آیت الله بروجردی در فروردین ۱۳۴۰ نقطه عطفی در مبارزات انقلابی بشمار می رود، پس از رحلت ایشان امام خمینی^(ع) عملاً رهبری مبارزات را بر عهده گرفتند و پس از اعتراضهای ملایم و مقطعی به انتقادهای شدید از حکومت و سپس به قیام علیه رژیم طاغوت پرداخت. شهید مطهری در جریان این مبارزات در ۲۱ فروردین ۱۳۴۲ دستگیر و روانه خدمت سربازی اجباری گردید. روند مبارزات به گونه‌ای پیش رفت که امام خمینی^(ع) در شب ۱۵ خرداد ۴۲ سخنرانی شدیدی علیه رژیم کردند و فردای آن روز دستگیر و به ترکیه و سپس به عراق تبعید شدند. شهید مطهری نیز بواسطه نزدیکی به مردم در جریان واقعه ۱۵ خرداد در هدایت قیام مردم تهران و مرتبط کردن آن با رهبری حضرت امام^(ع) نقشی اساسی داشت. وی نیز در شب ۱۵ خرداد سخنرانی تندی علیه شخص شاه ایراد کرد که در همان شب دستگیر و تا ۴۳ روز در بازداشت ماند. در اولین سند مربوط به این دستگیری آمده است: «نامبرده بالا در تاریخ ۱۳۴۲/۳/۱۵ به اتهام اقدام بر ضد امنیت داخلی مملکت دستگیر و در حال حاضر در زندان شهربانی کل کشور بازداشت می‌باشد. (استاد شهید به روایت اسناد، ص ۲۳)

۵- ساماندهی هیأت‌های مؤتلفه اسلامی: پس از واقعه ۱۵ خرداد اعضای هیأت‌های مذهبی از امام خمینی^(ع) خواستند تا نمایندگانی معرفی کنند که هدایت و مدیریت این هیأت‌ها را بر عهده بگیرد و شهید مطهری یکی از نمایندگان امام بودند که بدین منظور معرض شدند. استاد معتقد بودند هر نهضت اجتماعی و تشکیلات سیاسی مذهبی باید پشتوانه‌ای از نهضت فکری و

فرهنگی داشته باشد. (نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، صدر، ص ۷۴)، بدین صورت جلسات توجیهی و کلاس های آموزشی برگزار کرد و کتاب انسان و سرنوشت از همین مباحث تدوین گردید. در این بحث ها استاد یکی از مسائل مهم یعنی بررسی علل انحطاط مسلمانان را بررسی می کردند. (سیری در نهج البلاغه، ص ۶۱)

۶- تأسیس هسته های اولیه جامعه روحانیت: پس از قیام ۱۵ خرداد ۴۲ مبارزات سیاسی و اجتماعی استاد شتاب بیشتری به خود گرفت و زمینه ها و فرصت های بیشتری برای مبارزه فراهم گردید. یکی از اقدام های مهم شهید مطهری پس از تبعید امام خمینی^(۵) به عراق مدیریت و ساماندهی پیوند بین امام و امت بود و در این زمینه مجاهدتهای فروانی نمودند. یکی از اقدامات ایشان در این مقطع، تشکیل هسته های مرکزی جامعه روحانیت در قم و تهران بود. شهید مطهری از بنیانگذاران این هسته ها و نیز نماینده فکری امام خمینی^(۵) بشمار می رفتند، دفاتری از این تشکیلات نیز در شهرستانها بوجود آمدند، شهید مطهری بیش از دیگران در اندیشه شکل و سازماندهی روحانیت بود و نظریات خود را در این مورد طی مقاله ای در کتاب مرجعیت و روحانیت منتشر کردند.

استاد در سال ۱۳۵۵ به دنبال درگیری با یک استاد کمونیست دانشکده الهیات زودتر از موعد مقرر بازنشسته شدند. در این سال ها استاد شهید با همکاری تنی چند از شخصیت های روحانی «جامعه روحانیت مبارز تهران» را بنیان گذاری کردند، و از این طریق نظم و انسجام و هماهنگی بیشتری در میان نیروهای انقلاب پدید آمد.

۷- تأسیس حسینیه ارشاد: ایجاد یک مؤسسه علمی و فرهنگی برای تبیین دیدگاه های اسلامی در سال ۴۶ از دیگر اقدامات اساسی و تشکیلات هدفمند شهید مطهری بود. وی اولین سخنرانی خود را در ۴۶/۲/۱۶ ایراد کردند و بعداً با دعوت از سخنرانان برجسته دیگر ابعاد روشنگری ها از تنوع و گستردگی بیشتری برخوردار گردید. در مجموع شهید مطهری توانست یک موج اجتماعی و علمی

فراگیر ایجاد نماید.

۸- سازماندهی مبارزه با صهیونیسم: شهید مطهری به تبعیت از رهبری انقلاب روشنگری‌ها و مبارزاتی را علیه رژیم اشغال‌گر قدس و صهیونیست‌ها در پیش گرفت و تلاش نمودند تا این فعالیت با یک جریان اجتماعی و موج مذهبی، فراگیر شود. ایشان در اسفند ۴۸ سخنرانی تندی علیه رژیم صهیونیستی کردند که به دستگیری او منجر شد. (حماسه حسینی^(ع)، ج ۲، ص ۱۶۴) در سال ۴۹ اقدام به گشودن حسابی بانکی بنام خود، علامه طباطبایی و سید ابوالفضل زنجانی برای جمع‌آوری کمک‌ها به مردم فلسطین کرد و وقتی این موضوع را طی یک سخنرانی در همان سال اعلام نمود دستگیر شدند. این جریان‌سازی که به مبارزات انقلابی ابعاد جهانی می‌بخشید و جهانی بودن آموزه‌های اسلامی را برجسته می‌ساخت در مراحل مختلف مبارزه از سوی شهید مطهری ترویج و تعقیب گردید. (قربانی، قدرت‌الله، درآمدی بر اندیشه دینی سیاسی شهید مطهری، ۱۳۸۴، ص ۳۰)

۹- فعال کردن مساجد به عنوان پایگاه انقلاب: فعالیت‌های مسجدالجواد^(ع) تهران و سپس مسجد جاوید و مسجد ارک و سایر مساجد یکی پس از دیگری توسط شهید مطهری شدت گرفت و مساجد به نحو فعال تری و به کانون مبارزات روشنفکرانه و انقلابی تبدیل گشتند.

۱۰- اوج‌گیری نهضت در سال ۵۶: شهادت سید مصطفی خمینی عامل تشدید مبارزات در سال ۵۶ بود، شهید مطهری و اصحاب انقلاب با تشکیل جلسات و برنامه‌های بزرگداشت، شعله‌های انقلاب را بیش از پیش برافروختند و ایشان در این حوادث به خوبی ارتباط متقابل مردم، علما و مراجع با امام خمینی^(ع) را مدیریت می‌کردند و علاوه بر آن در گسترش قیام مردم تبریز در ۲۹ بهمن ۵۶ نیز سهمی بسزا داشتند.

۱۱- تبیین ولایت و رهبری امام خمینی^(ع): شهید مطهری در مراحل مختلف مبارزه، اصل امامت و ولایت و نیز رهبری امام راحل و حکومت اسلامی را با

برهان قاطع و بیان رسا و اقناع کننده تبیین نمودند. ایشان ضمن یک سخنرانی در مهرماه ۱۳۵۷ در دانشگاه صنعتی شریف، اهداف روحانیت در نهضت اسلامی و همچنین ویژگیهای مکتبی این نهضت را تشریح کردند و با تأکید بر رهبری بلامنازع امام خمینی^(ره) نشان داد وحدت رویه و التقاط و همسویی تفکر اسلامی با افکار وارداتی از غرب و شرق امکان پذیر نیست.

مبارزات فکری، غیریت‌زدایی و جریان‌شناسی

استاد مطهری به همان میزان که در تفسیر و تبیین معارف دینی و مبانی انقلاب اسلامی اهتمام ورزیدند، به نقد جریان‌های فکری و اندیشه‌های وارداتی به‌ویژه ایده‌های انقلابی مارکسیسم که بخش عمده‌ای از جوانان و روشنفکران را گمراه ساخته بود، پرداختند. مهم‌ترین این جریان‌ها و اندیشه‌ها که هر یک طیف‌ها و جریان‌های گوناگونی را نمایندگی می‌کردند عبارت بودند از:

۱- **مارکسیسم و ماتریالیسم:** شهید مطهری علاوه بر اینکه شرح و تفسیر اصول فلسفه و روش رئالیسم را به بهترین وجه ممکن به انجام رسانید، بلکه با نقد مارکسیسم و بیان علل گرایش به مادیگری و نگارش کتاب‌ها و مقالات متعدد و ایراد سخنرانی‌ها و انجام مناظرات گوناگون به شفاف‌سازی و روشننگری پرداختند، شهید مطهری در شرایطی که شماری از روشنفکران و نیروهای انقلابی همچنان مارکسیسم را مشی مبارزه و قیام و انقلاب می‌دانستند یک موج ضدمارکسیستی و نهضت بیدارگری و افشاگری برآه انداختند.

۲- **جریان روشنفکری:** شهید مطهری پرچمدار مقابله با جریان روشنفکری وابسته بود. روشنفکری اول در ایران ناقص الخلقه متولد شد و نه تنها در چارچوب مبانی دینی و الهی نبود بلکه در مقابل آن بود. روشنفکری از غرب وارد ایران شد و دارای انحرافات زیادی بود، و شهید مطهری از معدود مردان مبارزه با این نحله بودند. (محمدی، منوچهر، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، ص ۷۶).

۳- **جریان نفاق:** رویکرد نفاق با ظاهری موجه و آراسته اما باطنی مارکسیستی یا لیبرال به تخریب باورها و انحراف در رفتارهای جوانان

می‌پرداختند و شهید مطهری و نیروهای انقلاب، باید در چندین جبهه مبارزات را مدیریت می‌کردند.

۴- ملی‌گرایی: ایده ملی‌گرایی و جریان‌ها و گروه‌ها و فعالان سیاسی ملی‌گرا همچون جبهه ملی و پیروان دکتر مصدق بخشی از انرژی مبارزات را به خود معطوف ساختند، ملی‌گراها در گمراهی جوانان گوی سبقت را از منافقین ربودند، گرچه منافقین نیز مولود ملی‌گرایی بودند. شهید مطهری با تبیین آینده صحیح اسلام ناب محمدی^(ص) و اندیشه انقلابی امام خمینی^(ه) و آینده‌نگری و دور اندیشی‌اش برای انقلاب به نقد آن پرداختند و جوانان را در این عرصه نیز از منجلاب وابستگی و انحراف و فریب نجات بخشیدند.

۵- التقاط: جریان التقاط کوره راه دیگری بود که به انحراف برخی جوانان انجامید، التقاط با مارکسیسم، لیبرالیسم، ملی‌گرایی و اندیشه‌های بشری و نحله‌های نوپدید دام دیگری بود که استعمار در پیش پای عناصر سست ایمان و خشک مغز بی‌منطق پهن کرد، شهید مطهری که خطر آنها را برای انحراف جوانان رصد کرده بود و التقاط را مانع و آفتی بزرگ در مسیر انقلاب می‌دانست با تمام وجود به مبارزه و مقابله با آنها برخاست و مغلطه و سفسطه آنها را برملا کرد. گروهک فرقان و نیز منافقین خلق و برخی گروههای دیگر از این جمله بودند (شفیعی‌فر، محمد، ۱۳۷۸، ص ۱۹۶)

۶- لیبرالیسم: لیبرالیسم سکولار به موازات مارکسیسم در محافل روشنفکر مطرح شده بود. از یک‌سو با آموزه‌های دینی در تعارض بود و از سوی دیگر وابستگی به بلوک غرب به‌ویژه اندیشه‌های اروپایی و نظام سیاسی آمریکا را تعقیب می‌نمود. این ایده بیشتر از چالش‌های پیش روی انقلاب بود و شهید مطهری بیش از هر کس دیگر مرد این میدان بودند و با قلم و بیان و اقدامات معجزه‌آسای خویش ضلالت آنها را بر همگان آشکار ساخت.

۷- جریان تحجر، جمود و خرافه: متحجرین و خرافه پرستان و اهل جمود همواره در طول تاریخ آفت مبارزات انقلابی بوده اند، لکن تنها مردان بزرگ علم و

جهاد قادر به رویارویی با آنها هستند. شهید مطهری به پیروی از پیشوایان معصوم^(ع) خویش در این جهاد بزرگ موفقیت‌های قابل توجهی بدست آوردند. مبارزه با قشری‌گری انجمن حجتیه، پیرایه‌زدایی و خرافه‌زدایی از مراسم عاشورا و عزاداری‌ها از این جمله بود. (حجت‌الاسلام سعیدی، فصلنامه مربیان، ش ۲۷، ص ۳۴)

« پاسخ به سؤالات سیاسی »

۶

۱- رویکرد "نرمش قهرمانانه" ای که مقام معظم رهبری در جمع فرماندهان سپاه مطرح کردند چگونه ارزیابی می‌کنید؟

نرمش قهرمانانه موضع جدید رهبر معظم انقلاب اسلامی نیست بلکه معظم له در سال ۱۳۷۹ نیز در دیدار وزیر خارجه و دیپلمات‌های وقت ایران دیپلماسی را میدان "نرمش قهرمانانه خواندند و فرمودند: «من می‌گویم شما تیزتر از شمشیر، نرم‌تر از حریر و سخت‌تر از سنگ و پولاد باشید. مثل حریر نرم باشید در عالم دیپلماسی، دیپلماسی میدان نرمش‌های قهرمانانه است، نرم باشید منتها نرمشی که تیز است.» اما چگونگی و کیفیت استفاده از این تاکتیک که در جمع فرماندهان سپاه یادآور شدند از سوی نخبگان و سیاستمداران دو برداشت متفاوت را در پی داشت:

از یک‌سو برخی از رسانه‌ها و طیف‌ها از دید سازشکارانه به این مقوله نگاه می‌کنند و سعی دارند از هر سناریو و فرضیه سیاسی یک نتیجه قطعی بدست آورند و با مستمسک قرار دادن دیدار اخیر هیات دیپلماتیک ایران و آمریکا در مجمع عمومی و ژنو و

پرسش و پاسخ

تماس تلفنی رییس جمهور ایران و آمریکا سعی دارند این موضوع را فتح الفتوح سیاست خارجی ایران مطرح کنند. اگرچه شرایط عادلانه و عاقلانه که مغایر منافع ملی ما نباشد و منجر به قهرمانی نظام اسلامی در عرصه بین‌المللی شود می‌توان در قالب تاکتیک نرمش قهرمانانه گنجاند. اما ذوق زدگی بیش از حد برخی رسانه‌ها و اشخاص از این موضوع به گونه‌ای است که گویی آثار مطلوب آن از هم اکنون قابل مشاهده است. در صورتی که تمامی کدها و نشانه‌های گذشته از رفتار آمریکایی‌ها با دولت و ملت ایران خلاف چنین باوری را ثابت می‌کند. زیرا اختلاف میان ایران و آمریکا محصول مسایل هسته‌ای و حقوق بشر ادعایی از سوی آنان نیست بلکه مسئله اصلی ایران و آمریکا انباشت چند دهه دخالت‌های آمریکا، ایستادگی و مقاومت نظام اسلامی است. که ریشه آن در حوادثی چون کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۲۲، تحمیل هشت سال جنگ عراق علیه ایران و حمایت همه جانبه از جنایات رژیم صدام و... تصویر سیاهی از دولت آمریکا در ذهن مردم ایران نقش بسته است که با یک لبخند دیپلماتیک با توجه به سوابق آمریکایی‌ها، حتی بفرض محال تمام تاسیسات هسته‌ای را پلمپ کنیم جواب نخواهد داد. دیدگاه دوم نگاه به نرمش قهرمانانه را نه از بعد ضعف و شکست بلکه از دریچه قدرت و پیروزی می‌داند. در این حالت نرمش مثبت تلقی می‌شود زیرا گام بعدی قهرمانی است. بنابراین دستگاه دیپلماسی ما باید در نشست‌های آتی با توجه به تجربه تاریخی و رصد هوشمندانه همراه با تردید نسبت به رفتارهای سردمداران کاخ سفید، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است چرا که در این عرصه باید مطالبات به حق ملت ایران به شایستگی مورد تکریم و پذیرش قرار گیرد.

۲- ارزیابی شما از علل نرمش مواضع آمریکا در مقابل جمهوری

اسلامی ایران چیست؟

همان گونه که می‌دانید تغییر نگاه مقامات غربی نمی‌تواند دفعی و تنها به

دلیل برخی پالس‌های مثبت داخلی بعد از انتخابات ۲۴ خرداد ماه اتفاق افتاده باشد. چرا که کنش مقامات سیاسی در دوره اصلاحات که «گفتگوی تمدن‌ها» را در پی تعامل با دنیا بود حاصلی جز شرور خواندن ملت ایران نشد و گام نهادن در این مسیر تجربه‌های تلخ دیگری را به همراه خواهد داشت.

تغییر رفتار غربی‌ها و سیاستمداران کهنه کار آنان با توجه به پیشینه آنها در جنگ افروزی در منطقه و جهان نباید با نگاه ساده‌لوحانه مورد ارزیابی قرار گیرد. بلکه این تغییر باید در یک پروسه زمانی مورد واکاوی قرار گیرد.

هرچند تلاش دستگاه دیپلماسی کشور از جمله رییس جمهور و دفاع از حقوق ملت ایران قابل تحسین است. اما با نگاه به اصول و مبانی سیاست خارجی در طول سال‌های بعد از ۸۴ می‌توان گفت «اصل ایستادگی و مقاومت در مقابل دشمن» در طول ۸ سال اخیر هرچند با مشکلات اقتصادی و معیشتی را برای جامعه به همراه داشت، اما در بلند مدت منجر به تاثیرهای مهمی چون تغییر ادبیات مقامات سیاسی آمریکا به خصوص تاکید و اعتراف اوباما بر حقوق بهره‌مندی استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای ملت ایران شد. نمی‌توان انکار کرد. استراتژی مقاومت بر مبنای اصول، از جمله پرونده هسته‌ای ایران در کنار مولفه‌هایی چون حفظ ثبات داخلی، فائق آمدن بر فتنه‌ها و توطئه‌های داخلی و خنثی کردن توطئه‌های نظام سلطه در منطقه، نه تنها منجر به افزایش قدرت جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل شد، بلکه باعث عقب نشینی دولتمردان غربی از مواضع چند سال اخیر آنان شد.

۳- علل عقب نشینی آمریکا از حمله به سوریه را چگونه ارزیابی

می‌کنید؟

هرچند همراه نشدن کنگره با دولت را به عنوان یکی از عوامل عقب نشینی آبرومندانه آمریکا از عملی کردن تهدید خود به لزوم جنگ علیه سوریه می‌توان نام برد. اما نکته مهم دیگر آشکار شدن ابعاد پنهان و اعلام

نشده سناریو سازی اخیر علیه سوریه و متهم کردن آن به استفاده از سلاح شیمیایی در غوطه شرقی بود. به عبارت بهتر یکی از اهداف سناریو اخیر به خصوص از سوی رژیم صهیونیستی وادار کردن سوریه به امحای سلاح‌های شیمیایی خود است.

در نگاه آمریکا و رژیم صهیونیستی با نابودی سلاح‌های شیمیایی سوریه اگر چه زمان حمله به عقب افتاد، اما بیش از پیش دست آمریکا و رژیم صهیونیستی را برای حمله باز می‌گذارد و این تجربه در عراق و لیبی روی داده است. می‌توان این نتیجه را گرفت که از همان ابتدا هدف نهایی تهدید لزوماً جنگ نبوده است بلکه وادار کردن حریف به دادن امتیاز به خصوص در زمینه از بین بردن سلاح‌های شیمیایی و پیوستن این کشور به معاهده NPT بود. که سوریه در چارچوب منطق بازدارندگی در قبال سلاح‌های هسته‌ای رژیم صهیونیستی استفاده می‌کرد.

از این حیث می‌توان دو نتیجه گرفت نخست این که با پیوست سوریه به معاهده اجرای معاهده سلاح‌های شیمیایی هم خاطر امریکاییها و رژیم صهیونیستی برای حمله آتی آسوده می‌شود. همچنین قدرت مانور این رژیم را از امتناع از امضای معاهده NPT بیشتر خواهد شد. بنابراین کشورهای عربی با مشارکت در سناریو اخیر به خود زنی دست زدند چراکه همه کشورهای عربی سلاح هسته‌ای رژیم صهیونیستی را تهدید جدی برای خود می‌دانند.

در مقابل برخی از کارشناسان بر این باورند که در جنگ ۳۳ روزه عملاً کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ‌های مبتنی بر استراتژی نامتقارن از بین رفته است. بنابراین موافقت دولت سوریه با امحای سلاح‌های شیمیایی یک تاکتیک بود و موفق شد از مرحله بحران عبور کند. از سوی دیگر ارتش این کشور نیز توانایی‌ها فوق العاده‌ای به دست آورده است.

۴- در فضای رسانه‌ای اصلاح‌طلبان این‌گونه القاء می‌شود که مذاکره

و برقراری رابطه با آمریکا منجر به حل تمامی مشکلات اقتصادی خواهد شد. ارزیابی شما از این روند چیست؟

همان گونه که می‌دانید جنایات آمریکایی‌ها همچنین عدم پایبندی آنان به تعهدات خود در مقابل ملت ایران که نمونه آن نداشتن توپ در زمین ایران در تماس اخیر تلفنی بین آقای روحانی و اوباما، اظهارات تندروانه مقامات آمریکایی اعم از جان کری، سوزان رایس و... پیرامون نفی حق غنی سازی ملت ایران، حتی روی میز قراردادن گزینه نظامی پس از برداشتن گام‌های جدی توسط هیئت ایرانی در راه حل مشکلات و ...، بنابر این آن چه را که رسانه‌های اصلاح طلب و تیم‌های کارشناسی آنان در صدد القاء این مسله به افکار عمومی است که مذاکره با آمریکا تنها راه برون رفت از مشکلات فعلی اقتصادی مردماست را در هاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد چرا که رویکرد مقامات آمریکایی مستلزم ایجاد بدبینی به روند مذاکره با آمریکا را دو چندان می‌کند. اگر چه مباحث دیپلماتیک محور کار دولت قرار گرفته و علم و اقتصاد به گوشه‌ای نهاده شده و سیاست خارجی، راه برون رفت از مشکلات عنوان می‌شود در حالی که، اگر واقع بینانه بنگریم شرایط کنونی کشور گویای این حقیقت است که تکیه بر ظرفیت‌ها و توانمندی‌های داخل کشور، اتکا به نیروی متخصص و جوان کشور و برقراری ارتباطی قوی بین صنعت و دانشگاه در حوزه‌های مختلف کشاورزی، اقتصادی، صنعتی و ... راه اصلی برون رفت از مشکلات می‌باشد. نه لبخند دیپلماتیک غربی‌ها.

۵- ارزیابی شما از رویکرد "نرمش قهرمانانه" در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چیست؟

تأکید رهبر معظم انقلاب اسلامی بر لزوم حرکت‌های صحیح دیپلماتیک در عرصه سیاست خارجی و کاربرد اصطلاح نرمش قهرمانانه موضوعی است که بایستی از سوی کارگزاران دیپلماسی به‌درستی تعبیر شده و به‌صورت

نقشه راهی برای کنشگری خارجی کشور درآید.

مقام معظم رهبری به ترسیم نقشه راهی برای تصمیم‌گیری و عمل کارگزاران سیاست خارجی کشور پرداختند. و با تأکید بر این که جنگ‌افروزی، فقرآفرینی و فسادانگیزی به‌عنوان سه سیاست اصلی نظام سلطه و وابستگان آن، مبنای ایجاد چالش با انقلاب اسلامی ایران بوده است، بر لزوم مقابله با دولت‌های جبار، حکومت‌های وابسته به نظام سلطه و شبکه‌های غارتگر بین‌المللی تأکید کردند.

اما نکته مهمی که در بیانات مقام معظم رهبری در خصوص سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه بسیاری از تحلیلگران و رسانه‌ها قرار گرفت، استقبال ایشان از حرکت‌های صحیح دیپلماتیک و نرمش قهرمانانه در سیاست خارجی بود که می‌تواند گشاینده برخی گره‌ها و چالش‌های کنونی ایران در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی باشد. اما باید دانست که «نرمش قهرمانانه» بیشتر در سطح تاکتیک دیپلماسی کاربرد دارد و نباید برداشت نادرستی از آن را ترویج کرد. جمهوری اسلامی همیشه اهل گفتگو و تعامل سازنده بوده و در دنیای دیپلماسی با ابعاد مختلف آن حضور فعالی داشته است؛ بنابراین استفاده از تاکتیک‌های مختلف در این عرصه دور از ذهن نیست کما این که یکی از این تاکتیک‌ها را می‌توان در عبارت «نرمش قهرمانانه» جستجو کرد.

البته باید صراحتاً به این نکته اشاره نمود که این ادبیات، مفهومی نیست که اخیراً تولید شده باشد بلکه سابقه‌ای طولانی در تاریخ دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران دارد. همین مطلب نشان‌دهنده کارآمدی نظام اسلامی کشورمان در عرصه بین‌المللی است که در مواجهه با تحولات مختلف جهانی ابزارها و تاکتیک‌های قدرتمندی را به کار می‌بندد.

نکته دیگری که در این موضوع بسیار قابل تأمل است، نگاه صحیح و پایبندی به اصول نظام است. نرمش دیپلماتیک یک حرکت استراتژیک

قهرمانانه با رعایت مواضع حکیمانه و عزتمندانه نظام اسلامی است. اگر بخواهیم این حرکت را نشانی از کرنش تلقی کنیم، بی شک عزت نظام را زیر سؤال برده‌ایم و این جفایی بزرگ به حقوق ملت ایران است. آنچه از نرمش قهرمانانه دیپلماتیک می‌توان برداشت کرد با حفظ منافع ملی و مواضع قدرتمندانه جمهوری اسلامی در سطح منطقه است. کسانی که می‌خواهند در بعد دیپلماتیک این تاکتیک را عملیاتی نمایند باید به اصول و مواضع اصلی و ثابت جمهوری اسلامی در ارزش‌های آن پایبندی داشته باشند. این مواضع، هیچ‌گاه اجازه ذوق‌زدگی بیش از حد و عجولانه را به ما نخواهند داد و تحرکات نرم توأم با رویکرد عزت را در سطح تاکتیک نگاه خواهند داشت.

۶- جایگاه ایران در معادلات منطقه‌ای به خصوص پس از شکست

آمریکا در طرح حمله نظامی به سوریه در چه سطحی ارزیابی می‌کند؟

جمهوری اسلامی ایران نشان داد توانایی ارائه راه حل دارد، به همان میزان که می‌تواند سیاست ماشه در سوریه را مدیریت کند، به همان اندازه نیز می‌تواند توانایی پیش‌گیری و همچنین بازدارندگی خودش را در آرایش جدیدی از تحولات به حریف تحمیل کند، و بر اساس ادبیات آشکار و پنهان خود محاسبات حریف را در دور جدید مدیریت کند، قدرت ارائه راه حل را نیز دارد.

جمهوری اسلامی ایران نشان داده که در تحولات همیشه در کنار حقوق مردم و مظلومان و همیشه مخالف سلطه و تحمیل بوده به همین خاطر امروزه، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بایستی در مسیری حرکت کند که فضا و موازنه وحشت در موضوع سوریه را تغییر بدهد، موازنه تهدیدی را که آمریکایی‌ها صرفاً بر اساس یک نوع تصویرسازی و مدیریت تهدید معتبر نظامی بخواهند به اهدافشان برسند را به درستی بتواند مدیریت کند و نشان بدهد که غرب چگونه با ادامه و اصرار تاکتیک خودش دچار ضرر و زیان

می شود. از این منظر جمهوری اسلامی ایران بایستی نقش حامی برای آینده سازی و آرامش بخشی در تحولات سوریه را دنبال کند. زیرا هرگونه تحول داخلی در سوریه، حتی اگر معطوف به ژنو ۲ باشد متعلق به مردم سوریه است و مردم هستند که تشخیص می دهند در شرایط موجود آینده خودشان را چگونه شکل بدهند.

۷- به نظر شما علل نگرانی کشورهای عربی از برقراری ارتباط میان آمریکا و ایران چیست ؟

همان گونه که می دانید کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، هرگونه بهبودی در روابط ایران و آمریکا را زمینه ساز برقراری ثبات و امنیت در منطقه می دانند؛ اما با این حال این کشورها در قبال امتیازهای احتمالی که آمریکا در این خصوص ممکن است به ایران بدهد، نگران هستند؛ زیرا بی تردید این بهبودی روابط بدون امتیازدهی ممکن نیست.

بهبودی در روابط ایران و آمریکا در حالی صورت می گیرد که کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس به سبب ناکامی آمریکا در حمله به سوریه، به وااشنگتن بی اعتماد شده اند؛ این کشورها و در راس آنها عربستان سعودی، که حامی مخالفان دولت سوریه هستند، حمله نظامی به سوریه را ترجیح می دادند.

از سوی دیگر ممکن است کشورهای عربی فشارهایی را بر کنگره و مراکز تصمیم گیری در آمریکا وارد کنند، این کشورها با توجه به درآمد عظیمی که از نفت و گاز دارند، می توانند بخشی از معاملات خود را با دلار تغییر دهند "تا به این ترتیب، ناخرسندی خود را از بهبود روابط ایران و آمریکا نشان دهند." و این امر از هم گرایی این کشورها با رژیم صهیونیستی به دست می آید که طی آن مقامات کشورهای حاشیه خلیج فارس اخیرا به سرزمین های اشغالی سفر کرده اند. این سفر نشان دهنده ی اختلاف رو به

افزایش بین رژیم صهیونیستی و باراک اوباما بر سر تعامل با ایران است. اغلب کارشناسان این سفرها را در خط تبادلات اسرائیل با سعودی‌ها و کشورهای حاشیه خلیج فارس در جهت یکسان‌سازی اقداماتشان برای خنثی‌سازی هرگونه تلاش دولت آمریکا برای کاهش فشار بر برنامه هسته‌ای ایران می‌دانند و شواهد موجود بیانگر این است که رژیم صهیونیستی، عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس توافق کرده‌اند که لابی‌های خود در کنگره را در جهت خنثی‌سازی اقدامات دولت اوباما در قبال کاهش فشارها بر ایران همگام کنند.

۸- ارزیابی شما از اعتراض برخی از دانشجویان به آقای روحانی در فرودگاه مهرآباد چگونه است؟

همان‌گونه که از رسانه‌ها منعکس شد، اوباما بعد از تماس تلفنی آقای روحانی با، در دیدار با نتانیاهو گفت گزینه نظامی علیه ایران همچنان روی میز است. جان کری نیز اعلام کرد ایران باید اعتماد جامعه جهانی را درخصوص پرونده هسته‌ای بدست آورد. دلتمردان و سیاستمداران آمریکایی با این اقدامات در صدد انعکاس صدهای مختلف از جامعه آمریکا هستند. تا به دستگاه دیپلماسی آمریکا اجازه قدرت مانور و در نتیجه گرفتن امتیاز از طرف ایرانی را فراهم کنند. در مقابل اگر از سوی ایران نیز صدهای مختلف مطرح شود. قدرت مانور دستگاه دیپلماسی ما را نیز با لا می‌برد. پس اعتراض برخی از دانشجویان در فرودگاه مهرآباد تهران به آقای روحانی را نباید با برخورد غیرمنطقی بایکوت کرده و نسبت به این مساله با عینک بدبینی نگاه کرد. بلکه این اعتراضات و دیدگاه‌های دیگری که باعث شنیده شدن صدهای معترض می‌شود را با به فال نیک گرفت. زیرا این تحرکات (البته مسالمت‌آمیز) بیانگر تحرک سیاسی جامعه است و این اقدامات باعث بالا بردن قدرت مانور دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران می‌گردد. زیرا در

صورت به بن‌بست رسیدن مذاکره با طرف آمریکایی پل‌های پشت سر دولت خراب نشده و امکان بازگشت عزتمندانه را فراهم می‌نماید.

امام خامنه ای (مدظله العالی) :

(۹۲/۰۷/۱۳)

ما دولت آمریکا را دولتی

غیر قابل اعتماد میدانیم؛

دولتی خودبتربین

دولتی غیرمنطقی و عهد شکن

دولتی سخت در پنجه تصرف

و اقتدار شبکه صهیونیسم

بین المللی.



نماینده‌گی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

معاونت سیاسی